

توضیحات:

- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- حیطه تخصصی دبیر فرهنگ و هنر
- خلاصه + نکات مهم

خلاصه و نکات مهم

هنر و تمدن اسلامی

iranarze.ir/a1

دانلود سوالات استخدامی آموزش و پرورش

iranarze.ir/a2

دانلود منابع و جزوات استخدامی آموزش و پرورش

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »



فهرست مطالب (برای مراجعه به هر بخش، روی عنوان بزنید)

❖ فصل اول: خلاصه هنر و تمدن اسلامی – صفحه ۲

❖ فصل دوم: نکات مهم هنر و تمدن اسلامی – صفحه ۵۱

فصل اول: خلاصه هنر و تمدن اسلامی

هنر اسلامی

هجرت حضرت محمد (ص) که گاهی به خلاصه هجرت نیز خوانده میشود. واقعه هجرت حضرت محمد (ص)، پیامبر اسلام و همراهانش از شهر مکه به یثرب است که در سال ۶۲۲ میلادی برابر با سده ۱ قمری صورت گرفت. این واقعه منجر به ایجاد اولین حکومت اسلامی در یثرب که بعداً مدینه النبی یا به خلاصه مدینه نامیده شد و به علت اهمیتش در اسلام مبدا تاریخ مسلمانان در دو تقویم هجری شمسی و هجری قمری در این سال گرفته شده است. به زودی قلمرو مسلمانان خاورمیانه بخشی از هند و شمال آفریقا را در بر گرفت طی جنگهای بسیاری سرانجام امپراطوری بیزانس روم شرقی به دست ترکهای عثمانی سقوط کرد و عثمانی ها قسطنطنیه را فتح کردند. در سده های نخست اسلام مرکزیت سیاسی و فرهنگی جهان اسلام در بخشی از خاورمیانه قرار داشت که امروزه فلسطین سوریه و عراق را در بر میگیرد. سرانجام امویان در سوریه و اسپانیا، عباسیان در عراق فاطمیان در مصر و تونس سلسله هایی را تاسیس کردند. در سراسر این نواحی باقیمانده های تمدن های کهن وجود داشت و این خود الهام بخش و مایه تکامل هنر اسلامی گردد.

هنر اسلامی با هنرهای مسلمانان به بخشی از هنر اطلاق میشود که در جامعه مسلمانان و نه لزوماً توسط مسلمانان رواج داشته است. هر چند ممکن است این هنرها در مواردی با تعالیم و شریعت اسلام انطباق نداشته باشد ولی تأثیر فرهنگ اسلامی و منطقه ای در آن به خوبی نمایان است. هنر اسلامی یکی از دورانهای شکوهمند تاریخ هنر و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری در عرصه هنری به شمار می آید و شامل انواع متنوعی از هنر همچون معماری خوشنویسی، نقاشی، سرامیک و مانند آنها میشود. هنر اسلامی هنری نیست که فقط به آیین اسلام ارتباط داشته باشد. اصطلاح «اسلامی» نه تنها به مذهب بلکه به فرهنگ غنی و متنوع مردمانی که در سرزمین هایی که آیین اسلام در آن رواج دارد نیز اشاره می کند. ظهور هنر اسلامی از دل دین و دولت جدید به صورت تدریجی و گام به گام نبود، بلکه همچون ظهور خود دین اسلام و حکومت اسلامی روندی پرشتاب و ناگهانی داشت. عمده آنچه بر شکل گیری و تزئین بناهای صدر اسلام تأثیر گذاشت ویژه مسلمانان بود و این تأثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که پیش از اسلام به آن شکل و صورت وجود نداشت.

هنر اسلامی برای گسترش خود از منابع بسیاری الهام گرفت. هنر رومی، هنر اولیه مسیحی، و هنر بیزانس در هنر و معماری اسلامی اولیه مؤثر بودند؛ نفوذ هنر ساسانی از ایران پیش از اسلام اهمیت بیشتری داشت بعدها روشهای و عناصر مختلفی از هنر آسیای مرکزی و هنر چین طی تاخت و تازهای چادر نشینان مغول اثر مهمی در نقاشی اسلامی سفالگری و منسوجات برجای گذاشت .

در میان آیات قرآن با تعالیم شخص پیامبر اسلام به موارد کمی درباره هنر بر می خوریم بازنمایی تصویری موجودات زنده در قرآن به صراحت منع نشده با این وجود بسیاری از مسلمانان ترسیم چهره ها و موجودات زنده را خطری به سوی بت پرستی به شمار می آوردند و گناه می دانستند؛ بنابراین هنر اسلامی اغلب بر خلق زیبایی با نقوش انتزاعی دور از طبیعت و استفاده از حروف متمرکز بوده است و به دلیل محدودیت نسبی سایر هنرها همچون نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی و حتی گاهی حرام شمردن آنها مسلمانان به توسعه سبکهای مختلف در زمینه هایی انتزاعی سوق داده شدند.

عمده مسلمانان تصویرگری چهره پیامبر اسلام را مردود می شمردند و حتی گاهی تصویرگری جانداران و انسان نیز مورد قبول بخشی از مسلمانان نبود. با این وجود همواره در سرزمینهای اسلامی تصاویری از انسان و موجودات زنده دیگر نقش میشد و به مواردی از تصویر سازی چهره پیامبر نیز بر میخوریم. افزون بر منع تصویر سازی چهره پیامبر، مفهوم و تصویر ذهنی خداوند به صورتی که در آیین هندو و مسیحیت رایج است در اسلام مرسوم نبود. این همه به علاوه دلایل اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی و رقابت با تمدنهای

دیگر موجب شد تا هنرمندان و هنر پروران در سراسر سرزمینهای اسلامی به اشکالی از هنرهای انتزاعی مانند خوشنویسی نقوش هندسی یا اسلیمی و معماری توجه ویژه داشته باشند.

هنر اسلامی بسیار محدودتر از هنر مسیحی یا بودایی است که مشخصاً فرمهایی از هنر - اعم از مجسمه نقاشی موسیقی و یا رقص - را به کلیسا یا معابد میکشاند. ثروت عکاشه محقق برجسته مصری مینویسد: نقاشی دینی در دوره های نخستین اسلامی از آن استقبال و تشویقی که نزد بوداییان و مسیحیان معمول بود، بهره ای نداشت. مساجد از تصاویر دینی خالی بود و از نقاشی برای آموزشهای دینی و پرورش اعتقادات مذهبی تا پیش از سده ۸ هـ ق استفاده نمیشد. در هنر اسلامی به عناصر تکرار شونده زیادی بر می خوریم مانند: استفاده از طرح های هندسی و یا ترسیمی غیر واقع گرایانه از گل و گیاه که به اسلیمی معروفند. نقوش اسلیمی در هنر اسلامی اغلب به عنوان نمادی از طبیعت بی کرائی به کار میرود که مخلوق خداست. هر چند این نظریه مورد قبول همگان نیست اما تعمد در عدم بازنمایی و تقلید دقیق طبیعت را معمولاً به عنوان نشانی از فروتنی هنرمندان دانسته اند که معتقد بودند ایجاد کمال تنها خاص خداوند است.

اسلیمی نقش تزئینی به شکل گیاه با ساقه های مارپیچی است که ابتدا و انتهای آن مشخص نیست. اسلیمی گونه ای از نقش و نگار است شامل خط های پیچیده و منحنی ها و قوس های دورانی مختلف که در تزئینات و کتیبه ها و بعضی دیگر از کارهای نقاشی ترسیم میکنند. اسلیمی گاهی به صورت نقش اصلی و زمانی همراه با دیگر طرحها در معماری کتاب آرای و هنرهای صنعتی به کار رفته است. عبارت اسلیمی منسوب به ایسلیم شکل دیگری از واژه اسلام است و به این جهت گاهی آن را اسلامی نیز خوانده اند. اسلیمی یکی از هفت نقش اصلی در نگارگری سنتی ایران است.

اسلیمی نمودار تجریدی درخت زندگی و یا صورت عام درخت به ویژه درخت ناک است که با گردشها و پیچشهای پی در پی و هماهنگ شاخه های آراسته به برگها و نیم برگها و گره های آن از پایه ای که بند اسلیمی خوانده میشود میروید و با نظمی خاص و شکلی چشم نواز که میان اجزاء آن وجود دارد. طرحی ویژه از درخت را ارائه میدهد. کلیه ی منحنی های اسلیمی جهتی به درون و جهتی به بیرون دارند که جزء ذات اسلیمی است که این گرایش به بی نهایت دارد و نشانی از جاودانگی در اسلیمی به شمار میرود. طرح های اسلیمی انواع گوناگون دارد. اسلیمی ساده، «اسلیمی تو پر، اسلیمی تو خالی، دهن اژدری» خرطوم فیلی، «و ماری».

باستان شناسان و پژوهشگران غربی به هنگام بررسی هنر اسلامی چون با نقش اسلیمی نخستین بار در سرزمینهای غربی اسلامی چون فلسطین روبه رو شدند. این نقوش را عربی پنداشته آن را اریسک - عربانه خواندند. در حالی که پس از مدتی دریافتند که این طرح ها هیچ گونه ارتباطی با عرب نداشته و سرچشمه گرفته از هنر دیگر ملل و از همه بیشتر متأثر از هنر ساسانی هلنی و بیزانس است اما به هر حال اسلیمی نقوشی است که در دوره اسلامی به کمال رسیده است.



تصویر ۱- اسلیمی ساده و دهن اژدری

طرحی که امروز به نام اسلیمی در هنر ایران شناخته میشود طرحی تجریدی و انتزاعی دور از طبیعت و تکامل یافته از نقش مایه هایی است که در چند هزار سال کاربرد دگرگونیهای بسیار به خود دیده تا به صورت کنونی درآمده است.

نگارگری

هنر نگارگری یا نقاشی هرگز آنگونه که در هنر مسیحیان یا بودائیان مورد احترام بوده در سرزمینهای اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می رسد که اسلام در دورانهایی اولیه تاریخ خود هنر نقاشی را به دیده خصومت می نگریسته است. چرا که در آن زمان هنرهای زیبا با اعتقادات و مراسم مذهبی مشرکین آمیختگی داشت نقاشی و مجسمه سازی مظهری از شرک بود که اسلام مأموریت دفع و انهدام آن را داشت.

با ظهور اسلام و طی حکومت امویان و عباسیان نمونه های نادری از نقاشی مشاهده میشود حتی در دوران سلسله های ایرانی سامانیان غزنویان و آل بویه نیز عمده آثار به دست آمده شامل مصور سازی کتابها میباشد و کمتر شامل نقاشی دیواری کاخ هاست.

نقاشی اسلامی به ویژه در سده های اولیه منحصر به کتاب آرایی بوده و به نوعی مکمل ادبیات به حساب می آمد. اولین آثار نقاشی اسلامی حاصل تلاش نقاشان در کار مصور ساختن بعضی از متون ادبی است. آنان محتوای آثار خود را از متن این کتب می گرفتند و بسته به ذوق خود آن را در قالب اشکال زیبا ارائه میکردند. به طور کلی موضوع نقاشی اسلامی عبارت است از تصویرسازی کتابهای معتبر ادبی و مذهبی همچنین عنوان میشود که مسلمین در حین ترجمه آثار یونانی و بیزانسی تصاویر این کتب را نیز کپی برداری کرده اند.

اما به تدریج نقاشی در سرزمینهای اسلامی اهمیت یافت. با سقوط خلافت عباسی طی دوره ایلخانی هنرهای کتاب سازی و نقاشی رشد شگرفی کرد. تاثیر هنر چینی و نقاشیهای آسیای شرقی و مرکزی در این دوران مشهود است. سنت نقاشی ایلخانی در دوره های خلافت فاطمی در مصر و تیموریان در ایران، عثمانی ها در ترکیه و گورکانیان در هند پی گرفته شد. هنر نقاشی اسلامی در دوره صفوی به اوج رسید و در دوران زند و قاجار رنگ و بویی تازه یافت.

مکتب بغداد (عباسی)

مکتب بغداد که آن را مکتب عباسی نیز نامیده اند را بر خلاف مکاتب دیگر نگارگری نمیتوان مکتبی ایرانی نامید چراکه از یک سو زیر تأثیر هنر بیزانس و از سویی دیگر در استیلای هنر ایرانی ساسانی است. از این روی این مکتب را مکتب بین المللی نیز گفته اند. با روی کار آمدن عباسیان (۶۵۶-۱۳۳ ه.ق) بغداد به عنوان اولین مرکز مصور سازی کتاب در دنیای اسلام مطرح شد و با مصور سازی کتبی که بیشتر جنبه علمی و فنی و کمتر جنبه ادبی داشتند کار خود را پی گرفت. حاکمان اموی و عباسی نقاشی را در انحصار خود گرفتند و کاخ هایشان را با نگاره هایی می آراستند. این نقاشیها به سبک آثار مانویان دارای رنگهایی ساده با دور گیری تیره رنگ پیرامون طرح اصلی است.

نگاره های این مکتب ساده و زیباست بیش از همه این مکتب تحت تأثیر هنر ساسانی و هنر بیزانس (روم شرقی) بود. انسان به شکل کوتاه و فربه با سری بزرگ تصویر شده است. پارچه ها نقشی تزیینی دارند و از پرداخت قابل توجهی به خصوص در چین و شکن جامه ها برخوردار است. شیوه های بازنمایی حیوانات وام گرفته شده از هنر ساسانی و به صورت واقع گرایانه با توجه به جزئیات ترسیم شده است و در این نگاره ها شاخه و برگی به نشانه طبیعت به چشم میخورد. از خصوصیات دیگر این نگاره ها می توان به عدم رعایت پرسپکتیو (سه بعدی نمایی) و پس زمینه های ساده که یا بدون رنگ رها شده و یا به طور اجمالی رنگ آمیزی شده اند، گویی که نگاره ها در فضا رهايند، رنگها در نگاره اصلی اندک هستند ولی با هماهنگی ای چشم نواز به کار رفته اند.

مکاتب نگارگری ایرانی

شیوه های نام گذاری مکاتب نگارگری ایرانی بر اساس مرکزیت امپراطوری حاکم بر کشور انجام شده است. یعنی هر جا که محل تمرکز قدرت و تجمع ثروت بوده و مقر حکومت کشور محسوب می گردیده است. هنرمندان از گوشه و کنار به میل و رغبت یا به اکراه و اجبار به آن جا می آمدند. این شیوه نامگذاری و تقسیم بندی مکاتب نگارگری ایرانی را محققان غربی رایج کرده اند که در پژوهشهای ایرانی هم کم و بیش معمول شده است.

به منظور درک و توضیح بهتر تأثیر و تأثرات نگارگری ایرانی آن را در دوره های مختلف حکومتی سلسله های ایرانی و یا پایتخت های همین حکومتها همچون مکتب سلجوقی شیراز، تبریز یا برای مثال هرات دسته بندی می کنند.

نکته: باید توجه داشت که همپوشانی ها در تاریخهایی که در پس این بخش خواهد آمد با توجه به پراکندگی حکومت ها و پایتختهای ایشان در قلمروی فرهنگ و هنر ایرانی و نه قلمروی سیاسی آن قابل توجیه است.

از جمله مکتب های نگارگری ایرانی پس از اسلام میتوان این موارد را نام برد. سعی شده ترتیب تاریخی رعایت شود.

مکتب سلجوقی - مکتب تبریز اول (ایلخانی) - مکتب شیراز اول - مکتب جلایری - مکتب شیراز دوم - مکتب هرات - مکتب بخارا - مکتب قزوین - مکتب تبریز دوم - مکتب اصفهان - مکتب نقاشی قاجار - نگارگری قاجاری - نقاشی قهوه خانه.

تحولات هنر تصویری در ایران

چنین به نظر می‌رسد که تحولات هنر تصویری در ایران - به رغم گسست های تاریخی، نفوذ فرهنگهای بیگانه، و آمیختگی سنتهای غیر متجانس- از پیوستگی و تداوم نسبی برخوردار بوده اند. البته این خط کمابیش پیوسته را بیشتر در استمرار روح فرهنگی و جوهر زیبایی شناسی میتوان دید تا در همانندی هایی که ممکن است از لحاظ سبک و اسلوب در آثار مربوط به ادوار مختلف وجود داشته باشد.

اولین آثاری که بتوان نام نقاشی بر آنها نهاد در غار دوشه لرستان و با حدود هشت تا ده هزار سال قدمت به دست آمده و در دوره تاریخی آنچه را که بتوان نقاشی نامید در دیوار نگاری های اشکانی و ساسانی میتوان دید. با ورود اسلام به ایران، این کشور تا مدتها به دست امویان و عباسیان اداره شد و از آن پس با روی کار آمدن سلسله های ایرانی سامانیان غزنویان و آل بویه استقلال از دست رفته ایرانیان تا حدودی به آنها بازگشت.

از این پس زمینه برای احیای هنر و فرهنگ ایرانی فراهم شد و هنر ایرانی در خدمت اسلام درآمد. عمده آثار به دست آمده در این دوران شامل مصور سازی کتب می باشد و کمتر شامل نقاشی دیواری کاخ هاست.

همچنین عنوان میشود که مسلمین در حین ترجمه آثار یونانی و بیزانی تصاویر این کتب را نیز کپی برداری کرده اند. بر اساس اسناد به دوره متمایز ولی پیوسته برای تاریخ نقاشی قدیم ایرانی در نظر گرفته میشود.

۱. دوره سنت های کهن فاصله از طبیعت گرایی یونان رومی و بازگشت به سنتهای پیشین را نشان میدهند.

۲. دوره شکوفایی نگارگری

۳. دوره تکوین شیوه های التقاطی

مکتب سلجوقی

از قرن چهارم هجری سبکی در نگارگری ایران ظهور می یابد که آن را سبک سلجوقی می نامند. این سبک اولین مکتب ایرانی در زمینه نگارگری است. در این دوره دوباره تصویر سازی کتاب ارزشمندی رونق می یابد. از منظر دیداری (بصری) در این مکتب هم چنان ترکیب بندی های ساده هم چون مکتب عباسی حفظ شده ولی تأثیراتی که از نقاشی عهد ساسانی و پیش از اسلام و سلاطین شرق دور چین بر این مکتب حاکم شده وجه عمده تمایز آن با مکتب عباسی است. در بسیاری از پیکره ها چهره ماهرو و هاله ای دور سر وجود دارد که به دلیل جدا کردن پیکره از پس زمینه استفاده شده. سرها بزرگ تر از بدن هستند و بر بازوها عموماً بازو بندی زرین به چشم میخورد. مهمترین کتاب مکتب سلجوقی ورقه و گلشاه است که یک منظومه عاشقانه و شامل ۷۱ صفحه نگاره است و تنها کتابی است که مشخصاً مربوط به مکتب سلجوقی است (نیمه نخست قرن هفتم محتملاً در آذربایجان) به علت تحریم استفاده از فلزات گرانبها در دوره اسلامی، ساخت ظروف سفالی رونق یافت. نقشهای سفال ها عمدتاً ویژگی های نگاره های این عهد را بازتاب می دهند و در مورد خطوط از خط کوفی بر سفالینه ها سود برده اند. قرابتی آشکار میان نگاره های نسخه ورقه و گلشاه با تصاویر ظروف مینایی به چشم می خورد (پاکباز، ۱۳۸۷: ۵۶).

مکتب تبریز ۱- دوره ایلخانی (۷ و ۸ هـ)

یکی از مکاتب نگارگری ایران به نام مکتب تبریز در شهر تبریز در دوره ایلخانان مغول، جلایریان ترکمانان قراقوینلو و آق قوینلو و صفویان شکل گرفت. یورش ایلخانان مغول در سال ۶۱۶ هـ از یک سو و ارتباط با جاده ابریشم از سوی دیگر وارد و آشنایی هنرمندان ایرانی با هنرهای تزئینی و تصویری چینی شد. سلسله ایلخانی توسط هلاکوخان مغول به سال ۷۳۶ هـ پایه گذاری شد ایلخانان توانستند فتحیات خود را تا بغداد و سرنگونی سلسله عباسی که چیزی قریب به ۵۰۰ سال دوام آورده بود ادامه دهند. ایشان تبریز را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند.

در شهر تبریز در دوره ایلخانان مغول، مکتب هنری پدید آمد که به مکتب تبریز اول مشهور است. در این دوران به دستور خواجه رشید الدین فضل الله یک کارگاه هنری در تبریز با نام ربع رشیدی ساخته شد و به همین دلیل نگاره های این دوره ها بیشتر از آنکه با عنوان مکتب تبریز شناخته شده باشد، با عنوان های سبک مغولی، و گاه سبک رشیدیه شناخته می شوند.

ایلخانیان نخستین سلسله ترکی مغولی بودند که دین اسلام را پذیرفتند و زبان فارسی را رسمی شمردند. در دوران حکومت ایشان دو اتفاق مهم در هنر نگارگری رخ داد اول، آغاز ورود عناصر چینی به حوزه نگارگری ایرانی که بعدها همچنان در شکل ابر و کوه و یا تزیینات البسه همچنان باقی ماند. دقت در جزئیات رهاورد این انتقال است. دوم، ایجاد سنت کارگاهی تا پیش از این یک نگارگر کل نقاشی های یک نسخه را در تمام مراحل انجام میداد، ولی از این دوران به بعد هنرمندان به صورت تخصصی درآمدند و هر یک بخشی از کار را برعهده گرفتند.

ویژگی های مکتب تبریز

در مکتب تبریز علاوه بر ورود عناصر تصویری چینی و به تبع آن دقت در جزئیات و سنت کارگاهی نوعی تحرک و جنبش به وجود آمد. به دلیل تمایل برخی سلاطین به مسیحیت برخی سنتهای بیزانسی در هنر این دوران دخیل شد.

نقشها با رنگهای تیره تر از زمینه تصویر می شدند. چین و چروک لباس ها متأثر از سنت بیزانسی است. چهره ها مغولی است. دیگر خبری از عمامه های بزرگ عربی مکتب بغداد نیست. خط عنصر اصلی در بیان حالت است. نوعی اکپرسیو در بیان حالت چهره در برخی از نگاره ها دیده می شود.

از دیگر عناصری که متأثر از هنر چینی وارد شد، میتوان به نحوی نمایش طبیعت مثلاً ترسیم تنه پیچیده و گره دار درختان و صخره های تیز و دشتهای بریده و ابرهای موج ، مراعات نسبت ها دقت در رسم گیاهان و اعضای بدن حیوانات، و تحرک و جنبش بیشتر در نمایش صحنه ها به جای آرامش و سکون موجود در نقاشی سنتی ایرانی اشاره کرد. از سوی دیگر استفاده از نقوش تزیینی هنر ایرانی مانند نقوش هندسی، کاشی کاری و اعتبار بخشیدن به معماری ایرانی به عنوان اصلی ترین چانهامه کار و بازنمایی روح ملی، تقلید صرف از هنر چینی را نفی میکند. هنرمندان ایرانی در عین پذیرش عناصر تازه که به آثار آنان جلوه ای نو و تحرکی بیشتر می بخشید این عوامل را با شیوه سنتی نگارگری ایرانی چنان آمیختند که به سختی می توان این عناصر تازه را در میان تار و پود هنر سنتی تمیز داد. در واقع، آمیختن این عناصر جدید به شیوه ای کاملاً ایرانی انجام پذیرفت، به طوری که لطمه ای به تداوم هنر نگارگری ایرانی وارد نکرد.

کتب مکتب تبریز

منافع الحیوان نوشته ابن بختیشوع اواخر سده ۷ ه. ق. این کتاب به تشریح ویژگیهای حیوانات و جلوه های طبیعت پرداخته

جامع التواریخ رشیدی نوشته خواجه رشید الدین فضل الله وزیر اولجایتو در ربع رشیدی سده ۵۸ ق تاریخ جهان تا دوره مغول مصور گشت.

شاهنامه فردوسی (معروف به شاهنامه دموت یا ابوسعیدی) به سال ۷۳۷-۷۳۱ ه. ق تأثیر از هنر بیزانس در توجه به نمایش دقیق چین و چروک پارچه ها.

دوره تیموری مکتب شیراز و هرات

در طول حکومت مغولان ایلخانان و جلایریان آل اینجو و آل مظفر، نگارگری به مراحل تکامل خود نزدیک شد. در کارگاه های سلطنتی آنان بود که نقاشان عمدتاً به کار مصور کردن کتب گماشته شدند و نگارگری تا رسیدن به دوران طلایی خود فاصله ای نداشت. هنر در دوران تیموریان از جلوه های بارز هنر اسلامی در ایران و آسیای مرکزی است. دوره تیموریان (۷۷۱ - ۹۱۱ ه. ق / ۱۳۷۰ - ۱۵۰۶ م) به رغم ناپسامانی و منازعات داخلی و درگیری امیران این خاندان با ترکمانان قراقویینلو، دوره رونق فرهنگ، هنر، ادبیات، تاریخ، ریاضی و نجوم بود. دربارهای هرات، سمرقند، شیراز، تبریز و اصفهان به سبب هنر پروری و هنرمندی فرمانروایان تیموری محل تجمع و آمد و شد هنرمندان و ادیبان برجسته بود.

تیمور با اینکه بسیار خونریز بود ولی به دانش و هنر علاقه نشان میداد. از این رو هنرمندان و صنعتگران از کشتارهایش در امان بودند. فرزند او شاهرخ و نوه هایش الغ بیگ بایسنقر میرزا و ابراهیم میرزا نیز این سیاست را پی گرفتند. هنر نقاشی و خوشنویسی در دوره تیموری به شکوفایی قابل توجهی دست یافت.

در دوره تیموری، نگارگری به بالاترین اوج و ترقی خود رسید. این هنر در عهد تیموری نه تنها تقلیدهای هنری و سبکهای نقاشی چین را که از عصر مغول وارد ایران شده بود، مورد جذب و اقتباس قرار داد، بلکه در مسیر تکاملی خود سرانجام استقلالی را نمایان ساخت که منعکس کننده روح هنری ایرانیان بود و به همین سبب است که عصر تیموری را "دوره طلایی هنر نقاسی ایران" دانسته اند. باید توجه داشت که ابعاد تکامل طبیعی هنر نقاشی و مینیاتور قرن نهم به کیفیتی منسجم شد که امروزه میتوانیم آن را تحت عنوان مستقل "سبک دوره تیموری" بپذیریم.

مکتب شیراز دوم سده ۹

خاوران نامه مربوط به مکتب شیراز سده ۹ تیموری - سرهای شعله‌گون مشخصه اصلی نگاره‌های این کتاب است.

شیراز در دوره تیموری سنت‌های گذشته خود را کمابیش حفظ گردانید. به عبارتی سنت‌های هنری آل اینجو و آل مظفر در این دوره ادامه می‌یابد و با سنت‌های نگارگری تیموری در می‌آمیزد. این موضوع موجب شکوفایی بیشتر مکتب شیراز می‌گردد. اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان فرمانروایان تیموری شیراز نیز همانند دیگر فرمانروایان تیموری، خود هنر پرور و هنرمند بودند. به همین دلیل در بین این خاندان مصور سازی گلچین‌های ادبی به همراه مصور سازی شاهنامه محبوبیتی ویژه داشت، به صورتی که هر یک از فرمانروایان تیموری نسخه‌ای به نام خود مصور ساخته‌اند.

رنگ‌ها در مکتب شیراز دوره تیموری نسبت به دوره‌های گذشته غنی‌تر می‌گردد، اما هنوز در همه جا نگاره‌ها به صورت موزون و هماهنگ در نمی‌آید. رنگ پردازی شیراز دوره تیموری بر خلاف مکتب هرات در پی ایجاد نمودهای حساس است. به همین دلیل است که شیوه رنگ‌گذاری نگارگران مکتب شیراز و هرات با هم مغایرت دارد، رنگ‌ها در مکتب شیراز به صورتی نرم‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند و بیشتر رنگ‌مایه‌ها سرد هستند. در دوران تیموریان و حضور اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان در شیراز زمینه برای بروز دوباره ویژگی‌های دیداری مکتب شیراز (سده ۸) فراهم شد. قرینه سازی در نگاره‌های این مکتب به طور قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود و همچنین تضاد رنگی عناصر نگاره و پس زمینه آن، استفاده از ابرهای پیچان و سادگی در ترکیب بندی‌ها از مهمترین ویژگیهای دیداری این مکتب است.

مکتب شیراز دوم

منتخبات اسکندر سلطان (۸۱۳ ه. ق)

شاهنامه ابراهیم سلطان

خاوران نامه (۸۸۳ ه. ق)

مکتب هرات

پس از مرگ تیمور، فرزندش شاهرخ به سلطنت رسید و از آن پس هرات به پایتختی برگزیده شد. به واسطه توجه و حمایت بی دریغ شاهرخ و ولیعهدش بایسنقر میرزا، تهیه کتب مصور این بار در هرات و در کتابخانه بایسنقر میرزا رونق گرفت و پس از چندی ویژگی‌های خاص خود را یافت. چندین عامل در شکل‌گیری سنت‌های غنی مکتب هرات موثر بوده است. اولین عامل سیاست تیمور در کوچ دادن هنرمندان منطقه‌های تاراج رفته به سمرقند دومین عامل پیشینه درخشان هرات در دوره جلایریان و سومین عامل انتقال سنت‌های هنری شیراز به هرات در جریان حمله‌ی شاهرخ به شیراز جهت سرکوبی برادرزاده اش اسکندر سلطان که بر علیه او شورش کرده بود. جمله‌ی این موارد سبب گردید که در نگارگری مکتب هرات، هماهنگی فرم و فضا و رنگ‌ها به حد کمال برسد و توازنی دل‌نشین بین آنها برقرار گردد، گویی که نقش مایه‌ها و رنگ‌ها در هم تافته شده‌اند و تجمع شکل‌ها و رنگ‌های موزون ظرافتی موسیقایی بر نگاره‌ها بخشیده است و تاریخ یک ملت را بازگو مینماید و مبین فرهنگ ایرانی می‌گردد که در بستر اندیشه و حکمت ایرانی-اسلامی رشد نموده است.

ترکیب بندی متقارن و عموماً دایره وار از خصوصیت اصلی این مکتب است. سود جستن از رنگ‌های غنی و شفاف، تزئینات فراوان و حذف کامل عناصر چینی و بازتاب عناصر ایرانی مکتب شیراز مکتبی کاملاً ایرانی پدید آورد.

کتب مکتب هرات:

شاهنامه فردوسی (شاهنامه بایسنقری) - شاهنامه محمد جوکی (فرزند شاهرخ) - کلیله و دمنه بایسنقری - معراج نامه - همای و همایون - گلستان سعدی - بوستان سعدی - خمسه نظامی

شاهنامه بایسنقری در میان شاهنامه‌های مصور و آراسته موجود در کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان از نام‌ورترین و شناخته‌ترین نسخه‌هاست

دوره صفوی

دوره صفوی برابر (۱۱۳۵-۹۰۷ هـ ق / ۱۷۲۲-۱۵۰۱م) از درخشان ترین دوران های هنر ایران است. هنر این دوره در بسیاری از زمینه ها ادامه دوران طلایی هنر دربار تیموریان به شمار میرود. معماری صفوی و یا نقاشی و خوشنویسی این دوره کاملاً ادامه میراثی است که از تیموریان برجای ماند، به ویژه که حاکمان صفوی با حمایت گسترده خویش این میراث را درخشان تر نموده باعث رشد و گسترش آن شدند. در طی دوره صفویان، آثار هنری بسیاری در ایران ساخته شد. حکمرانان صفوی اهمیت زیادی به فرهنگ و هنر و تمدن اسلامی می دادند.

معماری، نگارگری، خوشنویسی، قالی بافی، فلز کاری، سفالگری، پارچه آرایی و بسیاری از هنرهای صناعی در دوره صفوی رشد چشمگیر داشتند و در این دوره در همه این رشته های هنری آثار ارزشمندی پدید آمد که جدا از نگارگری ها و خوشنویسی های زیبای بسیار، بناهای معماری مهمی مانند مسجد شیخ لطف الله، مسجد شاه اصفهان و مدرسه چهار باغ شهرت جهانی دارند. قالی اردبیل هم که اکنون در موزه بریتانیا نگهداری میشود. یکی از آثار درخشان این دوره است. شهرهای مهم هنر پرور در عصر صفویان، اصفهان تبریز، هرات و قزوین بوده اند.

از هنرمندان دوره صفوی کمال الدین بهزاد، رضا عباسی، علیرضا عباسی، میرعماد آقا میرک و حسین بنا اصفهانی شناخته شده تر هستند.

شاه اسماعیل صفوی، استاد کمال الدین بهزاد را که در عهد تیموری پرورش یافته بود به تبریز دعوت کرد و او را به سرپرستی گروهی از نقاشان و خوشنویسان، رنگ کاران و صحافان و ... برگزید. این گروه حرکت فرهنگی و هنری مکتب تبریز را به وجود آوردند.

مکتب تبریز دوم

یکی از مشخصه های نقاشی مکتب تبریز دوران صفوی وجود علامت یا شکلی شبیه میله کوچک قرمزی است که بر روی عمامه ها نقش شده است. این علامت و عمامه های دوازده ترکی از نشانه های شیعیان دوازده امامی طرفدار شیخ صفی الدین اردبیلی بود که در ابتدای دوران صفوی متداول گردید ولی بعد از وفات شاه طهماسب دیگر در تصاویر دیده نشد.

نقاشان مکتب تبریز سطح تخت نقاشی را شکستند و ترکیب بندیهای چند سطحی آفریدند. همه چیز آکنده از حرکت و جنبش بود رنگها درخشان و پر کشش و حالت مورد نظر را به وجود می آورد.

از مشخصه های نقاشی دوره صفوی لباس و پوشش سر اشخاص است.

شاه تهماسب که شیفته نقاشی و خطاطی بود پس از رسیدن به سلطنت به حمایت از این هنرها پرداخت و هنرمندان زیادی از مکتب هرات و ترکمان را در پروژه های شکوهمند کتاب آرایی به کار گرفت و بدین ترتیب آثار مکتب تبریز دوره صفوی پدیدار شد و مکتب تبریز که یکی از مکاتب درخشان هنر نگارگری ایران است شکل نهایی خود را پیدا کرد و آثار شکوهمندی چون شاهنامه شاه تهماسبی و خمسه نظامی شاهی را تولید کرد. این شاهنامه پس از تکمیل در حدود چهل سال در دربار صفوی باقی ماند. در سال ۹۸۳ هـ ق که سلطان سلیم دوم در دربار عثمانی زمام امور را به دست گرفت به منظور تحکیم روابط و به منظور تبریک به تخت نشستن سلطان سلیم دوم این شاهنامه نفیس به دربار عثمانی هدیه شد.

نقاشی دیواری صفوی

با بررسی جزییات نقاشیهای کاخ عالی قاپو، تاثیرات نقاشی غربی بر هنر نقاشی ایرانی کاملاً مشهود است. بقایای این نقاشیها همراه با نقاشیهای کاخ چهل ستون اصفهان و چهل ستون قزوین و برخی از نقاشی های اتاقهای خانقاه اردبیل، نشان از ماهیت کاملاً تزئینی این ترکیب بندیهای هنری دارد و در آنها جوانان و دوشیزگان و خنیاگران با چهره های گرد و چشمان الماسی گون همراه با ساغرهای شراب و آلات موسیقی در برابر پس زمینه ای از باغات و مناظر تصویر شده اند. تاثیرات مکتب هنری اصفهان که بعد از مکاتبی چون تبریز دوم مکتب قزوین و مکتب مشهد در اصفهان به بار نشست کاملاً در این تصویرپردازی ها مشهود است.

در واقع میتوان گفت هنر نقاشی دیواری دوران صفویه مرهون هنر نگارگری خاصه مکتب اصفهان تلفیق با هنر اروپایی رایج در آن دوران است که از طریق اروپائانی که به دربار ایران رفت و آمد داشتند وارد هنر این سرزمین شده بود. از دیگر عوامل موثر در هنر نقاشی دیواری دوران صفویه حضور نقاشان ارمنی جلفا در اصفهان است. ارمنیان جلفا به دستور شاه عباس به اصفهان مهاجرت کرده و در منطقه جلفای کنونی ساکن شدند. ایشان بعد از ساخت کلیسای وانگ به تزئین آن با تصاویر نقاشی شده از کتاب مقدس

پرداختند. با توجه به تأییراتی که در ساخت این کلیسا از معماری رایج دوران صفویه دیده میشود، جای شکی نیست که هنرمندان مسلمان ایرانی با هنرمندان ارمنی جلفا رفت و آمد داشته و بالطبع هنرمندان نقاش مسلمان نیز این آثار هنری و نقاشیهای دیواری را دیده اند و از آن متأثر گشته اند.

واقع گرای تکنیک رنگ و روغن، تمایل به پرسپکتیو و عمق نمایی که در نقاشی های ارمنیان جلفا وجود داشته بی شک بر هنر هنرمندان اصفهان تأثیرات خاص خود را گذاشته است. علاوه بر آن در تاریخ دربار صفوی از نقاشی ارمنی به نام میناس نقاش نام برده شده که به نقاشی در دربار می پرداخته است.

از دیگر عوامل موثر در هنر نقاشی دیواری دوران صفوی میتوان به حضور هنرمندان هنری در دربار صفوی اشاره کرد. در تاریخ از هنرمندانی مانند "بشنداس" نام برده شده که از دربار تیموریا گورکائی به دربار شاهان اصفهان آمد و به هنر پروری مشغول شدند. از دوران تمدن رومی استفاده از تکنیک "فرسک" در نقاشی دیواری رایج گشت و کلیه آثار نقاشی دیواری با این تکنیک ایجاد میشد.

از مشخصه های نقاشی دوره صفوی لباس و پوشش سر اشخاص است. یکی از نقاشان بزرگ این دوران استاد محمدی، استاد طراحی با قلم بود. از مشخصات آثار او تصویر اشخاص بلند قامت با صورت گرد و کوچک و واقع بینی او در ترسیم مناظر زندگی در نواحی روستایی است. او از جمله کسانی است که بر روی نگارگران پس از خود تأثیر بسزایی داشته است. یکی دیگر از نقاشان دوره صفوی را رضا عباسی مینامند. او از پیشروان مکتب اصفهان است. در همین دوران چند نگارگر دیگر با اسامی شبیه نام رضا عباسی می زیسته اند. توجه رضا عباسی به خود انسان بیشتر از فضای اطراف اوست. این نکته حتی در تأکید پرداخت او در شکل انسان نسبت به زمینه های ساده ای که در آثارش استفاده کرد کاملاً روشن است. اولین نمونه های تک پیکره فیگور را پدید آورد و همچنین نخستین رفته ها نمونه نگاره جدا از کتاب مثل یک پرتو را در نگارگری نقش زد.

مکتب اصفهان

مکتب اصفهان عنوانی است که برای اوج گیری فعالیتهای مختلف فلسفی فقهی و هنری در طی سده ۱۷ و اوایل ۱۸ میلادی (۱۰ و ۱۱ هجری قمری) در اصفهان به کار برده میشود. این دوره از زمانی آغاز شد که شاه عباس در ۱۰۱۷ هجری قمری ۱۵۹۸ میلادی پایتخت صفویان را به اصفهان منتقل کرد. این دوره با سقوط اصفهان به دست افغانها و سرنگونی صفویان در سال ۱۱۳۶ هجری قمری / ۱۷۲۲ میلادی به پایان رسید. در آثار مکتب اصفهان باغ ها و گلها بسیار زیباتر و پرشکوه تر شدند و افراد در نگارگری لباس فاخر و مجلل داشتند. در این دوره تعداد افراد در نگارگری کاهش یافت. تک چهره ها افزایش یافتند. لباس ها بسیار دقیق تر طراحی شدند سر و ریش و موی حالت واقع نمایانه تری یافتند. تعداد رنگهای به کار رفته در نقاشی محدود شدند. نقاشیهای دیواری افزایش یافتند. تأثیرات مکتب اصفهان هم پای از ایران بیرون گذاشت و هنرمندان عثمانی و هندی را تحت تأثیر خود قرار داد.

مشهورترین نقاش زمان شاه عباس صفوی و مهمترین هنرمند مکتب اصفهان رضا عباسی است. کار و اثر او شامل طراحی بی عیب و نقش و در درجه اول رنگ آمیزی درخشان سبک عالی صفوی بود. اما با گذشت زمان چهره پیکره های جوان او مملو از چشمان درشت بی لطافت طره های تکلف و گاهی هم چانه های پهن گردید و همه آنها در زیر درخت پید. تصویر شد که تأثیر کمتری در پی داشت. جدول رنگ آمیزی او کم کم تغییر یافت و رنگهای زرد، قهوه ای و ارغوانی جای قرمز روشن و لاجوردی آثار اولیه را گرفت. معین مصور، محمد یوسف، محمد قاسم، آقا رضا هروی و آقا رضا مصور کاشی از نقاشان دیگر این مکتب هستند. درویش جوان با چوب دستی خسرو و شیرین و شاهنامه هر سه از رضا عباسی این دوره مصادف با فرنگی سازی در نقاشی نیز میباشد

هجوم فرهنگ بیگانگان، تاخت و تاز یغماگران، فقر و سوء حکومت، تشویق و ترویج نقاشی اروپایی بوسیله شاه عباس دوم و مرگ شاگردان با وفای رضا عباسی موجبات فنا و اضمحلال سبک مینیاتور پر شکوه صفویه فراهم شد. مهمترین عامل این سقوط نفوذ هنر اروپا بود. هجوم فرهنگ بیگانگان، تاخت و تاز یغماگران، فقر و سوء حکومت، تشویق و ترویج نقاشی اروپایی بوسیله شاه عباس دوم و مرگ شاگردان با وفای رضا عباسی موجبات فنا و اضمحلال سبک مینیاتور پر شکوه صفویه فراهم شد. مهمترین عامل این سقوط نفوذ هنر اروپا بود.

هنر دوره قاجار

هنر دوره قاجار را میتوان آخرین بازمانده از دوران طلایی هنرهای اسلامی برشمرد و از این رو بسیار درخور توجه است. هنر این دوره به دلیل نزدیکی به دوره معاصر نیز دارای اهمیت است و بسیاری از کارهای هنری که هم اکنون صورت میگیرد دارای ریشه هایی در هنر دوره قاجار است. تأثیر شدید هنرهای غربی که آشکارا در هنرهای اسلامی معاصر دیده میشود از این دوران رخ میدهد.

هرچند جامعه قاجاری، جامعه ای سنتی بود، اما نوعی گرایش و نگاه مثبت به هنر غرب پدید آمد و به تدریج فراگیر شد. در این دوران از عهد عباس میرزا، پسر فتحعلی شاه و پس از جنگهای ایران و روس و شکست های پیاپی ایران و سپس تلاش های قائم مقام فراهانی و امیرکبیر، تحولاتی در روند نوآوری انجام گرفت که حاصل آن نوسازی قشون، ورود صنعت چاپ و رواج مطبوعات، ورود برخی کارخانجات، تاسیس مدارس به سبک جدید و فرستادن دانشجو به خارج از کشور برای کسب علم و هنر بود.

در زمان فتحعلی شاه دومین شاه قاجار هر چند هنر تا حدی تحت تأثیر هنر غرب قرار داشت اما به شدت متأثر از هنر دوره صفوی بود و نوعی علاقه به بازگشت به سنت وجود داشت. در معماری علاوه بر بناهای کم اهمیت ساخت بناهای عام المنفعه مثل ساختن پل و قنات و مرمت آرامگاههای ملی نیز به انجام رسید از دوره فتحعلی شاه که شیفته ایران باستان بود چند نقش برجسته به سبک ساسانی به یادگار مانده است. دوره سلطنت محمد شاه از نظر هنری دوره تحکیم به شمار می رفت و نه تکامل.

دوره طولانی و با ثبات سلطنت ناصرالدین شاه، فصل نوینی در هنرهای قاجاری گشود. در این دوره امکان پرداختن به امور هنری و تجمل گرایی برای درباریان شاهزادگان و اشراف و ثروتمندان تا حدی به وجود آمد؛ خود شاه هم از ذوق بی بهره نبود. از این رو و با حمایت آنان هنر و صنایع ظریف رونق پیدا کرد و جانی تازه یافت. در این زمان صنعت چاپ که پیشتر وارد ایران شده بود، رواج یافت. درباریان و اعیان و اشراف ایران به پیروی از سرمشقهای اروپائی خود و از روی خودنمایی و چشم و هم چشمی به نقاشی علاقه نشان میدادند. ایشان به نوعی تجمل هنری احتیاج پیدا کرده بودند که نتیجه عملی آن رونق کار تصویرگران و معماران بود. در چنین محیط فرهنگی و اجتماعی و با رقابت شاهزادگان و طبقات ممتاز شهرهایی چون تهران اصفهان، تبریز با شیراز در جلب هنرمندان مختلف رونقی بیش از گذشته گرفت. در زمینه معماری اگر چه در این دوران هنوز در گوشه و کنار کشور نشانه هایی از ادامه شیوه پیشین معماری موبوم به شیوه اصفهانی به چشم می خورد و بناهای درخشانی ساخته میشد، اما شروع انحطاط شیوه اصفهانی در معماری از دوران محمد شاه قاجار رقم خورد هر چند این سستی و افول پیشتر در دوره افشار و زند آغاز شده بود، در این مرحله کیفیت رنگها و غنا و شفافیت کاشی ها رنگ باخت و مصالح به کار رفته در بنا و شیوه ساخت و ارئه تزیینات افت چشم گیری کرد با این وجود در این دوره به تزیینات توجه فراوانی شد که آن را در کاخها و منازل مسکونی مهم این دوره میتوان مشاهده کرد. آینه کاری و گچ کاری به سرعت رایج شد و سقف های چوبی خانه ها نقاشی شدند. در این دوره نوآوریهای اساسی در معماری مذهبی و سنتی بازارها، حمام ها و کاروانسراها صورت گرفت.

مکتب نقاشی قاجار در دوره زند شروع شد و تا دوره قاجار و کمی پس از آن امتداد یافت. این شیوه به عنوان سبکی منسجم و مکتبی متشکل در نقاشی ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است که همه ویژگی های موضوعی و کاربردی یک مکتب نقاشی را دارد. این شیوه بیشتر از تلفیق ویژگیهای هنر نقاشی سنتی ایرانی با عناصر و شیوه های از نقاشی اروپایی شکل گرفت.

یک شیوه دیگر نقاشی هم برای تزئین قلمدان، قاب آینه، جعبه آرایش و دیگر اشیای تزیینی به کار رفت که نقاشی زیر لاک نامیده شد. در این شیوه نقاشی را لایه ای از ورنی می پوشانند. نوع دیگر نقاشی این دوران گل و مرغ ساری است که در اواخر صفویه آغاز در زندیه رواج یافت و در دوره قاجار به اوج خود رسید. از چهره های مهمتر نقاشی دوران قاجار میتوانیم به صنیع الدوله (ابوالحسن غفاری)، کمال الملک (محمد غفاری) و محمود خان ملک الشعرا (صبا) اشاره کنیم.

رموز نهفته در نگارگری

در نگارگری و تذهیب خط رکن اصلی را داراست و به اندازه ای مورد اهمیت است که وجود سایه ها را کم رنگ و حتی گاهی از بین می برد. قلمگیری ها در نگارگری شباهت چشمگیری به خوشنویسی دارد. چرا که هر دو آن از ممارست و دقت نظر بالایی برخوردار است. آنچه که نگارگری را از طراحی جدا میکند، شیوه اجرای خطوط آن است که در نگارگری با ضعف و قدرت همراه است. در میان تمام مخلوقات ایزدی خط تنها مخصوص انسان است و قدرتی است که سایر مخلوقات از آن بی بهره اند. و از آنجایی که خط مخصوص انسان است به طبع از جنس وی میباشد و ریشه در ضمیر و فطرت آدمی دارد. در دین مبین اسلام مبارزه با خیر و شر در نفس آدمی وجود دارد. در نفسی که گاهی آرام و لطیف و گاهی طغیانی لجام گسیخته می باشد و همین نفس وقتی در پرتو الطاف الهی صاحب تربیت شود و مهار زده گردد، انسان را نجات می بخشد و بر کشتی سعادت می نشاند. پس در این جا، نقش اصلی خطوط بیش از پیش روشن می شود، چرا که همین خطوط جانشینان اصلی و یادگاری های همیشه فکر انسانند تفکر انسانهایی که در قالب خطها و نقشها بر صفحات تاریخ جاودانه میشوند.

تشریح صورت

در نقاشیهای ایرانی صورت هایی را میبینیم که با تناسب های صورتهای دنیای واقعی تفاوت چشمگیری دارد، به گونه ای که چشم ها به یکدیگر نزدیکتر از فاصله حقیقی دو چشم هستند و گوشها بالاتر از جای اصلی خود میباشند و قاب صورت بر روی خطوط اسلیمی سوار است و بسیاری از موارد دیگر که با کمی دقت به آنها پی خواهیم برد؛ ولی آیا هنرمند نگارگر با چنین چیره دستی و مهارت که صورتهای ظریف و زیبا را تصویر کرده نبوده تناسب ها و موقعیت واقعی صورت را تصویر کند؟ و یا برای صورتهای این چنینی رموزی نهفته است؟ ادب ورزان و زیبایی سازان هنر ایرانی از دیرباز با چهره های زیبا و خوش خط و خال برخوردی عارفانه داشتند. زیبا رویان تقدیس میکردند چرا که در زیبایی صورت آنها اثر و نشانه ای از جمال صنع خداوند میدیدند.

در هنر نگارگری هر یک از اجزا صورت در نزد هنرمندان پاک چشم و ظریف طبع معنای خاصی دارد. آنها از دیر باز ابروی زیبا رویان را به شکل به هم پیوسته می پسندیده اند و آن را به پرند و اغلب کلاغی سیاه تشبیه میکردند که با تارک صورت در حال پرواز است و با رقص و توجج بالهای کشیده خود دل را به صید شکار خویش می افکند. چشم نیز که به نرگس بینا تشبیه میشد. اگر خمار آلود و بادامی شکل بود در نزد مردم بهترین و محبوب ترین حالت خود را داشت. شیرین کلامان و نازک خیالان چشم و ابرو را به کلاغی که همواره در پی شکار بادام تر است ولی به ربودن آن نائل نمی آید تشبیه می کردند. لب نیز علاوه بر ملاحظت و کوچکی خوش آیند خود در نظر اهل ذوق از جایگاهی بس ویژه برخوردار است. چرا که معرفت یار سیما رویی است که علاوه بر زیبایی باهوش و موشکاف است.

نقاشی ایرانی تأثیرات خارجی

از اوایل سده هفدهم ارتباط سیاسی و مبادله تجاری وسیعی میان ایران و کشورهای دیگر به خصوص کشورهای اروپای باختری برقرار شد. در این زمان شاه عباس اول صفوی شهر قدیم اصفهان را نوسازی کرده و آن را به پایتختی خود برگزیده بود. سفیران سیاسی، سیاحان مبلغان مذهبی بازرگانان و حتی هنرمندان و صنعتگران خارجی به این شهر روی آورده بودند. این جو بین المللی بر زندگی هنری اصفهان اثر گذاشت. چنان که برخی از نگارگران ایرانی به روش بازنمایی طبیعت گرایانه و نیز به موضوعهای نقاشی غربی جلب شدند میتوان فرهنگهای گورکانی هند جامعه ارمنی و اروپای باختری را در این گرایش مؤثر دانست گرچه میزان و نوع تأثیرات مختلف بودند.

معماری اسلامی

شاید یکی از مهمترین نموده های هنر اسلامی معماری باشد. به ویژه مساجد چهار ایوانه و ستون دار که معرف هنر معماری اسلامی است. این عمارتهای باشکوه میتواند تاثیر فرهنگهای متفاوت در درون تمدن اسلامی را نشان دهد. به عنوان مثال عناصر رومی - بیزانسی در معماری شمال آفریقا و اسپانیای اسلامی در کاخ الحمراء در گرانادا یا در مسجد جامع قرطبه به خوبی قابل مشاهده است. در صدر اسلام و دهه های اولیه تأسیس حکومت اسلامی بر اثر شور و حرارت اولیه مذهبی و تحت تأثیر تعالیم نبوی و خلفای اولیه درباره سادگی و بی اعتنائی به تجملات و زینت های دنیوی هنر و معماری از اقبال برخوردار نبود. در این دوران سبک و طرح مستقل و درخور ذکری توسط مسلمانان ابداع نگردید. خانه کعبه در مکه جز حصاری از دیوارهای کوتاه و بامی از برگ نخل نبود.

مساجد اولیه مانند مساجد مدینه کوفه و بصره پناهایی بسیار ساده بودند در محوطه ای مربع یا مستطیل شکل که با دیواره های خشتی رو به قبله ساخته میشدند. با مسدود کردن سه طرف آتشکده ها و چهار طاقی ها و ایجاد قبله گاه از آنها برای برگزاری آیینهای اسلامی استفاده میکردند گر چه در ایران از مساجد و بناهای اولیه اسلام نمونه های زیادی به جا نمانده ولی طبق متون تاریخی در دو قرن اولیه اسلام سنت و شیوه معماری و نوع مصالح دوره ساسانی رواج داشته است.

خلفای دوره اول اسلام به علت نداشتن مدیر مجبور شدند اداره امور کشورهایی را که فتح کرده بودند را به همان حال قبلی حفظ کنند و همچنین به علت نداشتن بنا و معمار ساختمانهای موجود را مورد استفاده قرار دهند. کم کم ملل مغلوب بناهای خود را با مقتضیات و احتیاجات فاتحان وفق دادند و از آن وقت بود که در هنر خاورمیانه به مرور رنگ اسلامی پدیدار شد.

نقش گنبد در معماری اسلامی بسیار قابل توجه بوده و طی قرنهای گنبد در معماری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. قدیمی ترین گنبد باقی مانده در تاریخ اسلام بخشی از بنای تاریخی قبة الصخره متعلق به سال ۶۹۱ میلادی است. یکی دیگر از گنبد های شاخص متعلق به بنای زیبای تاج محل متعلق به معماری هندی - ایرانی از سده ۱۷ میلادی است. در اواخر سده نوزدهم میلادی گنبد های اسلامی با معماری غربی ادغام شد.

معماری دوره اموی

در دوره به قدرت رسیدن بنی امیه بین سالهای ۴۱ تا ۱۳۲ هجری قمری در دمشق وضع معماری و هنر دگرگونی شد. در زمان امویان هنر و معماری در دنیای اسلام ریشه دواند و آثار بسیار زیبایی در این دوره خلق شد که الگویی شد برای دوره های بعد.

در بناهای این دوره چه در شیوه معماری و چه در تزیینات الگوهای پیش از اسلام به ویژه یونانی و بیزانسی دیده میشود. به طور کلی تمدن های یونانی بیزانس ساسانی و مصری در هنر و معماری این دوره تاثیر بسزایی داشته اند.

مهمترین آثار معماری این دوره مسجد جامع دمشق در سوریه است که بر روی کلیسای سن ژان حضرت جان در سال ۶۳۵ میلادی ساخته شد. مسلمانان به آن محرابی افزودند که در واقع اولین محراب در دنیای اسلام است. همچنین از بناهای مهم این دوره قبه الصخره یا گنبد سنگی در فلسطین است که در سال ۶۹ هجری آغاز و ۷۳ هجری پایان یافت و توسط عبدالملک اموی ساخته شد. این بنا کهنترین اثر اسلامی است که در نهایت کمال باقی مانده سبک معماری مسیحی در آن کاملاً آشکار است و دارای ۴ دروازه در چهار جهت اصلی است. تحول چشمگیر بناها و مساجد ساده صدر اسلام با این بناها قابل توجه است. مسجد الاقصی هم از بناهای مهم اموی است. این بنا نیز توسط عبدالملک اموی ساخته شد این اثر بر روی یک کلیسای نیمه خراب به نام حضرت مریم بنا شد. بر اثر زلزله از بین رفت و صلاح الدین ایوبی آن را تعمیر کرد افزون بر مساجد امویان به سبب تجمل گرایی به ساختن کاخهای عظیم و باشکوه روی آوردند. از جمله کاخهای الخضره قصر الحیر شرقی و قصر خرانه که یکی از کوچکترین قصرها در دنیای اسلام است

فاطمیان

زمانی که مسلمانان شمال افریقا را فتح کردند، سبک خاصی در معماری نداشتند. ایشان با استفاده از سنتهای محلی و اقتباس از سبکهای هنری ایران و سوریه دست به ایجاد بناهای تازه زدند. افزون بر این از معماران و هنرمندان محلی و خارجی - اعم از قبطی، یونانی، سریانی و ایرانی - استفاده کردند و از طرحهای بناهای کهن بیزانسی و رومی نیز بهره جستند. به این ترتیب یک فرهنگ هنری ناهمگن عرب - بربر به وجود آمد. در ابتدا مسلمانان فقط به منظور مقابله با حملات دشمن قلعه و رباط می ساختند، اما پس از مدتی به ساخت بناهای مذهبی هم پرداختند و سرانجام قصرهای باشکوهی نیز احداث کردند که آنچه اکنون برجای مانده بیشتر همان ساختمانهای مذهبی است.

عربی کردن فرهنگ مردم مصر چندان زمانی نبرد، اما این در مغرب سال ها به درازا کشید مصر پس از پذیرش اسلام نقش فعالانه ای در پدید آمدن فرهنگ اسلامی - عربی داشت. نخستین شهرهای عربی در مصر مانند فسطاط دارای ویژگی هایی شبیه به اردوگاههای نظامی بود عناصر اصلی شهرها را مسجد قصر حمام های عمومی و پادگان و حصارهای عظیم و مستحکم تشکیل می داد ویژگیهای معماری مذهبی در قرنهای ۱-۳ ق / ۷-۹م در آنجا بنای مسجدهای بزرگی چون مسجد عمرو بن عاص قابل مشاهده است. از جمله بناهای در این دوران "مقیاس النیل" واقع در جزیره روضه در نزدیکی قاهره قابل ذکر است که برای اندازه گیری میزان بالا و پایین آمدن سطح آب نیل ساخته شد. نخستین آرامگاه های فاطمیان دارای نقشه مربع، طاقی در وسط هر نما و گنبدی بر پایه ای هشت ضلعی بودند. برای تزیین مقبره ها مقرنس نیز به کار برده میشد. از آثار معماری شهری باقی مانده در قاهره سه دروازه به نام های "باب الفتوح"، "باب الزئبیه" و "باب النصر" قابل ذکر است.

اغلبیان به آبادانی و ساختن بناها اشتیاقی داشتند. زیاده الله اول مسجد بزرگ قیروان را ساخت و احمد فرمانروایی اغلبي نیز مسجد بزرگ تونس را تجدید بنا کرد.

قیروان، پایتخت اغلبیان نخستین شهر اسلامی بود که از گسترش اردوگاه نظامی عربی در سده ۱۷ق م به وجود آمد.

معماری اسلامی در اسپانیا

اندلس یا همان اسپانیای امروزی، حلقه میانی فرهنگ و هنر اسلام و غرب است. حضور هشتصد ساله مسلمین در این سرزمین و به بار نشستن عمیق فرهنگ و هنر اسلامی اسپانیا را پلی میان دو تمدن بزرگ تبدیل نمود. این تاثیر در دو محور قابل بررسی است. یکی هنر مسیحیانی که تحت تسلط حکومت های اسلامی می زیستند و دیگری هنر اسلامی است که تحت تاثیر هنرهای متداول در سایر سرزمینهای تحت حکومت اسلام در اسپانیا رواج یافت. نوعی از هنر که در دوران تسلط مسلمانان در اسپانیا شکل گرفت و توسعه پیدا کرد، تأثیر شگرفی در معرفی هنر اسلامی به اروپاییان و نفوذ آن در هنرهای مدرن سده های بعدی داشت. اندلس یا همان اسپانیای امروزی حلقه میانی فرهنگ و هنر اسلام و غرب است. طی حضور هشتصد ساله مسلمانان و تسلط حکومت خاندان های مختلف اسلامی مستقر در اسپانیا، توسط گروهی از مسیحیان نوعی سبک هنری متداول شد که از سده هشتم تا یازدهم میلادی دوم تا پنجم ه ق در کنار معماری و هنر اسلامی تحول یافت. این شیوه در سده یازدهم میلادی با نفوذ و رواج هنر رومی وار متروک ماند و از میان رفت. در میان بسیاری کاخ های بر جا مانده از معماری دوران اسلامی اسپانیا، مشهورتر از همه کاخ مستحکم الحمرا یا مقر دژ مانند و شکوهمند امیران مراکش، گرانادا یا غرناطه معروف به سلسله بو نصریان است. بخش عمده این کاخ در سده هفتم هجری برپا شد. بناهای الحمرا، نمونه بارز رشد هنر اسلامی مغربی در اسپانیا است. در این

ساختمان‌ها سبک جدیدی به وجود آمد که بیشتر متأخر از آموزه‌های اسلام و شمال آفریقا بود و کمتر به خود اسپانیا مربوط می‌شد. یکی از ویژگی‌های بارز معماری الحمرا درون‌گرایی آن است. در الحمرا تزیینات درونی بسیار بیشتر از هیبت بیرونی است. این کاخ پر زینت و مجلل در داخل دیواری دژ مانند به رنگ قرمز بنا شده که به همان سبب در زبان عرب الحمراء یا «جایگاه قرمز نام گرفته است. نقشه اصلی بنا نامنظم و گسترده به طور عمده مشتمل است بر دو حیاط مستطیل شکل عمود بر هم که هر یک به ردیف‌هایی از ورودیه‌ها و سراسرها و اتاق‌ها راه می‌یابند. حیاط شیران که کوچکتر آن دو و دارای تزیینات بیشتر است، در طاق نماهای چهار جانبی که متناوباً بر تک ستونی‌ها و دو ستونی‌های ظریف با سرستون‌ها مزین به نقوش تو ریافت سوارند محصور شده است، و قوسها از درون‌سوی دالبری چند پره و سطح دیواره بالای آنها با گچ‌بری راست خط‌های در هم تنیده و کتیبه‌های قرآنی زینت یافته است. در مرکز حیاط حوضچه‌ای سنگی سوار بر پشت دروازه پیکره شیر از سنگ سیاه تعبیه شده است. بر روی هم نمای بیرونی بین الحمراء ساده و تزیینات گوناگون آن به شیوه کاخ‌سازی بربرهای مراکش در درون خانه تعبیه شده است، که عبارتند از: کاشی کاری لعابی منقوش و هفت رنگ، گچ‌بری فراوان به نقش تور بافت یا با نقوش هندسی اسلامی و گل‌های گیاهی یا اسلیمی در هم بافته، کتیبه‌های حاشیه‌بندی شده قرآنی به خطوط کوفی و نسخ و ریحانی.

در معماری، اولین نمونه حضور مسلمانان در این بخش از دنیا مسجد جامع قرطبه است. حاکمان مسلمان برای ساخت شهری تحت عنوان «الزهرا» با فراخواندن معماران، هنرمندان، معبد سازان، خطاطان و نقاشان از سراسر اندلس بغداد، مصر و حتی قسطنطنیه، شهری بسیار زیبا با بناهایی باشکوه بنا کردند. یکی از شکوهمندترین این بناها قصر الزهرا و به ویژه تالار پذیرایی آن بود. باغ‌ها و پارک‌هایی که در الزهرا ساخته شد، این شهر را به یکی از زیباترین شهرهای جهان تبدیل نمود. تزیین هنری این قصر با نقش و نگار آیات قرآنی و گچ‌بری‌ها و نقاشیهای هنرمندانه‌ای همراه بود. در کنار قصر، مسجد عظیمی نیز ساخته شد که یکی از بی‌نظیرترین معماری‌های اندلسی بود.

امپراتوری عثمانی

از سال ۱۳۸۱ تا ۱۹۲۳ میلادی بزرگترین امپراتوری بود که بر کناره‌های دریای مدیترانه آناتولی بخش عمده‌ای از خاورمیانه قسمتهایی از شمال آفریقا و جنوب شرقی اروپا حکم می‌راند. حکمرانان عثمانی از بزرگترین پشتیبانان هنر و هنرمندان بودند و نیز به علت کشورگشایی‌های متعددی که انجام می‌دادند، هنر این دوران از فرهنگ و هنر کشورهای که تحت سلطه آنان قرار می‌گرفتند، بسیار تأثیر پذیرفته بود.

هنر معماری عثمانی در ابتدا رنگ و بوی معماری سلجوقی را داشت که خود ریشه در معماری ایغورهای ترک آسیای میانه دارد. هنر عثمانیان در قرن نهم هجری، نقطه اوجی برای هنر اسلامی به ویژه در معماری به شمار می‌رود و میتوان عنوان کرد که مساجد این دوره در ردیف زیباترین مساجد جهان قرار دارند. معماران عثمانی به ویژه در طراحی مساجد جامع در استانبول پایتخت مرکزی دولت عثمانی پایه کار خود را بر موازین معماری بیزانس منطبق ساختند. مکتب معماری عثمانی به مانند مکتب اسپانیا از تفکر اولیه اسلام پیروی ننمود. در این شیوه شاهد توجه بیش از حد معمار به نمای بیرونی بنا هستیم استفاده از نمای بیرونی پر ایهت و با شکوه تعدد گنبد‌های فرعی گنبد خانه مرکزی وسیع و فراخ شبستان‌ها در طرفین گنبد خانه، استفاده از مناره‌ها در چهار سوی بنا به شیوه‌ای بیزانسی، قوس‌ها و طاق‌های پلکانی و استفاده از سنگ به عنوان مصالح اولیه از ویژگیهای معماری عثمانی به شمار می‌روند.

خوشنویسی در دوران عثمانی بسیار مورد توجه بود و کاتبان عثمانی افزون بر رشد خط ثلث، خط دیوانی را پدید آورده و به اوج رساندند. خوشنویسی در دوره امپراطوری عثمانی دوره طلایی خود را گذراند.

در دوره عثمانی انواع هنرهای صناعی و صنایع دستی رونق داشت، مانند ساخت جواهر آلات و اثرهای هنری که به وسیله سنگهای قیمتی و یا فلز و سنگ تولید میشود. کار بر روی چوب که با روشهایی چون رنگ آمیزی کنده کاری، برجسته کاری تراشیدن، روکش و پختن چوب همراه بود؛ فلز کاری بر روی برنز و پس از آن مس، طلا و نقره که با روش کوبیدن و ریخته‌گری انجام میشد؛ ساختن آلات موسیقی با استفاده از انواع چوب و سیم و پوست حیوانات، انواع چینی‌های مختلف، هنر شیشه به اشکال گوناگون مانند: تزیینات پنجره‌های شفاف و یا به عنوان منجوق، چشم خوردن سنگ کاری که غیر از معماری در سنگهای قبور دیده می‌شود و با روش‌های مثبت کاری حک و کنده کاری و برجسته کاری به انجام می‌رسید؛ سید باقی، نمد مالی و ده‌ها هنر صناعی دیگر که توسط هنرمندان و صنعت کاران انجام می‌شد.

دوره گورکانیان هند

۱۵۲۶ - ۱۸۵۷ (م) را آخرین عصر طلایی امپراتوری های اسلامی می نامند. مقارن زمان برخاستن صفویه یکی از نوادگان تیمور به نام بابر که در منطقه فرارود حکومت می کرد به هند حمله و آنجا را فتح کرد و بر خلاف جدش تیمور با سلطان محمود غزنوی در همانجا ساکن شد و سلسله درخشان گورکانیان هند یا امپراتوری مغولی هند را بنیان نهاد. سلسله ای که برخی از شکوهمندترین آثار هنری و معماری نظیر بنای تاج محل در دوره ایشان بنا شده است.

پادشاهان گورکانی هند به هنر عشق می ورزیدند و دربار آنان مجمع هنرمندان مختلفی از سراسر دنیا به ویژه از ایران و تا حدی عثمانی بود. بسیاری از هنرمندان ایرانی در پی زوال و فروپاشی سلسله صفوی به دعوت امپراتوران با حاکمان محلی هند به آن دیار مهاجرت کردند و گروهی نیز به دنبال یافتن بختی جدید، خود اقدام به جلائی وطن کردند. از این رو ادامه سنت هنر تیموری و هنر درخشان صفوی به خوبی قابل مشاهده است. نقاشی، خوشنویسی و معماری و حتی شعر پارسی به بهترین نحو مورد پذیرش و حمایت امپراتوران گورکانی هند قرار گرفت. هنرمندان مختلف با حمایت و سرمایه امپراتوران گورکانی و درآمیختن هنر خود با برخی از عناصر هندی، ترکی و بومی آثار فاخری خلق کردند.

افزون بر امپراتوران گورکانی، سایر حکام محلی هم حکمرانان سلسله های مختلف سلطنت دهلی در شمال شبه قاره هند و بهمنی ها عادل شاهیان نظام شاهیان احمد نگر و نظام حیدر آباد در دکن نیز حامیان گشاده دستی برای هر سه ویژه هنرهای ایرانی بودند.

شیوه های معماری ایرانی پس از اسلام

شیوه خراسانی

شیوه رازی

شیوه آذری

شیوه اصفهانی

سبک خراسانی

با طلوع اسلام ساخت بناهای اسلامی چون مساجد آغاز گردید. سبک خراسانی اولین سبک معماری اسلامی بوده چون اولین بناها در خراسان ایجاد شده لذا به سبک خراسانی معروف است. این سبک تحت تأثیر پلان و نقشه مساجد عربی با ساختمانی ایرانی پارتی با فضای ساده (فاقد تزئینات) بنا احداث شده اند. این شیوه در قرن اول هجری آغاز شد و تا قرن چهارم ادامه داشت. تأثیر اصلی را در این مکتب از هنر ساسانیان و خصوصاً بناهای طاق قوسی چون ایوان مداین و طاق کسری دریافت کرده بود. در این شیوه مساجد به صورت شبستانی یا چهل ستونی هستند. قوس ها به صورت بیضی یا تخم مرغی هستند و مساجد در این عصر بسیار ساده هستند.

ویژگی های سبک خراسانی

۱ پلان مستطیل شکل

۲ فضای شبستانی یا چهل ستونی

۳- ساده و بی پیرایه (فاقد تزئینات)

۴- مصالح اولیه خشت خام و آجر

۵- فاقد پوشش و تزئینات با گاه پوشش کاهگل

۶- استفاده از تک منار منفک با مقطع دایره ای در شمال بنا

۷- قوس های بیضی، تخم مرغی، ناری

در سبک خراسانی پلان و نقشه مساجد عربی و ساختمان بنا ایرانی است.

بناهای سبک خراسانی:

۱ - مسجد جامع فهرج: ساخت مسجد جامع فهرج به نیمه اول قرن اول هجری برمی گردد. این مسجد، تنها مسجدی در جهان اسلام با قدمت زیاد است که ساختمان آن از ابتدا تا کنون تغییری نکرده است. مسجد از نوع شبستانی و فاقد ایوان است. اگر چه بین باستان شناسان اختلاف نظر وجود دارد اما ظاهراً مسجد جامع فهرج قدیمی ترین مسجد

ایران است. هر چند برخی مسجد تاریخانه دامغان را قدیمی ترین مسجد ایران می دانند. در حال حاضر مسجد تاریخانه صرفاً کاربرد بازدید و گردشگری دارد اما مسجد جامع فهرج کماکان زنده و پویا بوده و در آن نماز برپای می دارند.

۲- **مسجد تاریخانه دامغان:** تاریخانه به معنای خدای خانه، خانه خدا است. طبق تحقیقات اداره کل باستان شناسی، این بنا پیش از تسلط اعراب بر ایران آتشکده بوده و بعداً به مسجد تبدیل شده است. ساختمان بنای مجدد آن، مربوط به قرن دوم هجری است و اسلوب ساختمان آن نیز به سبک بناهای دوره ساسانیان میباشد. تاریخانه در ترکی به معنای خانه خداست.

این مسجد نمونه بسیار زیبا و کاملی از مساجد قرون اولیه اسلام به شمار میرود. شیوه معماری مسجد مأخوذ از معماری ساسانی است. ساختمان مسجد شامل یک صحن یا حیاط مرکزی است که اطراف آن را رواق های سرپوشیده احاطه کرده است. شبستان مسجد بر روی هجده ستون مدور سه ردیف شش تایی استوار شده است. این ستون ها یک متر و نیم قطر دارند و از نظر ویژگی های معماری مشابه ستونهای کاخ های ساسانی هستند. طاق های مسجد از آجر است و به طاق های دوره قبل از اسلام یعنی عهد ساسانی شباهت بسیار دارد.

در طی قرون تاریخانه دامغان، بارها مرمت و بازسازی شده است. مناره ای آجری در عهد سلجوقیان به این مجموعه اضافه شده است که اکنون ۲۵ متر ارتفاع دارد و بدنه آن با آجر کاری تزیین شده است.

سبک رازی

شیوه ای در معماری ایرانی است که مربوط به سده پنجم تا آغاز سده هفتم، سامانیان، سلجوقیان و خوارزم شاهیان است. تغییرات اسلوب معماری روندی تدریجی و آرام دارد. آغاز تغییرات در اسلوب خراسانی و نزدیک شدن آن به سبک رازی از دوره آل زیار و سامانیان صورت پذیرفته است. سبک رازی، دومین سبک معماری پس از اسلام در ایران میباشد که اوج آن در دوره ی سلجوقی بوده است. چون اولین بناها در شهر ری (راز) احداث گردیده به سبک رازی معروف است. از مهمترین تغییرات این سبک، حذف فضای شبستانی و ستونهای آن و احداث ایوان گنبد با پلان چهار ایوانی میباشد.

معماری این دوره را میتوان مجموعه ای از تمام معماری های گذشته ایران دانست. در این زمان بود که ادبیات ایران نیز زنده گشت و فردوسی شاهنامه را برای ایرانیان به جا گذاشت که یکی از پر افتخار ترین آثار ادبی ایران است. معماری نیز در این دوره با نگر کاری پارسی شکوه و عظمت پارتی و ریزه کاری خراسانی همراه بود. شاید بتوان چنین گفت که در این دوره در سر هوای بازگرداندن ایران به قدرت ساسانی را داشتند که سعی بر آن داشتند که در معماری که در این دوران به جا می گذاشتند. در واقع اشکال و ترکیبات هندسی بنا برای بیان قدرت و بقا به کار گرفته شود و نهایت سعی را در ایجاد ارزشهای شکلی ماندگار و بی نظیر به عمل می آوردند.

در معماری این دوره، عملاً با توجه به موارد بالا با گوناگونی بناها روبرو هستیم. در این دوره همانند دوره های قبل از اسلام مدرسه به عنوان بنایی جدا وارد معماری شد و بناهای چهار ایوانی نیز از نو زنده شده و تزئینات نیز به بناها باز گردانده شد. دونالد ویلیز معماری سلجوقی سبک رازی را برگرفته از سبک معماری ساسانیان می داند، به ویژه در شکل و نسبت های گنبدها.

می توان دستاورد های معماری این دوره را به صورت زیر دانست :

- پدید آمدن ساختمان با کارکردهای متفاوت، همچون مدارس، آرمگاه ها

- استفاده از طرح چهار ایوانی در بناها

- استفاده از تاق های چهار بخش کاربردی تاق کلنیو و تاق چهار ترک

- ساخت گنبد به روشهای مختلف همچون گنبد رک و گسته نازی و ابداع گنبد دو پوسته و گنبد ترکیب با تویزه - استفاده دوباره از مصالح مرغوب در بناها

- به کار بردن آجر پیش بر به دو صورت لعاب دار و بی لعاب ابداع شیوه معقلی که گره سازی با آجر و کاشی است.

- به کار بردن نگاره های اجری با خطوط شکسته و مستقیم

- به کار بردن انواع گچ بری ها در بناها

به کار بردن انواع گچ بری ها در بناها

آنچه مسلم است دوره رازی را میتوان رنسانسی برای ایران قدیم دانست که متاسفانه با حمله مغول به این کشور اکثر آثار این دوره نابود شد.

در عصر سلجوقیان هنر معماری به شکوفایی و کمال نسبی رسید و هنرمندان و معماران آثار فراوانی به وجود آوردند. در اواخر عهد سلجوقی ترئینات گچبری و رنگ اهمیت زیادی یافت کاشی لعابدار فیروزه ای در تزئین معماری بکار گرفته شد.

سلجوقیان در بکارگیری گنبد دو پوسته سعی زیادی داشتند. نمونه چشم گیر در این مورد گنبد مسجد جامع اصفهان است. بنای مدرسه از جمله بناهای مذهبی این دوران بود. معماری غیر مذهبی نیز هم دوش معماری مذهبی بکار می رفت. اصلی ترین و متنوع ترین سبک معماری ایرانی سبک رازی است. - سبک رازی تحت تأثیر سبک پارسی و پارتی قرار دارد.

-روند تغییر مساجد شیستانی به ایوانی

-مساجد شبستانی مانند: مسجد جامع فهرج یزد، مسجد تاریخانه دامغان، مساجد چهار طاقی مانند: مسجد یزد

خواست، مسجد جامع اردبیل، مساجد تک ایوانی: مانند مسجد جامع نیریز، مسجد جامع رجبعلی (درخونگاه تهران)، مسجد جامع یزد، مسجد جامع سمنان، مساجد دو ایوانی، مسجد جامع زوزن (فریومد خراسان)، مسجد جامع ساوه. مساجد چهار ایوانی: مسجد جامع اصفهان - مسجد امام اصفهان

ویژگی های سبک رازی

۱ - پلان مستطیل شکل

۲-فضای ایوانی

۳- مصالح اولیه اجر

۴ ساخت ایوان پلان ایوان مربع شکل میباشد.

۵ استفاده از طاق های جناقی تیزه دار

۶-ساخت گنبد و متعلقات آن گنبدها بر پشت ایوان جنوبی ساخته می شده است.

۷- ساخت زوج مناره بر ایوان جنوبی

۸- استفاده از تزئینات (گچ بری، آجرکاری، گره سازی، کاشی خشتی)

سبک آذری

با ورود مغولان (ایلخانی) این شیوه معماری آغاز گردید و تا زمان صفویه ادامه داشته است چون اولین بناها در تبریز احداث گردید به سبک آذری معروف است. دوره ی حکومت غازان خان را آغاز سبک آذری میدانند. سبکی در معماری ایرانی پس از اسلام است که به آذربایجان منسوب است. این شیوه سبک مغول یا ایرانی - مغول نیز نامیده میشود و در دوره حکومت ایلخانان بر ایران (۶۵۴-۷۳۶ ق / ۱۲۵۶ - ۱۳۳۶م) رواج یافت .

محمد کریم پیرنیا در کتاب سبک شناسی معماری ایران» (۱۳۴۷) سبکهای معماری را به زادگاه های آنها نسبت داده و از «سبک آذری» نام می برد. این سبک را میتوان بر معماری اسلامی ایرانی در دوره ایلخانان مغول منطبق ساخت. «دونالد ویلبر» معماری سلجوقی (شیوه رازی) را شکل ابتدایی سبک ایلخانی میداند و خود معماری سلجوقی را برگرفته از سبک پیش از اسلام معماری ساسانی میداند به ویژه در شکل و نسبت های گنبدها.

پیرنیا می نویسد پس از اینکه هولاکو در سال ۶۵۷ ق / ۱۲۵۹م در مراغه مستقر شد معماری ایرانی ترقی کرد و در پی دگرگونی های سیاسی اجتماعی و اقتصادی در جامعه سبک رازی معماری دوره سلجوقی نیز تغییر کرد و سبک آذری» زاده شد. سبک آذری از مراغه آغاز شده و با نام سبک مغولی به تبریز و سلطانیه و سپس به سراسر ایران و خارج ایران رفت و روز به روز درخشان تر شد. در اوج سبک آذری شاهکارهای معماری زمان جانشینان تیمور به ویژه شاهرخ ۸۰۷ / ۵۰ ق / ۱۴۰۴-۱۴۴۶م) بنا شدند. پیرنیا سبک آذری را بر معماری دو دوره ایلخانی و تیموری منطبق می سازد، اما بیشتر پژوهشگران هنر و معماری دو دوره مغول (ایلخانی) و تیموری را دو دوره مختلف جدا از یکدیگر دانسته اند.

سبک آذری خود به دو شیوه قابل تفکیک می باشد:

الف: شیوه اول سبک آذری مربوط به دوره ایلخانی به مرکزیت تبریز

ب: شیوه دوم سبک آذری مربوط به دوره تیموری به مرکزیت سمرقند

از بناهای سبک آذری:

شنب غازان - ربع رشیدی - رصدخانه مراغه - ارگ علیشاه در تبریز - مدرسه و تکیه امیر چخماقی - زندان اسکندر یا مدرسه ضیاییه در یزد - مسجد جامع ورامین - گنبد سلطانیه یا مقبره اولجایتو

گنبد سلطانیه شامل سه بخش اصلی ورودی، تربت خانه و سردابه است.

سبک اصفهانی:

به شیوه ی معماری دوره ی صفویه سبک اصفهانی اطلاق میشود چون اولین بار شهرهای اصفهان ساخته شده و به سبک اصفهانی معروف است. دوره ی حکومت شاه عباس را عصر طلایی سبک اصفهانی میدانند. شیوه اصفهانی نام آخرین نوع شیوه معماری سنتی ایرانی است و دو دوره دارد که دوره نخست آن به زمان قراقویونلوها باز میگردد.

به حکومت رسیدن سلسله صفویه در ایران موجب به وجود آمدن حکومتی شد که ایران بعد از سلسله ساسانیان به خود ندیده بود. مذهب شیعه و تشکیلات منضبط ناشی از آن باعث گردید که این دولت بر تمام شئون زندگی مرم مسلط گردد. اوج گرفتن حیات عقلی شیعه در این دوره که ملازم با تجمع متفکران و اندیشمندان شیعه در مراکز عمده آن روزگار به ویژه اصفهان و تبادل آراء و افکار آنان است. دوره جدیدی را در زمینه حکمت و فلسفه شیعه به همراه داشت ۳۱ و جلوه از تمدن را در این کشور پایه گذاری کرد و حکومت بنا به سنتهای گذشته سازماندهی راه اندازی و ایجاد تاسیسات و تجهیزات زیر ساختی را عمداً بر عهده گرفت. در واقع این سیاستهای را دنباله و الگو گرفته سیاستهای ساسانیان میتوان دانست. آنچه مشخص است که دولت صفوی جمع بندی از تاریخ چند هزار ساله ایران بوده که مکتبی تحت عنوان اصفهانی را از جمع بندی ماهرانه فلسفه هنر معماری و شهر سازی روزگار کهن ارائه کرد و آن را با توجه به مصادیق و مفاهیم روز خود به جامعه معرفی کرد.

از مظاهر بارز این دوره و آثار شکوهمند آن که هنوز هم در سر تا سر ایران نمود دارد این است که یکی شبکه راه های عمود برهم بوده که از کوهستان ها به داخل کویرها و نمک زارها گسترش یافته بود و دیگر ساختن رباط ها و کاروان سراهای بزرگ و توقفگاه های آبرومند کاخ ها و بستان های زیبا و خوش منظر که در فواصل راه ها که در آنها همه گونه وسایل آسایش و رفاه مردم فراهم آمده بود را دانست.

خوشنویسی

خوشنویسی اسلامی در آن سالها هنوز شکل نگرفته بود و روشهای نوشتاری مسلمین حتی برای نگارش قرآن بسیار خام و ابتدایی بود. همچنین از آنجایی که برای سایر هنرها همچون نقاشی مجسمه سازی و موسیقی محدودیت هایی قابل بودند و بنا به منابعی آنها را حرام میشمردند گزارشی از این هنرها در دهه های اولیه اسلامی در دست نیست. خوشنویسی بارزترین هنر اسلامی است خوشنویسی را می توان شاخص ترین هنر در پهنه سرزمین های اسلامی دانست، و آن را به مثابه زبان هنری مشترک برای تمامی مسلمانان تلقی کرد. هنر خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می دانسته اند. در سرزمین های اسلامی خط زیبا را نه فقط در نگارش قرآن، بلکه در اغلب هنرها به کار می بردند .

در هنر اسلامی تزئینات خطی و خوشنویسی در همه جا به چشم میخورد. در کتیبه های دیوارها و گنبد های بناهای مختلف مذهبی و غیر مذهبی متبرها، سکه ها، سفالینه ها، ظروف فلزی سلاح ها لباس ها و منسوجات نسخه های خطی استاد و کتاب ها و قطعات هنری تذهیب شده و در همه جا از خط به عنوان عاملی تزئینی بهره گرفته اند. در ابتدا از خط کوفی برای کتابت استفاده میشد. بعدها برای کاربردهای گوناگون نیاز به خطوط دیگری به وجود آمد که به اقلام ششگانه معروف شد. این مقله در قرن سوم و این بواب در قرن چهارم این اقلام خوشنویسی را قاعده مند و زیبا کردند. اقلام ششگانه عبارتند از نسخ ثلث محقق، ریحان، توقیع و رفاع میر علی تبریزی در قرن هشتم بر اساس خطوطی که از پیش وجود داشت. نستعلیق را به وجود آورد که ذوق ایرانی به خوبی در آن پیداست و به عروس خطوط اسلامی شهرت دارد.

سیر تحولات

اغلب نسخه های قدیمی قرآن به نوعی خط کوفی اولیه است. پس از سده پنجم هجری خط کوفی بکلی جای خود را در نگارش متن قرآن به خط نسخ و محقق داد که حروف آنها بر خلاف حروف زاویه دار کوفی منحنی و قوس دار است. در اسپانیای مسلمان، نوعی خط به وجود آمد که حاصل تماس اندلس با مسیحیان غربی است. خط عربی در آغاز به نوعی از خط نسخ که برگرفته از شیوه نگارش خط نبطی بود نوشته میشد. خط کوفی نیز بر آن اضافه شد که گفته میشود در کوفه رایج شد و این همان خطی است که کاتبان اصلاحات خود را بر آن اعمال کردند که بزودی در خط نسخ نیز انجام شد. سربانی های مقیم شام خط عربی را با چند شکل می نوشتند که از آن میان خط سطر نجیلی ویژه کتابت تورات و انجیل بوده است. خط کوفی تحت تأثیر خط سطر نجیلی برای نگارش قرآن پدید آمد.

در زمان مامون عباسی نویسندگی، ترجمه و امور دیوانی اهمیت زیادی پیدا کرد و کاتبان در نیکو ساختن خط به رقابت پرداختند و چندین قلم دیگر به نام قلم مرضع قلم نسخ، قلم رفاع، قلم عبار الحلیه قلم ریاسی و مانند آنها پدیدار شد. در نتیجه خط کوفی به بیش از بیست شکل درآمده ولی قلم نسخ اولیه کم و بیش به همان شکل در میان مردم و برای تحریر مطالب غیر رسمی رایج بود تا آنکه این مقله خوشنویس نامی در گذشت ۳۲۸ هـ ق با نبوغ خود نیاز به بازبینی خطوط را درک کرد و خطوط مشخص و قواعد معینی را مطرح کرد.

خطوط شش گانه

نوشتار اصلی خطوط ششگانه

در اوایل سده چهارم در سال ۳۱۰ هجری قمری این مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سنه معروف شدند. در واقع این خطها توسط او از بین اقلام مختلف انتخاب شد و وی در زیبایی و مدون کردن تناسبات آن ها ابتکاراتی بخرج داد. این خطها که به خطوط اصول نیز مشهورند عبارتند از:

محقق - ریحان - الخ - رفاع - توقیع

وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور حرکت های مستقیم یا منحنی در شکل حروف در هر کدام می باشد.

خط کوفی نام خطی از خطوط اسلامی است که منسوب به شهر کوفه بوده و گفته میشود که در آنجا شکل گرفته و توسعه یافته است نخستین نسخه های قرآن با این خط نوشته می شد. نگاره بالا آیه هایی از سوره فتح را که در دوران عباسیان و به خط کوفی خوشنویسی شده است نشان می دهد. این اثر هتوی مربوط به قرون هشتم و نهم میلادی است.

خوشنویسی در ایران

نوشتار اصلی : خوشنویسی ایرانی

پیش از اسلام در ایران خطوط مختلفی مانند میخی پهلوی و اوستایی رایج بود ولی پس از ظهور اسلام ایرانیان الفبا و خطوط اسلامی را پذیرفتند. در ایران پس از فتح اسلام خطاطی به شیوه نسخ وجود داشت. در پرتو حمایت ابوبکر بن سعد زنگی در فارس ده ها نسخه قرآن خطی به وجود آمد در زمان حکومت ایلخانیان به دلیل نفوذ چینی ها و مغول ها، اوراق مذهب کتابها نخستین بار با نقشهای تزئینی زینت یافت در زمان حکومت تیموریان در ایران خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میر علی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق خط نستعلیق را بنیان نهاد مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود و بزرگترین استاد نستعلیق نویس در طول تاریخ میرعماد بود.

اوایل قرن هفتم خط تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رفاع به وجود آمد که بیشتر به عنوان خط تحریر برای نوشتن نامه ها و فرمانهای حکومتی به کار می رفت. این خط حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق را خواجه تاج سلمانی قانونمند کرد که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر آبادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد. خط تعلیق دارای دوایر زیاد حروف مدور و قابلیت بسیاری در ارائه ترکیب های متنوع است و بیشتر در بین کسانی رواج داشته که از نظر سواد و میزان آشنایی با خط در سطح بالایی بوده اند. از این رو این خط به تدریج کاربرد خود را از دست داد. خط تعلیق را می توان نخستین خط کاملاً ایرانی دانست.

دومین خط ایرانی در سده هشتم توسط میر علی تبریزی (۸۵۰ هـ ق) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق شکل گرفت و به نام نستعلیق نامیده شد که در اثر کثرت استفاده به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد استقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید. نستعلیق حدود یک دانگ سطح و مابقی آن دور است. یک ششم حرکت های مستقیم و پنج ششم حرکت های مدور دارد. در میان خطوط ایرانی و عربی خط نستعلیق به گواه آثار آفریده شده به عنوان زیباترین خط و برتر از خطوط اسلامی شناخته شده و آن را «عروس خطوط اسلامی» نامیده اند. نستعلیق در دوره تیموری کامل تر شد و در دوران صفوی به اوج رسید که سر آمد همه خوشنویسان میرعماد

در این دوره ظهور کرد. همزمان به هند و عثمانی راه یافت و خوشنویسان بزرگی به ویژه در هند در این عرصه خوش درخشیدند. در ایران پس از یک دوره رکود دوباره در دوران قاجار آثار درخور توجهی از نستعلیق و شکسته پدیدار گشت.

در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو، حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را میتوان به سبب نیاز به تند نویسی و راحت نویسی در امور منشی گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق ایرانیان به خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن را نیز به وجود آوردند. خط شکسته نستعلیق به دست میرزا شفیعا هراتی کاملتر شد و درویش عبدالمجید طالقانی قواعد جدیدی برای آن وضع کرد و آن را به کمال رساند. درویش عبدالمجید شکسته نستعلیق را به جایی رساند که میرعماد در نستعلیق انجام داده بود.

در سراسر کشورهای اسلامی و در طول چهارده قرن تاریخ آن هنرمندان زیادی در ارائه آثار ارزشمند خوشنویسی درخشیدند که عمده آنها برخاسته از تمدنهای ایران، عثمانی و هند بودند.

چهار تن از خوشنویسان نامی که در چهار خط ثلث، نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق سرآمد بوده اند و به ارکان اربعه هنر «خوشنویسی مشهور گشته اند عبارتند از:

در خط ثلث یاقوت مستعصمی (۶۹۸ هجری قمری)

در خط نسخ میرزا احمد نیریزی (اواسط قرن ۱۲)

در خط نستعلیق غیر عماد حسنی (۱۰۲۴ هجری قمری)

در خط شکسته نستعلیق عبدالمجید طالقانی (۱۱۸۵ هجری قمری)

بخش اول : شکل گیری اسلام

فصل اول : طلوع و گسترش اسلام

طلوع اسلام

اسلام در آغاز قرن هفتم میلادی در شبه جزیره عربستان واقع در جنوب غربی آسیا، میان اعراب یاده نشین طلوع کرد و به تدریج منطقه وسیعی را از اقیانوس اطلس تا دریای هند و سواحل مدیترانه تا افریقا تحت نفوذ خود درآورد.

پیش از طلوع خورشید اسلام از افق تاریک حجاز اعراب آن سامان وضع نامطلوبی داشتند. در روابط اجتماعی حاکم بر جامعه سیستم طبقاتی، بر اساس استثمار آشکار استوار بود نظام اقتصادی و اجتماعی وضع ناپسامانی داشت و پر از تضاد و نابرابری های حاد مالی بود که در یک سوی آن بزرگان و توانگران با سرمایه و زمین گله های بزرگ و بردگان قرار داشتند و در سوی دیگر آن بینوایان و بردگان با دستهای تهی و گرسنه در زنجیرهای بردگی در خدمت فئودالها و اشراف بودند (گوسولت ۲۵۳۵). این اختلاف طبقاتی روز به روز بیشتر میشد و اختلافات قبیله ای نیز شدت پیدا میکرد به گونه ای که شورای رؤسای قبایل که تنها مرجع حل و فصل اختلافات بود عملاً کاری از پیش نمی برد.

در عربستان در آستانه پیدایش اسلام وحدت سیاسی و یگانگی ملی وجود نداشت و از دولت مرکزی نیز به مفهوم واقعی آن که بر همه مناطق کشور مسلط باشد، خبری نبود بنیاد سازمان سیاسی شبه جزیره عرب مبتنی بود بر استقلال و خود مختاری محلی و عشیرتی در بادیه ها و میان قبایل صحرانشین رؤسای قبایل و عشایر اختیار تام داشتند و اعضای قبایل بنا به سنت های حاکم از تصمیم های آنان تبعیت می کردند (همان) اعراب بدوی خارج از قبیله خود هیچ گونه علاقه و رابطه معنوی با احدی از افراد نداشتند و به علت فقدان وسایل مادی روح جنگجویی که دائماً در اثر آفتاب سوزان بیابان شعله ور میشد مسئله غارت و راهزنی را برای ایشان مباح ساخته بود و دست درازی و تهاجم به حقوق یکدیگر را نشانه مردانگی میشمردند. سالها این نظام شوم بر جامعه حجاز سایه افکنده بود و کسی جرأت خرده گیری نداشت. مردم در زندگی اسارت بار و نظام ظالمانه اجتماعی و فرهنگ ارتجاعی و فقر به سر می بردند. رؤسای عشایر و سران قوم و ثروتمندان هر تصمیمی میخواستند می گرفتند و هرچه می خواستند میکردند و توده مردم عرب هیچ گونه مشارکت واقعی در تصمیم گیری نداشتند. شهرهایی چون مکه و یثرب (مدینه) نیز تقریباً وضع بر همین منوال بود. (همان) آشفتگی سیاسی و ضعف قدرت زعمای عرب در شهر مرکزی مکه بر هرج و مرج و بی نظمی امور اجتماعی می افزود.

اعتقادات و باورهای اعراب فقط به بت پرستی و پرستش آفتاب و ماه و کواکب ختم نمی شد؛ ادیان دیگر هم نزد اعراب اندکی رواج داشت از آن جمله آیین زرتشتی مسیحیت و یهودیت که از خارج به عربستان نفوذ کرده بودند و برای اعراب ادیان بیگانه به شمار می رفتند. نخستین دین یکتاپرستی بیگانه که در سرزمین اعراب قوام گرفت یهودیت بود.

این دین را مهاجران یهودی که از قلمرو امپراتوری روم به عربستان نقل مکان کردند رواج دادند دومین دین یکتاپرستی که در عربستان رواج داشت آیین مسیحیت بود. این آیین از طریق سوریه حیره که شهری بود در کنار فرات و حیشه به عربستان راه یافت.

گذشته از یهودیان و مسیحیان گروهی از یکتاپرستان نیز در عربستان پیش از اسلام زندگی میکردند که اینان را اصطلاحاً حنفا یا حنیف، پیرو دین ابراهیم مینامیدند. اینان معتقد به توحید و منتظر ظهور پیامبری بودند. با توجه به آنچه گذشت در آستانه ظهور اسلام زمینه های اجتماعی و مادی و معنوی برای پیدایش آیینی نو آماده بود و ضرورت دگرگونی بنیادی در تمام سطوح زندگی اعراب و ممالک همسایه آنها احساس میشد. پیدایش اسلام در ۶۱۰ م و رسالت حضرت محمد (ص) پاسخی بود به این ضرورت دگرگونی.

برخورد اعراب مسلمان با ملل و تمدنهای دیگر باعث پدید آمدن روح اعتراض نسبت به وضع موجود و حتی نسبت به معتقدات رایج شده بود. اگرچه خدایان متعدد را می پرستیدند، خیال معبود واحد هم در آنها وجود داشت و شاید از برکت ترقی همین خیال بود که پیغمبر (ص) تمام آنها را متوجه پرستش خدای یگانه کرد و وحدتی را که در نظر داشت ایجاد فرمود طبقات محروم جامعه به محض روبه رو شدن با دعوت اسلام که برابری در برابر خدا و قانون برادری میان مسلمین را شعار خود ساخته بود به این دین گرویدند کوشش توانگران برای جلوگیری از گسترش دین جدید به جایی نرسید و سرانجام در سیزدهمین سال بعثت با هجرت پیامبر در سال ۶۲۲ م از مکه به مدینه مبدأ تاریخ اسلام ثبت شد (وزیری ۱۳۴۰: ۱۸۱). این تاریخ در نزد مسلمانان سرآغاز عصر جدیدی است که در کتاب تاریخ جهان ورقی از نو برگرداند و آن سال را مسلمانان ابتدای تقویم خود قرار داده اند (حکمت ۱۳۴۰: ۲۱).

گسترش اسلام

اسلام با شعار لا اله الا الله و برادری و برابری مؤمنان نخست اعراب را در جهت یکپارچگی اجتماعی متحد ساخت و پس از آن با همان شعارها به دیگر ملتها پرداخت. دیری نپایید که انقلاب اسلامی با نیرویی بالقوه و توفنده به سراغ ممالک دیگر رفت و آماده بودن شرایط موجب شد که در ظرف چند دهه، ایران کشورهای آسیای میانه قفقاز و نواحی پیشین بیزانس روم شرقی در کرانه های شرقی و جنوبی دریای مدیترانه به قلمروی حکومت اسلامی پیوندند و اسلام آورد اما از آنجا که اسلام به سرعت جنبه جهانی و بین المللی پیدا کرد نفوذ و تأثیرش به همین مناطق ختم نشد و در اروپا هند آسیای شرقی و چین نیز به تدریج پیروزی معنوی به دست آورد (گوسولت ۲۵۳۵: ۱۴) به راستی این نمود تاریخی که از عربستان طلوع کرد و در نتیجه آن اعراب مسلمان به نیمی از حوزه مدیترانه تسلط یافتند و دین اسلام را در آنجا بسط دادند از عجیب ترین حوادث اجتماعی قرون وسطی است با ظهور اسلام طبقه استثمار شده که اکثر مردم را تشکیل میداد چنان جهشی از خود نشان داد که هنوز هم مایه شگفتی مردم جهان است؛ جهشی که در تاریخ کم نظیر است.

با اطمینان میتوان گفت اگر مقدمات جامعه طبقاتی جدیدی در عربستان فراهم نمی گشت و اساس جاهلیت اعراب سقوط نمیکرد و یکتاشناسی علیه جاهلیت به وجود نمی آمد، دین محمدی هم به وجود نمی آمد؛ و یا اگر هم به وجود می آمد، عامه از آن چیزی درک نمی کردند و تنها میماند و فراوش میشد یعنی اینکه نفوذ ادیان یکتاپرستی زمینه را برای تعالیم یکتاپرستی حضرت رسول اکرم (ص) آماده کرد. به همین منظور در آغاز دعوت چنان که برخی گفته اند پیامبر اسلام تنها به این بیان اکتفا کردند که خدای بی همتا خدای ابراهیم بانی خانه کعبه است که اعراب او را قبول دارند.

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن درباره شخصیت حضرت محمد (ص) می گوید: اگر بزرگی را به میزان اثر مرد بزرگ در مردمان بسنجیم، باید بگوییم حضرت محمد (ص) از بزرگترین بزرگان تاریخ است. وی در صدد بود سطح معنویات و اخلاق قومی را که از گرمای هوا و خشکی صحرا به ظلمات توحش افتاده بودند به اوج برساند؛ و در این زمینه توفیقی یافت که از همه مصلحان دیگر بیشتر بود. وی مقصود خود را از راه دین انجام داد زیرا به دین اعتقاد داشت به علاوه در آن روزگار نیروی دیگری در اعراب مؤثر نبود از تصورات ترسها و امیدهایشان کمک گرفت و در حدود فهمشان با آنها سخن گفت وقتی او دعوت خویش را آغاز کرد، اعراب قبایل بت پرستانی بودند که به طور متفرق در عربستان سکونت داشتند؛ ولی هنگام مرگ او ملتی شده بودند ولی خرافات و تعصبات را محدود کرد و به جای یهودیت مسیحیت آیین زرتشتی و دین قدیم عربستان دینی پدید آورد ساده روشن و نیرومند، با معنویاتی که اساس شجاعت و مناعت قومی بود وی طی یک نسل در یکصد معرکه (هنگامه) پیروز شد و در مدت یک قرن امپراتوری عظیمی به وجود آورد. اینک هم در روزگار ما نیروی معتبری است که به یک نیمه جهان نفوذ دارد. دورلنت (۱۳۷۱: ۲۲۲) هوی رسم زنده به گور کردن دختران را از میان برداشت زن و مرد را از لحاظ تشریفات قضایی و استقلال مالی برابر کرد این عادت اعراب جاهلیت را که زن چون اثاث پدر به پسر می رسید باطل کرد. پس از وفات پیامبر در

سال ۶۳۲ میلادی (۲۸) صفر ۱۱ هـ. ق) خلفای راشدین دین مبینی را در قسمت وسیعی از جهان گسترش دادند از این رو صدسال از زمان وفات پیامبر نگذشت که عرب های نومسلمان به تدریج کشورهای معظم را فتح کردند. آشفتگی اوضاع سیاسی و اقتصادی غالب کشورها و ظلم و جور حکام در این کشورها باعث شد که مردم ناراضی بسیاری از شهرها حتی از قشون مسلمین استقبال کنند و به طیب خاطر دیانت اسلام را پذیرا گردند (وزیری ۱۳۴۰: ۱۸۰).

فصل دوم: تمدن و فرهنگ اسلام

بسیاری از ملل که اسلام را پذیرفتند، از علم و فرهنگ درخشان و حکمت و ادب شایانی برخوردار بودند و چون به اسلام گرویدند علوم خود را داخل اسلام کردند. باور کردنی نیست که ایرانی پارسی نژاد، مسیحی سوری یا رومی قبیطی پس از قبول اسلام عقاید و آداب و افکار مذهبی خود را که از نیاکان به ارث برده بودند یکباره کنار گذاشتند و تعلیمات اسلام را به معنی واقعی و حقیقی خود درک کردند. هر قومی اسلام را با عقیده و افکار خود آمیخت و قواعد آن را با اصول دیرین خود انطباق داد. ناروا نیست اگر بگوییم مسلمانان از علم و فرهنگ کشورها و نواحی تصرف شده سود جستند و بدین گونه تمدن اسلامی بنیاد گرفت. روشن است در این میان سهم هر ملتی یکسان نیست. آنها که با میراثهای غنی پیش آمدند در ساختن بنای فرهنگی تازه اثر بخش تر بودند. بنابراین در شکل گیری تمدن اسلامی فقط عربها مؤثر نبودند بلکه دیگر ملت های آسیای نزدیک و نیز پاره ای از ملل افریقا که با دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شده بودند نقش داشته اند. یکی از موفقیت های اسلام این است که ملل مختلف را با زبانه ها و فرهنگ های گوناگون آن پذیرفته اند و هر یک به سهم خود و با ذوق و فرهنگ و زبان مخصوص خود خدماتی به اسلام کرده اند. اما آنچه در این کشورها باعث گسترش سریع فرهنگ میشد پی تردید وحدت دین و خط و نیز گسترش آرامش در سرزمین اسلام بوده است.

دین اسلام پیروان خود را به نظم و انضباط و مدنیت فرا میخواند و در عین حال زمینه برتری قلم را بر شمشیر آماده میکند از این رو کی که به زهد و تقوی و تفکرات انسانی مشغول است دارای مقام شامخ اجتماعی است و مسلمانی که نیروی تفکر خود را به کار میگیرد به خدا نزدیک تر است و از اینجاست که میبینیم سازمان اداری و سیاسی ایران و فلسفه و دانشهای یونان و پزشکی و ریاضیات هند در اختیار مسلمانان درآمد و با آرا و معتقدات اسلامی در آمیخت (دوری ۱۳۶۳: ۴). مناسبات بسیار نزدیک میان کشورهای اسلامی به مبادله دستاوردهای تمدن کمک ارزنده ای کرده است. یکی از امتیازات بزرگ امپراتوری اسلام همین بود که عناصر گوناگون در دستگاه خلافت گرد هم آمده بود و با الهام از قرآن مجید که آزادی دینی را تضمین میکرد میدان برای انتشار تمدن بازتر شد و فعالیت آنان به منظور اعتلای دین خود مانع اخذ تمدن از یکدیگر نشد.

ترجمه آثار یونانی پهلوی و عبری به عربی رواج یافت و ایرانیان که به زبانهای عربی و پهلوی آشنا بودند آثار علمی را از جندی شاپور و نقاط دیگر به بغداد آوردند و این شهر به صورت کانون تمدن اسلامی درآمد پس از شروع نهضت ترجمه در عهد عباسی و ایجاد کتابخانه ها که ظاهراً به دستور هارون الرشید و به سعی برامکه تأسیس شده بودند بسیاری از کتب علمی و فلسفی به همت فضلالی ایرانی به عربی درآمد و موجب تحولی بزرگ و انقلابی عظیم در فرهنگ و تمدن اسلامی گردید. همچنین به طوری که معروف است اولین کتاب منطق را در اسلام ابن مقفع به عربی ترجمه کرد که نام آن فن منطق بود و آن را از پهلوی به عربی برگرداند. رواج این علم منشأ تحولات و تغییرات بسیار در افکار و عقاید مسلمین گردید قاضی صاعد اندلسی در کتاب طبقات الامم مینویسد: از خصایص مردم ایران این است که به علوم نجوم و طب و گاه شماری توجه داشته اند و مخصوصاً در فلکیات و فن ستاره شناسی دارای افکار و عقایدی بودند که میراث آن به دوره اسلامی رسید؛ و بالجمله ایرانیان بزرگ ترین حامل علم در اسلام بودند و بیشتر آثار علمی که میان مسلمین رواج گرفت توسط ایرانیان بود.

در قرن چهارم و پنجم هجری قمری فلسفه یونان وارد اسلام شد و علوم و فنون یونانی و ایرانی و هندی در هم آمیخت و مایه غنای فرهنگ و تمدن اسلامی شد. مدارس زیادی تأسیس گردید و برخورد عقاید و آرای مختلف، علم کلام (استدلال الهیات)، تصوف اعتزال عشق گرایی دهری گری توجه به ماده و طبیعت و مانند آنها را پدید آورد. در همین دوره بود که فلسفه اسلامی را فارابی و ابن سینا شکل دادند.

اعراب از سده اول هجری قمری به بعد زبان ادبی بسیار پر قدرتی را به وجود آوردند و در زمینه های فکری نیز به پیشرفت های زیادی نایل آمدند. فصاحت و شعر در میان آنان جایی بس پراچ داشت تسلط و غلبه زبان عربی بر اثر فشار حکومت ها نبوده است بلکه کاملاً به صورت امری اختیاری درآمد.

ایرانیان زبان عربی را زبان اسلام و متعلق به همه میدانستند. «(مطهری: ۱۱۸) زبان عربی با آنکه در ایران مورد حمایت اهل فضل قرار گرفت و دانشمندان ایرانی از سر اخلاص به توسعه و پیشرفت و گسترش آن خدمت کردند و بر غنای آن افزودند با همه قدرت سیاسی و دینی که داشت نتوانست در ایران از حد زبان رسمی و زبان علم و نویسندگی

گامی فراتر نهند (شاه حسینی ۲۵۳۶، ۱۵۰) دانشمندان ایرانی زیادی را سراغ داریم که آثاری را از زبانهای سریانی و پهلوی که در زمان ساسانیان در ایران معمول بود به زبان عربی ترجمه کرده اند کتابها از جمله قرآن و کتبه ها به خط کوفی نوشته میشد که خط رایج در اوایل ظهور اسلام و یکی از عوامل وحدت اسلام به شمار می رفت. حاصل سخن اینکه پیدایی و ظهور اسلام در سرنوشت سیاسی و هنری بسیاری از کشورهای کهن و متمدن آن زمان تأثیر فراوان به جای گذاشت؛ ملل بسیار به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدن عظیم و با شکوهی به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند.

فصل سوم : وحدت در اسلام

چنان که می دانیم جامعه اسلامی از ملل مختلفی تشکیل شده است. اسلام از ملل مختلف و گوناگون امتی واحد به وجود آورد. در حال حاضر جمعیت مسلمانان به پیش از یک میلیارد نفر میرسد که فکر واحد آرمان واحد و احساسات واحد دارند و همبستگی نیرومندی میان آنان حکمفرماست. جداییهای موجود مربوط به حکومتها و دولتدچووها و سیاستهاست و در دو قرن اخیر قدرتهای خارجی عامل اساسی این جدایی بوده اند. با همه اینها هیچ یک از این عوامل نتوانسته است اساس این وحدت را که در روح مردم قرار دارد از بین ببرند زیرا اسلام دین وحدت و دعوت به اسلام دعوت به وحدت است. از همین روست که همه ساله اجتماع میلیونی از مسلمانان در مراسم حج شرکت می کنند. اسلام در قرن بیستم میلادی نیز نشان داده است که در مبارزات ضد استعماری میتواند نقش قاطعی داشته باشد، اسلام قرنهایست که وحدتی بر اساس فکر و عقیده و ایدئولوژی به وجود آورده است. شاید همین عوامل سبب گرایش ملتها به اسلام شده است. زیرا تعلیمات اسلامی از طرفی معقول و خردپسند است و از طرف دیگر فطری و مفهوم تعلیمات اسلامی یک نیروی کشش و جاذبه خاصی دارد که به موجب همان جاذبه ملل مختلف را تحت نفوذ خود قرار داده است. (مطهری، ۴۶).

اسلام نه تنها سهم بزرگی در تکمیل مدنیت انسانی و دوام آن داشته در رشد معنوی و فکری جامعه بشری و در حوادث و رویدادهای بزرگ تاریخی و نیز تکامل و تحولات انسانی در طول چهارده قرن نقش داشته و به طور ضمنی عامل وحدت بشریت و تشکیل دهنده دولت جهانی و تمدن و فرهنگ انسانی بوده است. با آنکه این آیین و تمدن در شرق پدیدار گشت جوامع مختلف از هدایای علمی و تمدن گرانبهای آن بهره مند شدند و همان اندازه که در شرق چشم گیر است در غرب نیز نمودار است و هنوز عامل زنده و مؤثر در جهان متمدن و در عرصه بین المللی است. گوستاولوبون مورخ و نویسنده فرانسوی در مقدمه کتاب تمدن اسلام و عرب تمدن اسلامی را در راه شناخت تمدن بزرگ انسانی و جوامع مختلف بشری مؤثر دانسته و آن را زیر بنای تمدن کنونی انسانی معرفی میکند و میگوید نه تنها در قرون تاریک اروپا مسلمانان شرق را با مشعلهای برافروخته علم و هنر و فلسفه و صنعت روشن ساخته بودند در آن هنگام در غرب نیز بر اثر رهبری علمی و تحقیقی عرب افق جدیدی پدید آمد. (لوبون ۱۳۵۴: ۱-۲۰).

متأسفانه در سقوط و انحطاط امپراتوری اسلام عوامل گوناگون نقش داشته اند، از جمله پیدایی و گسترش زمین داری فساد سیاسی و اداری دستگاه خلافت در زمان امویان و عباسیان انحراف خلفا از هدفهای اولیه اسلامی به گرایش به استثمار و به تجمل طلبی و عیاشی هجوم ترکها و تسلط همه جانبه آنها بر خلفا، جنگهای صلیبی و از دست دادن اسپانیا (اندلس) و به طور موقت فلسطین استقلال طلبی بعضی از نواحی متصرفه و عوامل دیگر فرهنگ و تمدن اسلامی از سده پنجم هجری به بعد رو به ضعف نهاد و در سده نهم دیگر از دولت مقتدر اسلامی خبری نبود و در واقع، از آن پس نفوذ معنوی اسلام بود که این دین را در نواحی مختلف گسترش داد.

بخش دوم : اسلام و هنر

هنر اسلامی که یکی از غنی ترین مجموعه های هنری جهان است. در حقیقت بر پایه و ادامه هنر کشورهایی است که قرون متمادی دارای هنر و تمدن کهنسال بوده اند. درباره رابطه اسلام و هنر و تأثیراتی که این دین بر سیر تحولی هنر در جامعه های اسلام بر جای نهاده است باید دو مسئله را از یکدیگر تفکیک کرد.

الف) آنچه در عمل به وقوع پیوست. مسلمانان با هر ملتی که روبه رو شدند و هر سرزمینی را که فتح کردند به اخذ عناصری از فرهنگ و هنر آن ملت و سرزمین پرداختند و اختلاف مذهب و نژاد و اقوام را ندیده گرفتند. به تدریج که گستره جغرافیایی اسلام روبه فزونی نهاد عناصر شکل دهنده مجموعه هنر اسلامی نیز بیشتر. شد و با ابداع شیوه های برجسته و گوناگون که با ظرافت کامل احساسات انسانی را تعبیر می کرد هنر اسلامی پدید آمد (دورانت ۱۳۷۱ (۳۴۶).

آنچه در این باره در قرآن و کتابهای اساسی فقه اسلامی آمده است. در واقع، قرآن سند و ملاک صحت و سقم و درست و غلط بودن کتابها و فنون دیگر اسلامی است. بنابراین آنچه در رابطه با هنر در قرآن آمده است ملاکی قاطع درباره قضاوت چگونگی برخورد اسلام با هنر به شمار میرود قرآن در بسیاری از آیات خود مردم را به فکر و تأمل در کیفیت خلقت اشیای مختلف فرا میخواند به کوه ها، رودها، دریاها، آسمان و ستارگان گرفته تا حیوانات مختلف و انسان به ویژه توجه به جنبه معرفت جمال تأکید کرده است. اسلام نخستین دین آسمانی است که نظر انسان را به گستره زیبایی و زینت در آفریده ها جلب میکند و به او مینماید که پدیده ها دارای دو جنبه اند جنبه سودبخشی و جنبه

زیبایی به عبارت دیگر جنبه ای که گذران زندگی را برای ما آسانتر میسازد و جنبه ای که غذای روحی ما را فراهم می کند؛ زندگی انسانی بایسته تنها بر پایه نیازمندی های مادی استوار نیست بلکه باید بعد انسانی را تحقق بخشد و ما را به فراسوی زندگی حیوانی رهنمون سازد زیبایی و زینت تعبیر همین مفهوم و خلاصه هنرهای زیباست.

بناها و هنرهای تزئینی

به طور کلی هنر اسلامی را میتوان در دو بخش اساسی بناها و هنرهای تزئینی بررسی کرد. بناها یا معماری اسلامی بیشتر به صورت مسجد مقبره ها مدارس کاروانسراها و اماکن مقدس دیده میشود و از هنگام پیدایی - به علت ویژگیهایش - از بناهای مذهبی پیش از اسلام متمایز شده است؛ ویژگیهایی که نمایانگر دین اسلام است و از همین جاست که بنای مسجد از معنویتی خاص برخوردار میشود.

هنرهای تزئینی که بیشتر در صنایع گوناگون و دستی جلوه گر است سرگذشتی دیگر دارد؛ زیرا در آغاز راه و روش پیش از اسلام خود را دنبال کرد و به تقلید شیوه های هنری کهن روی آورد مسلمانان زمانی دراز در تاروپود همین تقلید ماندند. بدان گونه که گاه حتی دشوار است که آثار پیش از اسلام را از آثار بعد از اسلام باز شناخت البته شیوه تزئینی عربی همگی تقلید صرف نبود بلکه ترکیبی ماهرانه از اشکال مختلف بود که اقتباس از ملل دیگر از اهمیت آن نمی کاست. هنر اسلامی از حدود زمان و مکان فراتر رفت اختلاف نژادها و اقوام را نادیده گرفت و شیوه های برجسته و گوناگونی ابداع کرد که تا آن وقت شیوه ای بهتر از آن به وجود نیامده بود فراموش نکنیم که هنرمندان عرب مسلمان از تمدن های پیش از خود بهره گرفتند ولی از نظر شیوه و فن بر آنها پیشی یافتند.

دوران اول هنر اسلام به معماری و سفالگری انحصار داشت ولی به زودی دیگر هنرها مانند خطاطی تذهیب، کتابازی بافندگی و قالی بافی هنرهای تزئینی کنده کاری و منبت کاری رونق فراوان یافت و حتی موسیقیدانان برجسته ای چون اسحاق موصلی و فارابی پدید آمدند و میتوان گفت که جز هنرهای نظیر مجسمه سازی و نقاشی دیگر هنرها رواج داشت.

مساجد

از آنجا که رسول خدا هم پیامبر و هم سیاستمداری فعال بود برای سازمان دادن به دین خود سلسله اقداماتی ابتدایی را شروع کرد از جمله بر آن شد محلی به نام مسجد بنا کند که نه تنها مرکز عبادی باشد بلکه معارف و احکام اسلامی و امور قضایی و اجرای حدود بر بزرگاران در آنجا صورت پذیرد. پیامبر خطبه های خود را برای اعزام مردم به جهاد در مسجد ایراد مینمود مسجد محل سجده کردن نماز گزاردن و پرستش خداست ولی در اوایل اسلام برای منظوره های دیگری هم مانند تالار اجتماعات مسلمین، دار المساکین مستمندان اقامتگاه مسافران پناهگاه مظلومان محل تدریس دروس مذهبی و مجمع و محل حل و فصل بسیاری از اختلافات همواره مورد توجه و احترام بود. مسجد پایگاه اجتماعی - مذهبی مسلمانان و پناهگاهی برای زندگی پر آشوب و پرتلاطم شهر بشمار می آید (هوگ، ۱۳۴۸: ۱۲). مساجد را معمولاً نزدیک بازار شهر می ساختند که از همه طرف آسان بدانجا بتوان رسید. بنای مسجد در معماری اسلامی اهمیت فوق العاده ای دارد و به همین جهت اولین جایگاه تجلی هنر اسلامی بوده است و هنرمندان و صنعتگران میکوشیدند تا با همه مهارت و کاردانی خود در ایجاد استحکام و زیبایی و فضای معنوی آن نقش داشته باشند. در واقع، مسجد بعدها مجموعه ای شد از هنرهای گوناگون که بر روی هم فضا و مکان خاصی را پدید آوردند؛ فضا و مکانی در رابطه با خداوند که اساس همه جوانب زندگی مسلمانان است؛ فضا و مکانی که برای ایجاد رابطه میان خدا و خلق متناسب باشد و بالاخره فضا و مکانی که در عین شکوه و جلال آراستگی و تزیین آن ذهن انسان را به جای توجه به خداوند به خود مشغول ندارد برای مسلمان فقیر و پرهیز کار همین بس بود که مسجد زیبا باشد و مال و کوشش وی به بنای آن صرف میشود؛ همه هنر و صنعت خود را در آنجا به کار می برد و مسجد را چون قالیچه ای پیشکش خدا می کرد و همه مردم می توانستند از این زیبایی و شکوه بهره ور شوند (دورانت، ۱۳۷۱، ۳۴۸).

مسجد قبا. مسجد قبا که قبلاً در خارج از شهر مدینه و امروز در داخل شهر است اولین مسجدی است که رسول خدا پس از هجرت از مکه ترسیده به مدینه بنا نهاد. این مسجد به مرور ایام به ویرانگی گرایید و سلطان عبدالحمید اول آن را تجدید بنا کرد. در وسط این مسجد قبه ای که گویای خوابیدن شتر رسول اکرم پس از هجرت از مکه به مدینه است دیده میشود (زیدان، ۱۳۵۲: ۶۶).

مسجد النبی. مسلمانان در آغاز کار احکام اسلام را از پیغمبر در این مسجد فرا می گرفتند و حرم آن حضرت در کنار آن مسجد است. این مسجد در شهر مدینه واقع شده است.

مسجد الحرام: بزرگترین آثاری که از دیرزمان تجلی خاص داشته کعبه مکرمه است که از اطراف محصور به مسجدی به نام مسجد الحرام میباشد. مسجد الحرام به شکل مربع مختلف الاضلاع و متمایل به زاویه جنوبی در وسط شهر مکه قرار دارد. حد متوسط طول مسجد الحرام از خارج ۱۹۲ متر و حد متوسط عرض آن ۱۳۶ متر است. مسجد الحرام از داخل دارای چهار رواق است که به حرم محیط گردیده و در آن ۳۱۱ پایه میباشد که ما بین هر پایه ۲۲۴ ستون بلند از سنگ شمس سرخ کار گذاشته شده و روی هر یک گنبدی محیط به مسجد الحرام بنا شده در بعضی از ستونها کتیبه هایی درج شده که معرف بانی آن میباشند.

کعبه. کعبه قبله گاه مسلمانان در وسط مسجد الحرام واقع است و از بنای مرتفع سنگی تقریباً به شکل مکعب مستطیل تشکیل یافته این عقیده رایج است که کعبه ده بار تجدید بنا شده است. در آغاز تاریخ فرشتگان آسمان آن را ساخته اند. بار دوم آدم ابوالبشر و بلندی این بنا ۱۵ متر و طول آن ۱۲ متر و عرض آن ۵/۱۰ متر است. در ضلع جنوب شرقی به ارتفاع ۵/۱ متر از سطح زمین حجر الاسود جای دارد که سنگ سیاه بیضی شکلی است که اکنون رنگ آن به صورت قهوه ای کم رنگ درآمده و قطر آن حدود ۱۸ سانتی متر است به اعتقاد خیلیها از آسمان آمده و شاید شهاب سنگ بوده است. کسان بسیاری بر این نظرنند که این سنگ از روزگار ابراهیم در کعبه بوده است (دورانت ، ۱۳۷۱: ۲۰۶).

عناصر تشکیل دهنده بنای مساجد

محراب: برای ساختن محراب در جهت دیوار کعبه شاید طرح کلیسا به عنوان سرمشق قرار گرفته باشد. (همان) این عنصر معماری در مساجد جهت قبله را تعیین میکند و معمولاً به صورت طاق نما و نصف استوانه و یا نصف منشور است که سقف آن را گنبد تشکیل میدهد. تاریخ استفاده از محراب دقیقاً مشخص نیست. بر طبق نوشته بعضی از دانشمندان مهرباب گنبد مهر و پیشگاه پیروان مهر و پرستشگاه آنان بوده و بعدها به صورت محراب درآمده است.

مناره: به عنوان برج دیده بانی مؤذن بیشتر تحت تأثیر برجهای قدیمی (زیگورات ها) ساخته شده تا برج های کلیساهایی که در سوریه وجود داشته این عنصر که به شکل میل یا برج های مدور مربع و چندوجهی در مساجد مدارس و مقابر ساخته میشود ظاهراً برای اینکه مأذنه باشد به کار رفته است. مناره یا منار کاربرد دیگری داشته و اساساً در قبل از اسلام و بعد از آن برای هدف های دیگری نیز ساخته شده است. منار یعنی جای نار و نور و به طور واضح تر آتشدان و آتشگاه و روشنی جای و چراغ پایه این عنصر از قدیم الایام به عنوان برج راهنمایی چون فار اسکندریه، به کار رفته و الهام بخش معماران بناهای اسلامی گردیده است. تاریخ بنای مناره در اسلام ظاهراً کمی بعد از ظهور اسلام است و میتوان دوران ظهور آن را از عصر اموی دانست. به طوری که از متون تاریخی بر می آید اولین مأذنه ای که به شکل مناره های کنونی ساخته شده مأذنه مسجد جامع بصره بود که آن را زیاد ابن ابیه در سال ۴۴ یا ۴۵ هـ . ق، زمانی که والی آنجا بود بنا کرد در دوران اول مناره ها محدود و ساده و بی پیرایه بودند ولی ساخت و ارتفاع آن در قرون بعد بیشتر شد و بالکنهای کوچک ظریف و قوس ها و کاشیکاری را بدان افزودند.

منبر: منبر محل جلوس وعظ برای بیان مسائل مذهبی است. در فرهنگ نظام از آن به نام تختی که دارای یک پله یا بیشتر باشد و به آن خطیب و واعظ می نشینند یاد شده است که نوعی صندلی است که در قدیم الایام در ایران مصر، بین النهرین و سایر کشورهای خاورمیانه معمول بوده است. میگویند پیغمبر اسلام (ص) در سال هفتم هجری قمری منبر خود را ساخت منبر ابتدا دارای دوپله بوده و بعد به تدریج به صورت چند پله درآمد. منبرها بیشتر از چوب بوده و در ساختن و آراستن آن عاج و آبوس و سنگ های قدیمی فراوان به کار برده اند.

گنبد: گنبد سقفی است نیم کروی یا مقعر که معمولاً در بالای پلان های مدور یا مربع و کثیر الاضلاع، که با کمک گوشوار مدور میشود تعبیه میگردد. گنبد دارای سابقه طولانی است که قدمت و سیر تحول آن به خوبی روشن نیست، اما در ایران از زمان پارتیان و یا اشکانیان در بناهای این دوره دیده میشود. این عنصر معماری در بیشتر مساجد به کار برده میشود. همچنین کلمه گنبد که نوعی پوشش بنا است گاهی به مجموع بنا نیز اطلاق میشود مانند گنبد قابوس گنبد و ایوان و طاق نما و طاق گهواره های که اساس ساختمان معماری عصر ساسانیان را تشکیل میدهند. توام با حیاط و رواق های اطراف و شبستان ها عناصر به وجود آورنده مسجد بودند.

تزیینات: در ابتدا تزیینات زیبا و متنوع به داخل مسجد اختصاص داشت. موزاییک و کاشی برای کف مسجد تزیین محراب و شیشه های رنگارنگ برای پنجره و قندیل ها به کار می رفت. در تزیین محراب دقت بیشتری به کار میبردند و با نقوش گل و بوته و برجسته طرحهای زیبایی از معرق و گچ و مرمر و سفال و کاشی محرابها را مزین می کردند. طاق نماهای محراب و کتیبه ها را به نوشته های عربی و کوفی می آراستند. ازاره ها از مرمر زیبای الوان و سقف و منبر و درها از چوب و عاج منبت و فلزات زینت می یافتند. صحن مسجد را عموماً با قالی و قالیچه ها فرش می کردند. مجسمه ساز که از بیم تهدید بت پرستی از تراشیدن مجسمه ممنوع بود کوشش خود را در راه ایجاد نقوش برجسته

و کامل به کار برد و از تراش سنگ و گچبری اشکال فراوان به وجود آورد و تقدیم مسجد کرد میتوان گفت که در قلمرو اسلام همه هنرها در خدمت مسجد به کار گرفته میشد و کمتر هنر اسلامی است که در مساجد دیده نشود.

بخش سوم: هنر معماری امویان

مساجد امویان

پس از آخرین خلیفه راشدین، معاویه پسر ابوسفیان حاکم سوریه، خلیفه اسلام شد و سلسله ای تأسیس کرد که از سال ۴۰ تا ۱۳۲ هـ. ق ادامه داشت (دورانت ۱۳۷۱: ۲۴۸). هنگامی که اسلام در حال پیشروی به سوی شرق بود لازم می نمود که پایتخت به مرکز ولایات تصرف شده نزدیکتر باشد؛ به همین جهت در زمان خلفای بنی امیه شهر دمشق به جای مدینه مرکز خلافت گردید (وزیری ۱۳۴۰: ۱۸۲). این تغییر مرکز مستقیماً مسلمانان را با دنیای هنر روم که تازه به تصرف اسلام درآمده بود آشنا کرد زیرا قبل از مسلمین مشق در حدود ۷۰۰ سال تحت حکومت رومیان بود. با این آشنایی راه تازه ای در هنر اسلامی گشوده شد و بنای مساجد آغاز گردید، مساجدی که از نظر زیبایی از معابد و کلیسای مسیحیت چیزی کم نداشت و برای آنکه از نظر تشریفات درباری پایین تر از حکومت بیزانس نباشد فعالیت های ساختمانی زیادی در دمشق و فلسطین آغاز شد با گردآوری هنرمندان و صنعتگران مساجد و قصور و قلاع متعددی ساختند و به نوعی توجه و اقبال به جهان مادی در عالم اسلام راه یافت. در نتیجه استفاده از تزیینات موزاییکی در مساجد به تقلید گذشته و به لحاظ استفاده از طرحهای درخت و برگ مو و تکرار آن سبک تزیینی اسلیمی پیدا شد و حجاری سنگ های مرمرین جهت تزیین ابنیه متداول گردید اولین مساجد بزرگ اسلامی چون مسجد جامع دمشق، قبه الصخره و مسجد الاقصی و مسجد کرد و با در اندلس و کاخ ها و حمام ها و ... با این ویژگی های هنری ساخته شد و علاوه بر این بناهای قبلی چون مسجد کوفه و مسجد مدینه در این زمان تجدید ساختمان شدند. با نگرشی به اوضاع اجتماعی آن روز میتوان گفت که هنر اسلامی با روی کار آمدن سلسله بنی امیه به دنبال عوامان مذهبی و سیاسی آغاز میگردد.

مسجد جامع دمشق

این مسجد را میان سال های ۸۸ و ۹۶ هـ. ق ولید بن عبدالملک خلیفه اموی در محل معبد زئوس که کلیسای یحیی در آن درست شده بود بنا نهاد در اوایل مسلمانان و مسیحیان با هم در این محل عبادت میکردند و تبدیل کلیسا به مسجد ده سال طول کشید. این مسجد با حیاطی مستطیل شکل به اضلاع ۱۶۰ در ۱۰۰ متر و رواق های دو طبقه و ستونها و جرزهای اطراف آن شبیه به حیاط داخلی مسجد اباصوفیه در استانبول است. (هوگ ۱۳۴۸: ۲۱). شبستان مسجد با ستونهای مرمر و سه ردیف تالار موزای و سقف گنبدی شکل و چهار محراب آن در ضلع جنوبی قرار دارند. کف شبستان و پایین دیوارها به مرمر و قسمت فوقانی موزاییکهای الوان با مناظری از طبیعت، کوه، دره شهرها و خانه ها در رنگ های طلایی سبز و قهوه ای تزیین شده است. هنوز هم پاره ای از این موزاییک ها مانده است. در همه این نقش ها صورت آدمی یا جانوری نگاشته نشده است که خود نشان دهنده سنت اصیل اسلام است در نگاشتن نقش زندگان. (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۳۶). در گوشه حیاط اطاق هشت گوشه ای بر فراز هشت پایه از سنگ و آجر و پوشش موزاییک و سقفی فلزی برپاست که احتمالاً خزانه مسجد بوده است. قسمتی از حصار و برجها از دوران قدیم باقیمانده اند. برجها به مناره تبدیل شده اند. نقشه کلی مسجد الگویی برای دیگر مساجد اسلامی شده است. معماری این مسجد به نظر قریب به اتفاق مورخان هنر ملهم از کلیساهای مسیحی است و اصطلاحاً بازنمایی نامیده می شود. نقش مؤثر سنت های محلی در پیدایش و گسترش هنرها و آثار هنری که مقام اول را عهده دار است همچنین تعداد نسبتاً زیاد کلیساهایی که مقارن با ظهور اسلام در شرق دریای مدیترانه موجود بوده و نیز همین مسجد که در محل کلیسای یحیی ساخته شده است گواهی است بر این ادعای مورخان ولی در اصل از نقشه و بناهای ساسانی الهام گرفته است. بخصوص گواه بودن بعضی مدارک کتبی بر اینکه مسجد جامع دمشق را دو معمار ایرانی و مصری ساخته اند تأکیدی است بر ادعای مذکور.

مسجد الاقصی

این مسجد در بیت المقدس ساخته شده است. شهر بیت المقدس برای مسلمین هم به اندازه مسیحیان مقدس است زیرا این شهر سرزمین و موطن انبیای بزرگ الهی همچون ابراهیم موسی و عیسی (ع) بوده است. حضرت عیسی (ع) در اینجا وفات یافت و پیغمبر اسلام (ص) از اینجا به معراج رسید (دورانت ۱۳۷۱: ۲۹۲). گفته میشود که بنای مسجد الاقصی را سال ۱۰۰۷ ق م حضرت سلیمان بنیاد نهاد و در سال ۵۸۶ ق م بخت النصر، پادشاه بابل آن را ویران کرد بعد از چند بار تجدید بنا و تخریب، این مسجد را از سال ۱۷ هـ. ق به بعد خلفای اسلامی تجدید بنا و ترمیم کردند تا اینکه در زمان ولید مسجد در حرم شریف بار دیگر ساخته شد. این بار مسجد بر اثر زلزله به شدت صدمه دید، سپس به طور کامل به وسیله مهدی خلیفه عباسی و بار دیگر توسط ظهیر خلیفه فاطمی دوباره بازسازی شد. این مسجد قسمتی از دیوار جنوبی حرم الشریف را در بر گرفته و تقریباً

به طور کامل بر روی محور گنبد قبة الصخره قرار دارد. قسمتی از بقیه حیاط وسیع با رشته ای از طاق نماها محصور گردیده و در واقع حکم صحن بسیار بزرگی را پیدا کرده است. مسجد مهدی شامل دهانه هایی موازی یکدیگر است که روبه رو جهت شمالی - جنوبی قرار گرفته اند دهانه میانی از آنهایی که در قبل ساخته شده است وسیع تر است. سقف آن نیز فاقد نورگیر است و در بالای محراب آن گنبدی چوبی قرار داشته است (هوگ ، ۱۳۴۸: ۲۸). مسجد در جنگهای صلیبی به سال ۱۰۹۹ م ویران شد. در قرن ششم هجری قمری به دست صلاح الدین ایوبی تجدید بنا شد و در سال ۱۳۴۲ هـ . ق مسلمانان آن را مرمت کردند. این مسجد را که طی دو سال اول هجری قمری قبله گاه مسلمانان بود در سال ۱۹۴۸ م اسرائیل غصب کرد و هنوز در اشغال آنهاست.

قبة الصخره

قدیم ترین شاهکار معماری اسلامی که هنوز برپاست قبة الصخره (گنبدی سنگی) است که به نام مسجد عمر هم خوانده میشود. ساختمان این بنا را در محل حرم شریف عبدالملک میان سال های ۱۹ و ۷۳ هـ . ق حدود ۶۹۲ م ساخت این بنا بیشتر در مقابل بنای مسیحیان و به نیت برتری بر آنان ایجاد شده است و در خبر آمده است که عبدالملک میخواست تا مسجد قبة الصخره به صورت رقیبی برای کعبه درآید تا مراسم حج به جای مکه در بیت المقدس، محلی که از آنجا حضرت محمد (ص) به معراج رفته است انجام پذیرد به روایتی غار زیر مسجد عبادتگاه داوود و سلیمان بوده است. گنبدی که برای نگاهداری این مکان مقدس همچون سایبانی وسیع بنا شده است ، از نظر معماری در هنر اسلامی پدیده ای است یگانه و مستقیماً با سبک بناهای مقدس بیزانسی که دارای گنبدی مرکزی است با فضایی راهرووار یا غلام گردشی هشت ضلعی پیوند دارد ، یعقوبی مورخ ، مسلمان میگوید عبدالملک بر فراز صخره گنبدی ساخته و بر گرد آن پرده های دیبا پیابوخت گنبد زراندود آن که به جای گنبد اولیه پرپا گردیده به احتمال زیاد از همان زمان بوده است. قبه ۳۵ متر ارتفاع دارد و بر یک بنای هشت ضلعی از سنگ های مربع استوار است؛ محیط بنا ۶۰ متر است ... ستون ها از آثار قدیم رومی است. (دورانت ، ۱۳۷۰: ۲۹۳). ستون های مرمر سبز و قرمز با دیوارهایی از سنگ مرمر رنگی تمام فضای داخل مسجد را فرا گرفته است. کاشیکاری و موزاییکهای بنا چند بار تعمیر و مرمت شده اند تزیینات امروز بیشتر مربوط به زمان سلطان سلیمان عثمانی است. آیات قرآن که به خط کوفی به رنگ طلایی و زرکوب سرتاسر حاشیه گنبد را پوشانیده حالت روحانی محیط مسجد را فزونی می بخشد. کاربرد پنجره های زیاد با شیشه های الوان از جلوه خاصی برخوردارند. نقوش درختان گوناگون همراه با رنگهای طبیعی و میوه های آنها و دیگر طرحهای اسلامی همگی نشان هنر ارزنده موزاییک کاری است که در خدمت این بنای مذهبی قرار گرفته است. احتمال می رود که قبة الصخره همچون یادبود مربوط به دوران پیروزی باشد. ولی در هر حال معرف عقاید مذهبی و سیاسی آن دوران است دورانی که اسلام امید داشت دین موسی و دین عیسی را به خود بپیوندد. (هوگ ، ۱۳۴۸: ۲۰). چهار دروازه آن ساختمان به سوی جهات اصلی باز میشود گویی ساختمان در مرکز جهان قرار داده شده است.

امویان در غرب

عبد الرحمان آخرین بازمانده امویان که از کشتار عباسیان جان سالم به در برده بود، به اسپانیا گریخت و در سال ۱۳۸ هـ . ق ۷۵۵ م خلافت غربی اسلام را در اسپانیا تأسیس کرد. با بنیاد گرفتن سلسله امویه در اسپانیا این کشور از لحاظ قدرت و ثروت چیزی از بغداد کم نداشت و برای مدت سه قرن یکی از بزرگترین مراکز هنرهای اسلامی شد. شبه جزیره اسپانیا از قرن نهم تا یازدهم میلادی به دو قسمت مسلمان و مسیحی نشین تقسیم شده بود. نیمه جنوبی در قلمرو اسلام بود که تحت حکومت عبدالرحمان و جانشینان وی از آرامش و رفاه بهره ور بودند. دورانت (۱۳۷۱: ۳۷۳) حکومت مسلمین در اسپانیا مدتها طول کشید و انقراض آن بیش از آنکه نتیجه حملات خارجی باشد به سبب جنگ های داخلی بود به گفته گوستاولوبون عبدالرحمان از همان ابتدای خلافت این نکته را در ذهن اعراب جا داد که اسپانیا اعراب اسپانیا را اندلس می نامیدند و وطن خود بشناسند و برای اینکه آنها را از خیال مکه منصرف سازد در شهر قرطبه که از حیث علوم تاج افتخاری بر سر همه شهرهای عالم بود و خلفا آنجا را پایتخت خود قرار دادند، مسجد کردوبا را بنا نمود که مقام و شهرتی عظیم یافت (لوبون ، ۱۳۵۴ : ۳۲۷). بنای این مسجد بسی حیرت انگیز بود و اسپانیا با داشتن شهرهای اسلامی زیبا و درخشش گنبدها و مناره ها در قرن دهم میلادی متمدن ترین نقطه اروپا و معتبرترین دیار متمدن جهان بود.

مسجد کردوبا

عبدالرحمان در سال ۱۶۹ هـ . ق / ۸۸۰ م این مسجد را در قرطبه اسپانیا بنا نهاد. مورخان اسلام این مسجد را کعبه مغرب میدانند در شرح و تعریف مسجد می گویند: عبدالرحمان خود مهندس و معمار مسجد بوده و قصد داشته بنای جدید را به طرح و نقشه مسجد دمشق لیکن وسیع و عظیم تر و به آراستگی قبة الصخره در بیت المقدس درست کند. مسجد در چند مرحله ساخته شده است در زمان هشام و خلفای بعدی و به دوران منصور در سال ۳۶۶ هـ . ق به ابعاد کنونی آن حدود ۱۸۵×۱۳۵ متر است رسید.

بنای مسجد با وجود چهار بار توسعه پی در پی یگانگی کامل و ارزنده ای را در شیوه و سبک محفوظ داشته است. مسجد بعد از اتمام از حیث عظمت و آراستگی سرآمد همه معابد و ابنیه مذهبی مشرق زمین شناخته شد. مسجد را دیوارهای بلند آجری و سنگی با برجهایی به ابعاد مختلف محصور کرده بود مناره بزرگ مسجد از لحاظ زیبایی و ارتفاع در آن روزگار بی نظیر بود و از سطح زمین چهل برابر قامت انسان متوسط القامه ارتفاع داشت. جبهه اصلی این مسجد روبه جنوب و دارای ۱۹ درگاه با طاق نمای هلالی بود. درمایی که بر آنها نصب کرده اند همه از چوب های قیمتی و روپوش شده از قطعات و صفحات فلزی منقوش است که شاهکار صنعت فلزسازی استادان ماهر و زبردست وقت است و دقت آنان را نشان میدهد. درون مسجد جنگلی از ۱۲۹۰ ستون از سنگ یشم یا سماق یا مرمر سفید و سیاه تا محراب پشت سرهم قرار داشتند به طوری که بیننده متحیر می شد و می پنداشت مسجد انتها ندارد (دورانت ، ۱۳۷۱ : ۳۸۹). این ستون های مرمرین و صیغلی که بیشتر از ساختمان های رومیان آورده شده بودند آن چنان بلند نبودند که بتوانند به سقف برسند و آن را نگاه دارند. معماران اسلامی راهی پس هوشمندانه پیش گرفتند و دو طاق کماتی بر بالای هم ساختند تا بر بلندی ستون ها افزوده باشند. در این طاق های کماتی آجر سرخ و زرد کمرنگ در کنار هم به کار برده اند و طاقها را خط دار جلوه گر ساخته اند (پرایس ، ۱۳۵۵ : ۲۸).

محراب این مسجد یکی از بهترین آثار بدیعی است که فن معماری برای عبرت اعصار آتیه به یادگار گذاشته است. اطراف محراب را با طلا و موزاییک میناکاری تزیین کرده اند زمینه قرمز و کبود نقشهای طلایی زده اند و بالای آن یک رشته ستون زیبا و طاق نماهای بدیع گذاشته اند. محراب و فرورفتگی آن و طاق های کماتی را با روپوشی از گچ و مرمر سفید و نقشهای گل و بوته به شیوه اسلیمی آراسته اند. گفته میشود که طرحهای زیبای اسلیمی در موزاییکهای اطراف طاق این محراب کار هنرمندان قسطنطنیه است که به فرمان امپراتور بیزانس و به خواش حکم» به قرطبه فرستاده شده اند.

منبر مسجد از همه منبرهای جهان زیباتر است و از ۳۷۰ هزار قطعه عاج و چوبهای گران قیمت چون آبنوس و عود معطر ساخته شده و مرصع به جواهر است.» (دورانت ، ۱۳۷۱ : ۳۸۷). زمین و دیوارها را با موزاییک و معرق فرش و تزیین کرده اند که قسمتی از آن آئینه میناکاری با رنگهای درخشان است که قطعات نقره و طلا در آن به کار رفته است و هنوز این تزیینات پس از هزار سال چون جواهر در دیوارهای کلیسا میدرخشد شبستان این مسجد که اکنون کلیسا شده چنان پهناور است که جای سرود خوانان و پرستشگاه بزرگی که در میان ساختمان در سده شانزدهم میلادی ساخته اند در میان این همه ستون جنگل وار به چشم نمی آید. این ساختمان اکنون تاریک تر از روزگار اسلام است زیرا رواقها و درهایی را که روبه حیاط باز میشد مسدود کرده اند و قندیلهای بلورین بسیار آن را برده اند (پرایس ، ۱۳۵۵ : ۲۶).

مدینه الزهرا

در سال ۳۲۴ هـ. ق / ۹۳۶ م عبدالرحمان سوم در نزدیکی قرطبه شهر دیگری به نام .. مدینه الزهرا ساخت که نه تنها محل اقامتش در آنجا قرار داشت. بلکه سازمان اداریش نیز آن واقع بود. در این شهر بناهایی سترک با سنگهای تراشیده و مرمر به سبک کامل بناهای سوریه ای برپا شده بود. شهر مزبور در سال ۴۰۱ هـ. ق / ۱۰۱۰ م در آتش سوخت و از بین رفت خرابه های شهر مزبور به شکل مستطیلی است که حدود یک کیلومتر و نیم طول و ۷۵۰ متر عرض دارد (هوگ ، ۱۳۴۸ : ۳۹).

قصر الحمرا

در قصر الحمرا که در قرن سیزدهم میلادی ساخته شده نهایت درجه سلیقه فن معماری اعراب در اندلس به کار رفته و با اینکه در تزیینات آن افراط شده ولی این افراط زائیده ذوق بلند آنان بوده و نمیتوان آن را جزء آثار دوران انحطاط مسلمانان در اسپانیا به حساب آورد. با اینکه دیواره های قصر الحمرا از سنگ های حجاری شده نیست و از ستون هایی ساخته شده که مخلوطی از گچ و ماسه و خاک سرخ و شن است و با اینکه تزیینات آن عبارت از همان گچبریهای است که با قالب درست کرده اند، ولی در عین حال بسیار محکم ساخته شده به طوری که مدت پنج قرن است در برابر حوادث مقاومت کرده و محتاج به تعمیر و مرمت مهمی نگشته است. مهمترین خصوصیات قصر الحمرا که آن را از قصر اشبیلیه ممتاز میکند چند چیز است: دیوارهای آن که با قالبهای گچبری شده و رنگین پوشانده شده، ستون های کوچک و سرستون های آن را به شکل شاخ و برگ در هم حجاری کرده اند؛ پنجره های آن که از هلالهای تمام ترکیب یافته و با اشکال گل و بوته نقاشی شده و اطراف آنها را چهارچوبهای متوازی الاضلاعی احاطه کرده سقفهای آن که به وسیله آویزها و خوشه های معلق پوشانده شده است. (لوبون ، ۱۳۵۴ : ۶۷۷ و ۶۷۸). این قصر که نظیر کاخ مدینه الزهرا از چند قسمت اساسی که هر یک از آنها به حیاطی مستطیل شکل محدود گردیده تشکیل یافته است مشتمل است بر تالار پذیرایی برای عموم دیوان با تالار تخت و تاج که مختص پذیرایی های رسمی بود و حرم با اتاقهای خصوصی سلطان تالار بزرگ با حوض و تالار سفره مرکز مقر رسمی را تشکیل می داد و صحن شیران که در آن قرار داشت با حوض فواره دارش مرکز حرم به شمار می رفت. دو کوشک ظریف از جوانب باریک صحن به آن راه داشتند و تالارهای گنبددار و تالارهای مستطیل شکل آن را از چهار سو احاطه میکردند. در قسمت شمالی بناء

حمام ها و باغچه ها و در قسمت شرقی آن کاخهای کوچک و مساکن مجزا برای اعضای خاندان؛ و در طرف جنوب مدفن امرا و مسجد قلعه که امروز به جای آن کلیسای مسیحی بنا شده مشاهده میشود.

قصر الحمرا با دیوار دور تا دور خود که مجهز به برج هایی است از خارج کاملاً حالت جدی قلعه را دارد و همین موضوع مانع از این میشود که انسان بتواند به زیبایی نظام درونی آن پی ببرد (کوتل ۱۳۴۷: ۱۶۶).

با توجه به آثار موجود میتوان گفت که سالمترین قصر اسلامی موجود کاخ الحمرا واقع در شهر غرناطه اسپانیاست که خود شاهد بارزی است بر ظرافت خارق العاده هنر معماری اواخر تمدن اسلامی در اروپا جنبه تخیلی هنر اسلامی در این اثر به منتهی درجه و هم آفرینی و خیال انگیزی خود رسیده است. «(هوگ ، ۱۳۴۸: ۵۱) دو چنین استنباط میشود که معماری اسلامی واقع در اسپانیا پیش از مصر، سوریه و ترکیه به این امر که به تنهایی و جدای از سایر معماری های اسلامی تحول پیدا نماید گرایش داشته است.

بخش چهارم: هنر معماری عباسیان

پس از فتح عراق به دست مسلمانان حضرت علی (ع) شهر کوفه را که عمر بنا نهاده بود مرکز خلافت و مسکن خود قرار داد و بدین ترتیب دولت اسلامی از عربستان خارج و شهرهای کوفه و بصره در عراق محل و مرکز حیات علمی و دینی گردید. با روی کار آمدن خلفای عباسی در سال ۱۳۲ هـ. ق که جانشین امویان گردیدند، دار الخلافه اسلام از دمشق به بغداد منتقل شد (لویون ، ۱۳۵۴: ۲۰۴). نزدیک شدن پایتخت عباسی به حوالی تیسفون پایتخت ساسانیان باعث گردید که نفوذ عناصر ایرانی نسبت به عناصر عربی در فرهنگ و هنر شرق پیشی بگیرد و پیوند جدیدی با سنتهای قدیم ساسانی که هنوز در بین النهرین رواج داشت برقرار شود (کوتل ، ۱۳۴۷: ۲۸). کاخ ها و بناهایی که در عراق ساخته میشد از ساختمان های تیسفون که هنوز برپا بود تقلید میشد و برای تزئین قصرها عیناً از روش دربار ساسانی پیروی می گردید. در این دوره شیوه هنری کامل ایرانی در عراق به وجود آمد. از این دوره آثار معماری زیادی به جای مانده و شهرها مساجد و قصرهای زیادی ساخته اند.

شهر بغداد

اولین فعالیت های معماری دوره عباسی در شهر تازه تأسیس بغداد صورت گرفت. منصور خلیفه دوم عباسی در سال ۱۳۷ هـ. ق به خلافت رسید و پایتخت جدید خود را در کنار رودخانه دجله بنا نهاد وی از نظر شهرسازی دست به آزمایش جالبی زد و شهر بغداد را به شکل دایره ای کامل که به وسیله دیوار اصلی با برج های مدور و خندق احاطه شده بود بنیان گذاشت (کوتل ، ۱۳۴۷: ۲۹). چهار دروازه تنگ و طویل به نامهای دروازه کوفه بصره خراسان و دمشق که به وسیله یک خیابان مدور خارجی و یک خیابان مدور داخلی به هم وصل گردیده، سطحی را که در آن میشود زندگی کرد به چهار قسمت تقسیم میکند و هر قسمت دارای ۸ تا ۱۲ کوچه شعاعی شکل است. مهم ترین بناهای مرکز شهر کاخ و مسجدی بود که طبق نوشته بعضی از مورخان تقلیدی بود از همان ترتیب و سبک کوفه که خود متأثر از بناهای ساسانی بود. قصر خلیفه بر اساس قسمت های اصلی تشکیل دهنده آن به نام گنبد سبز و دروازه طلایی نامیده میشد. دقت و توجهی که در امر ساختن دروازه به کار رفته با مراسم پذیرایی باشکوهی که عباسیان ترتیب میدادند ارتباط مستقیم داشت. طبق سنتی معمول و مجری باستانی خلیفه از پنجره هایی که روبه روی در ورودی اصلی قصر باز میشد خود را به اتباعش مینمایاند. این پنجره را ظهورگاه مینامیدند (هوگ ، ۱۳۴۸: ۲۴).

گرچه آثار بناهایی که خلفا در بغداد برپا کردند بدان مقداری که در شام به جای مانده نیست ولی همان مقدار از آثار علمی و ادبی که از آن دوره به ما رسیده و آنچه از مورخین ایشان در کتابها به جای مانده کافی است که تمدن آنها را در قرن نهم میلادی برای ما مجسم سازد بغداد در زمان قهرمان کتاب هزار و یکشب یعنی هارون الرشید در سال ۷۸۶ - ۸۰۹ م و همچنین در زمان پسرش مأمون در سال ۸۱۳ - ۸۳۳ م به آخرین درجه ترقی و تمدن رسید و در آن زمان از مهم ترین شهرهای مشرق زمین بود. (لویون ، ۱۳۴۵: ۲۰۴ و ۲۰۵). از شهر مجلل و مفصل بغداد چیزی برجای نیست، یعنی در این شهر بزرگ اثری که ما را به یاد آن خلفای مقتدر بیندازد چیزی به جای نمانده است.

شهر سامره

شهر سامره که در قسمت بالای شهر بغداد در نزدیکی دجله ایجاد شد و مدت نیم قرن مقر حکومت عباسیان بود یکی از بزرگترین شاهکارهای شهرسازی اسلام در همه ادوار تاریخ بوده است. این شهر با وسعت ۳۳ کیلومتر در کنار رودخانه احداث شد و همه آنچه را به طریقی با دربار خلیفه ارتباط پیدا میکرد در این منطقه جمع کردند. یکی از دلایل عمده نقل مکان مردم از شهر قدیمی بغداد به سامره، برخوردهای شدیدی بود که بین قوای عرب و ترک به وجود میآمد و مردم نیز از قوای ترک که دیگر با خلیفه تماس چندانی نداشت دل خوشی نداشتند. خلیفه بر این عقیده بود که در آن سوی پایتخت مطمئن تر زندگی خواهند کرد (کوتل ، ۱۳۴۷: ۳۰ و ۳۱). قسمت اعظم خرابه های این

شهر در سال ۱۹۱۱ - ۱۹۱۳ م به وسیله حفاریهای هر تسفلد کشف گردید. این کشفیات برای افزایش اطلاعات ما از هنر دوره عباسیان واجد ارزش فوق العاده ای است. از آثار به جای مانده میتوان به مساجد این شهر اشاره کرد.

مسجد المتوکل

این مسجد که در چند صد متری شمال سامرای جدید واقع است به سال ۲۳۱-۲۳۸ هـ. ق / ۸۴۶-۸۵۲ م توسط متوکل خلیفه عباسی بنا شد و بیشک از نظر عظمت باشکوه ترین مسجد این دوره است. ضلع بزرگ آن ۲۶۰ متر و ضلع کوچکش ۱۸۰ متر بوده به طوری که بیش از صدهزار نفر نمازخوان در آن جای می گرفت. سقف مسطح آن بی آنکه خمیدگی داشته باشد به طور مستقیم بدون واسطه قوس ها، به وسیله پایه هایی از خشت و پوشیده از گچ نگه داشته شده است. پایه های مزبور در چهارگوشه دارای ستون های ظریف مرمری است. حصار مسجد به وسیله نیم برجهای تقویتی مشخص است و تعدادی پنجره داخل دیوار ضلع جنوبی موجود است. مسجد دارای یک حیاط مرکزی و یک تالار ستوندار در سمت قبله است که محراب در این شمال مناره و یا برجی حلزونی شکل قرار دارد که بلندی آن حدود ۵۰ متر و طول هر ضلع قاعده آن که برج بر روی آن برپاست ۳۳ متر است. پنج گردش کامل مارپیچی یا حلزونی به قله میرسد. طبقه ششم مناره به صورت اطاقکی با پایه شش ضلعی و مزین به طاقچه ساخته شده است. این اطاقک در بالا دارای کلاهی مدور است که هنوز قطعات آن دیده میشود به احتمال زیاد سرمشق این مناره و مناره مسجد ابودلف در سامره، زیگورات های بین النهرین و آتشکده و برج فیروزآباد ساسانی بوده است. بعضی دانشمندان به این مسجد و مسجد ابودلف که با همان شکل اما کوچک تر برپا شده به عنوان کاخ نگاه میکنند زیرا ستون ها جرزها و برج های تقویتی عناصری اند که بیشتر در بنای کاخ ها در دوره ساسانی به کار برده می شده است.

بخش پنجم: گستره هنرهای اسلامی

فصل چهارم: هنر و تمدن اسلامی در مصر

مردم مصر مسلمانان را منجی خود میدانستند زیرا در سایه اسلام از زیر پنجه تعدی و فشار امپراتوری روم شرقی نجات پیدا کردند در حالی که تمدن اسلام در ایران و هند با تمدن قدیمی امتزاج پیدا کرد و صورت مختلطی به خود گرفت در مصر تمدن قدیم فراعنه و یونانی به کلی از بین رفت و به جای آن تمدن جدید اسلامی به وجود آمد (لوبون ، ۱۳۵۴ : ۲۴۶) در زمان خلفای فاطمیین که تمدن عرب در مصر به حد اعلای ترقی رسید، انواع فنون و صنایع جان تازه ای در این سرزمین به خود گرفت و قاهره با بغداد در این جهت - یعنی در پیشرفت صنعت - لاف همسری می زد، اما در جهت علوم بغداد همچنان برتری داشت. مورخ عرب مقریزی می نویسد: در زمان خلفای فاطمی دیوارهای ساختمان را با کاشی های براق و زیبا می پوشانند؛ و یا به وسیله گچبری های مختلف انواع گل و بوته به صورت برجسته نقاشی می کردند که بعضی از آنها هم اکنون نیز در برخی از دیوارهای باستانی قاهره مشاهده میشود. کف این ساختمان ها را با کاشی و یا به وسیله فرش های زربفت فرش میکردند و اثاث این عمارت ها از چوب های گران قیمت ساخته شده بود که آنها را با صدف و عاج زینت داده بودند. قصرهای خلفای فاطمی بسیار عالی بوده و ما از روی مساجدی که از آن زمان تا به حال در قاهره باقی مانده میفهمیم که آنچه مورخان درباره قصرهای مزبور نوشته اند گزاف نبوده است.

مصر تنها کشوری است که بناهای دوره اول اسلامی در آن به چشم میخورد و از روی بناهای موجود میتوان به فن معماری و تغییرات هر دوره پی برد. چون تقریباً تمام بناهای عربی به جا مانده از قدیم مساجدند تنها به شرح بنای جامع الازهر و مسجد سلطان حسن بسنده میکنیم.

مسجد جامع الازهر

پس از تصرف مصر به دست خلفای فاطمی و بنای قاهره پایتخت جدید آن مسجد جامع الازهر به سال ۳۶۲ هـ. ق بنا نهاده شد. قدیم ترین بنای عهد فاطمیه که هنوز در قاهره برپاست این مسجد است به ملاحظه مدرسه ای که در آن بنا شده، در میان تمام مساجد اسلامی شهرتی بسزا دارد و به صورت دانشگاه بزرگ اسلامی درآمده و تا امروز هم پایرجا و معروف است. این مسجد در ابتدا میباید مرکز آموزشی مذهبی بوده باشد تا افکار مذهبی فاطمیان را اشاعه دهد؛ زیرا که فاطمیان ادعا داشتند که از اعقاب حضرت علی (ع) اند. این دانشگاه اسلامی تأثیر عمیق و مهمی در شهرهای اسلامی دارد و دوستداران علم و معرفت و طلاب علوم دینی به صورت انفرادی و دسته جمعی از اطراف کشورهای اسلامی بدانجا رو می آورند. در حقیقت این مسجد در شرق آخرین موطن برای تکمیل علوم عربیه و اسلامی است نقشه ساختمان مسجد الازهر نیز مانند مساجد سابق است فقط به واسطه حجره هایی که در اطراف آن ساخته اند نقشه سابق آن کمی به هم خورده است برای شناخت واقعی طرز معماری این مسجد، صحن بزرگ آن اهمیت دارد. طاقهای تیز مسجد روی ۳۸۰ ستون سنگ سماقی و مرمر و غیره قرار گرفته و از سرستونها و پایه های بناهای قدیمی در ساخت این مسجد استفاده شده است.

فرش انداز و دهانه بزرگ میانی مسجد روبه روی محراب و همچنین فرش اندازهای موازی با دیوار قبله نفوذ یا تقلیدی از سبک معماری امویان است. مناره های زیبای آن را چندی پس از اتمام ساختمان مسجد بنا کرده اند. به طور کلی این مسجد که هنوز باعث فخر و غرور اسلام است گذشته از معماری زیبای آن از نظر روابط بین المللی اهمیت فراوان دارد زیرا هزاران دانشجوی علوم دینی با نژادهای گوناگون از کشورهای مختلف جهان در آن به فراگیری علوم و معارف اسلامی مشغول اند.

مدرسه سلطان حسن

گیرترین اثر و بنای اسلامی واقع در قاهره عبارت است از مدرسه مربوط به دوره مملوکان در سده هشتم هجری قمری که به نام مسجد نیز خوانده میشود. این بنا را میتوان یکی از عالی ترین نمونه های فن معماری اسلام دانست این مدرسه که دارای طرح صلیبی است با ابعاد بزرگ و بر روی سطحی به وسعت هشت هزار متر مربع ساخته شده است. هر یک از اضلاع صحن آن بیشتر از ۳۰ متر طول دارد (لوبون، ۱۳۵۴: ۶۳). ضخامت دیوارهای آن هشت متر و ارتفاع دیوار آن ۲۰ متر و گنبد ۵۶ متر و مناره های آن ۸۶ متر است. ارکان بنا به وسیله مجموعه ای از بناها برای اعمال و تشریفات چهارگانه مذهبی سنی پر میشود؛ هر بنا دارای یک صحن کوچک یک مدرس و اطاقکهایی در چند طبقه است. ضریح در جهت قبله و در امتداد یک بازوی صلیب قرار گرفته است برای شکل جدید گنبد از فرم کلاهخود استفاده شده؛ گنبد بر روی مثلثی کروی شکل قرار داشت که اغلب دارای پایه ای ساخته شده از مقرنس چند ضلعی یا مدور بود، بی آنکه با زیربنای خود به هم پیوستگی داشته باشد. (کوتل، ۱۳۴۷: ۱۲۹). ورودی بزرگ مقرنسکاری شده مسجد در در حقیقت ستیری و عظیم ساخته شده و چنین می نماید که بر روی صخره ای از مواد بنایی نشانده شده است. پیشانی بالایی صحن عظیم آن در ارتفاع ۳۵ متری از کف زمین قرار گرفته است.

کنگره های گل زنبق تقریباً در همه جای بنا به کار برده شده است. این نقش در نزد امویان و ساسانیان همیشه عزیز و دوست داشتنی بوده است (هوگ، ۱۳۴۸: ۶۴). عظمت بنای مدرسه یا صحن مسجد ثابت میکند که مسلمانان در موقع مقتضی از ساختن بناهای وسیع و محکم نیز عاجز نبوده اند.

فصل پنجم: هنر و تمدن اسلامی در آفریقای شمالی

تونس

اعراب در آفریقای شمالی شهرهای قیروان تونس و فاس را بنا و شهر الجزایر را تجدید بنا کردند. البته درخشندگی و عظمت شهرهای مزبور چندان دوامی نیافت زیرا رقابتهای داخلی بربرها و کمی استعداد آنها در پذیرفتن تمدن، غارتگریهای بدویان اعراب و نبودن مراکز مهم علمی مانند بغداد و قاهره مانع پیشرفت در راه تمدن بوده است؛ از این رو نباید انتظار داشت که در آفریقا نیز بناهای مهم تاریخی مانند اندلس و مصر یافت شود (لوبون، ۱۳۵۴: ۳۱۷). در سال ۶۷۵ م اعراب پایتخت آفریقای غربی یعنی شهر قیروان را بنا کردند و در سال ۶۹۱ م شهر کارتاژ را فتح کردند و در سال ۷۱۱ م چنان نیرومند شدند که کشور اسپانیا را فتح کردند. تا اوایل قرن نهم میلادی کارهای حکومتی را در آفریقا کسانی اداره می کردند که سمت نیابت از خلفای اسلامی داشتند و چون در عهد هارون الرشید جز نامی از خلفای اسلامی در این سرزمین باقی نمانده بود اینها حکومت مستقل و خودمختاری تشکیل داده و قیروان را پایتخت خود قرار دادند.

مسجد قیروان

این مسجد در سال ۵۵ هـ. ق / ۶۷۵ م در شهر قیروان ساخته شد. مسجد قیروان که چندین بار تعمیر شده چهارگوش و دارای گنبدیهای کوتاهی است و اطراف آن دیواری کشیده شده است. در بالای آن دیوار مناره بزرگی است به شکل چهارگوش و دارای سه طبقه که وسعت هر طبقه با طبقه دیگر به یک اندازه نیست. ساختن این نوع مناره چهار گوشه در آفریقای شمالی شایع است. این مناره ها چه از نظر جزئیات ساختمانی و خصوصیات و چه از نظر منظره عمومی و ترکیب با مناره های مصر متفاوت است. تمام مناره هایی که در آفریقا ساخته شده از قیروان گرفته تا فاس همه از یک نوع میباشند صرف نظر از مناره های ابتکاری آفریقا، میان مساجد قدیم آفریقا مانند همین مسجد قیروان و مساجدی که در مصر و ایران دیده میشود از نظر ساختمان گنبد اختلاف زیادی وجود دارد؛ زیرا در مساجد آفریقا گنبد ها را به طرز رومیان کوتاه و پهن گرفته اند بالای مسجد قیروان چهار گنبد کوتاه و پهن دیده می شود. ما اگر بخواهیم از روی این بناهای موجود درباره فن معماری مسلمانان آفریقا قضاوت کنیم باید بگوییم به استثنای مراکش سایر قسمت های آفریقای شمالی در فن معماری همچنان تحت تأثیر معماری رومیان بوده اند و نتوانستند مانند مصر و اندلس خود را از زیر بار تقلید آنان خارج سازند.

الجزایر

مهم ترین و قدیمی ترین مسجد الجزایر مسجد کبیر است که در سده چهارم هجری قمری بنا شد و بعد تغییراتی به آن دادند بخصوص مناره چهار گوش آن که در سده هشتم هجری قمری ساخته شده است. در سطح دیوارهای داخلی مسجد که اکنون با گچ روی آن را پوشانده اند هیچ نوع تزئینی دیده نمیشود طاق نماهایی که سقف مسجد روی آن قرار دارد غالباً دندانه دار و نعل اسبی است و روی ستون های چهارگوشی زده شده در قسمتی از نمای خارجی مسجد سردری بسیار زیبا ساخته اند که از طاق های دندانه داری به شکل نعل اسب و پرگاری ترکیب یافته چنانچه غالب طاقهای دیگر آن به همین نحو است ولی این طاق ها روی ستون هایی از سنگ مرمر قرار گرفته و این طاق نما و ایوان ورودی آن که سال های بسیاری پس از ساختمان خود مسجد بنا شده انسان را به یاد ستون ها و ایوان های داخلی کاخ های اسپانیا می اندازد.

مراکش

در مراکش مساجدی زیبا مشاهده میشود که اغلب به سبک و فرم مساجد افریقای شمالی بنا شده اند. نظیر مناره های این مساجد که به شکل چهارگوش ساخته شده اند بندرت در مصر به چشم می آید مناره مسجد بزرگ طفجه به شکل چهارگوش ایجاد شده است. کاشی های لعابی منقش که جهت احیای رنگ آمیزی گلدسته ها و گاه نیز برای تزئین سنگابه های عمومی به کار میرود در بعضی از شهرهای مراکش حتی تا به امروز در پوشش قسمت های تحتانی دیوارها متداول است.

فصل ششم : هنر و تمدن اسلامی در هند

از سال های نخست هجرت رفتن مسلمانان به هندوستان شروع شد. نفوذ و قدرت سیاسی و مذهب مسلمانان در هندوستان به نهایت درجه استحکام رسید و به دستگیری سلاطین مسلمان که یکی پس از دیگری حکومت را به دست گرفتند در مدت هشتصد سال رسوخ کامل پیدا کرد. پس از اینکه حکومت از نظر سیاسی از دست مسلمانان بیرون رفت از نظم مذهبی همچنان صاحب نفوذ بودند و روز به روز نیز توسعه و پیشرفت مییابند. زمانی که مسلمانان وارد این سرزمین شدند تمدن باستانی آن را از تمدن خود بهتر یافتند و آن را با تمدن خود در آمیخته و توانستند مذهب خود را در قسمت اعظم این کشور منتشر سازند (لوبون، ۱۳۵۴: ۲۲۳ و ۲۲۴). قرن ها هند زیر سلطه مسلمانان فاتح عرب ترک و مغول قرار داشت فاتحان در زبان و عادات و عقاید و هنرهای هند تأثیری عمیق داشتند که هنوز برجای مانده است. اکنون میلیون ها هندی معتقد به دیانت اسلام در پاکستان کشمیر و بنگلادش وجود دارند که علاوه بر زبان بومی به زبانهای منشعب از زبان فاتحان مسلمان نیز گفتگو میکنند. به علت مجاورت و نزدیکی ایران به هند فرهنگ و هنر ایران اسلامی در هندوستان و دربار سلاطین نفوذ کرده و از تلفیق هنر ایرانی و مغولی شاهکارهایی از هنر اسلامی در سرزمین هند پدید آمد. عصر اسلامی در هندوستان از سده پنجم هجری قمری آغاز و از لحاظ سیاسی در قرن ۱۸ به دست انگلیسی ها خاتمه یافت.

در توصیف معماری اسلامی این سرزمین باید گفت که معماری اسلامی قرن ها بر ساختمان های هند سایه افکنده حتی پس از آنکه اعراب در تمام دنیا میدان را برای فاتحان جدید خالی کردند این تمدن بر هندوستان سایه افکنی داشت تا اینکه کم کم میدان برای معماری ایرانی باز شد.

مناره قطب

مناره مسجد سلطان قطب الدین ایبک یا برج قطب یکی از قدیمی ترین آثار معماری اسلامی در هندوستان است که بر فراز بتکده قدیمی هند در اوایل قرن هفتم هجری قمری به امر قطب الدین ساخته شد. این مناره در نزدیکی دهلی واقع و یکی از زیباترین آن با کتیبه ها و نقوش در هم با مقرنس تزئین شده است. ساقه این مناره با چهار رشته مناره های اسلامی است؛ مناره ای استوانه ای شکل که قسمت بالای آن فرو ریخته و بدنه مقرنس کمربندی به پنج قسمت شده و یک رشته مقرنس در انتهای آن به چشم میخورد قسمت پایین ساقه با شیارهای برجسته و قسمت های بالایی ساقه با شیارهای عمودی فاشقی و ساده تزئین شده است. قطر این برج در پایین ۱۲ متر و در بالا ۳ متر و بلندی آن در حدود ۵/۷۲ متر است. بدنه مناره با سنگ های قرمز و سفید ساخته شده است.

بقعه تاج محل

در هنر معماری هند آرامگاه ها برجسته ترین مکان را دارند. عالی ترین نوع و شاید زیباترین آرامگاههای دنیا بنای تاج محل در شهر اگرا است که به وسیله شاه جهان به یادبود زوجه اش ملکه نورجهان در سده یازدهم هجری قمری ساخته شده است. شاه جهان برای ساختن این بقعه معماران و هنرمندان را از سراسر جهان اسلام به هند دعوت کرد. این بنا را میتوان ثمره اندیشه های کهن و کامل دانست که بیشتر شیوه آن مایه ایرانی دارد تا هندی باستان شناسان و محققان مختلف که درباره این مقبره تحقیق کرده اند معمار اصلی بنا را ایرانی دانسته اند؛ اما دانشمندان معاصر هندی معتقدند که مدل ساختمان تاج محل مقبره هامبون و اکبر شاه در هند است که خود این آرامگاهها هم از سبک

معماری ایرانی دوره صفوی اقتباس شده اند به شهادت مدارک موجود در هند، نه تنها معمار اصلی بلکه سه شخصیت طراز اول تاج محل ایرانی بوده اند: استاد علی شیرازی طراح امانت خان شیرازی کتیبه نویس و محمد حنیف قندهاری ناظر ساختمان بوده اند.

ساختمان این بقعه در کرانه جنوبی رودخانه جمنا شعبه اصلی گنگ در باغی وسیع به سبک چهل ستون ایران احداث شده است. دروازه بقعه را آب نمای بزرگی به ساختمان اصلی مربوط میسازد اطاق مقبره بر روی صفا ای مرمرین به بلندی حدود پنج متر و طول هر ضلع ۱۰۰ متر احداث شده است. در چهار گوشه چهار مناره با گلدسته هایی به بلندی ۴۴ متر بنا شده است. گنبد اصلی روی یک بنای هشت ضلعی پریاست و ارتفاع بنا و گنبد بر رویهم حدود ۸۰ متر است. چهار در ورودی دارد که ارتفاع هر یک بیست متر است. یکی از پدیده های عمده تاج محل که نظر بیننده را جلب میکند همین گنبد دو پوشه گلابی شکل آن است که کاملاً به شیوه ایرانی ساخته شده است. در چهار گوشه بام، آرامگاه چهار گنبد کوچک گنبد اصلی و بزرگ را در میان گرفته اند. سطح خارجی بنا از سنگ مرمر سفید پوشیده شده که در مقابل بناهای جانبی آن - مهمانخانه و مسجد - که از سنگ قرمز رنگ است تأثیر عمیقی بر بیننده می گذارد. بنای اصلی اطاق مقبره هشت ضلعی است و دور تا دور هشت اطاق وجود دارد که همه به هم مربوط اند. دیوارهای داخلی بنا نیز از مرمر سفید و آزاره ها از سنگ مرمر بسیار خوبی است که نقش های برجسته گل و بوته دارد بخش بزرگی از حواشی که با گوه های گرانها از قبیل زمرد یاقوت کبود عقیق ویشم ساخته شده به غارت رفته و جاییش خالی است. کتیبه های سردرها و داخل گنبد همه به خط امانت خان است. ارتفاع کنید مانند مسجد امام (شاه) اصفهان به قدری است که انعکاس صدا به غارت رفته و جاییش خالی است. کتیبه های سردرها و داخل گنبد همه به خط امانت خان است. ارتفاع کنید مانند مسجد امام به طرف چپ قبر شاه جهان دیده میشود. دور تا دور قبر را دیواری دومتری از سنگ مرمر مشبک با تزیینات زیبایی احاطه کرده است که آن نیز هشت گوش است. این دیواره مرمرین جانشین یک پوشش گرانهای زرین شده است که اکنون وجود ندارد. خلاصه آنکه همه پدیده های معماری خاص تاج محل، از گنبد دو پوشه امرودی تا آرایش پرکار برای کاستن از یکنواختی رنگ مرمر سفید نمای ساختمان و مناره های استوانه ای و سردابه و چهار قبه پیرامون گنبد وسطی دست به دست هم داده و تاج محل را در سراسر جهان ممتاز ساخته است. به سبب صفات ممتاز معماری و به عقیده تمام سیاحان که این بقعه را دیده اند، این مقبره یکی از غرایب دنیا و یکی از یادگارهای نادر اسلامی است که خوشبختانه از دستبرد و خرابی محفوظ مانده است.

بنای تاج محل را میتوان رؤیای عشق شاه جهان دانست که به شکل پیکری از سنگ مرمر درآمده است. شاید هم منظور شاه جهان از ساختن این بنای باشکوه برای زوجه خود این بوده است که مصیبت فراق را هرگز از یاد نبرد و یادگاری باشد که در تمامی زمین نتوان نظیر آن را پیدا کرد لوبون به نقل از تاورنیه جهانگرد فرانسوی می نویسد: «عمارت تاج محل نتیجه تلاش و کوشش بیست هزار نفر کارگر است که در مدت بیست و دو سال برای ساختن آن کار کردند.» (لوبون، ۱۳۵۴: ۲۳۷)

فصل هفتم: هنر و تمدن اسلامی در ترکیه

در نیمه دوم سده پنجم هجری قمری / یازدهم میلادی ترکان سلجوقی در زمان الپ ارسلان پس از نبود ملازگرد به آسیای صغیر آتاتولی شرقی نفوذ کردند و حکومتی استوار به نام سلاجقه روم را بنا نهادند. پس از آن نشانه های تمدن یونانی که از دوران هومر در آسیای صغیر رواج داشت بر افتاد و این منطقه چنان رنگ ترکی به خود گرفت که دست کمی از ترکستان اصلی نداشت (دورانت، ۱۳۷۱: ۳۹۳ و ۳۹۷). نقش عمده سلاجقه روم این بود که آسیای صغیر را از نژاد ترک پر کنند ترکان سلجوقی به تدریج موفق شدند بومیان را در خود مستحیل کنند و کشور آینده ترکیه را بنیان گذارند پایتخت سلاجقه روم شهر قونیه بود که آثار معماری زیادی از آن دوره در این شهر به جای مانده است و به عنوان مرکز مهم فرهنگی اسلامی اهمیت تاریخی پیدا کرده است. بناهای اینجا مناره مدرسه قونیه مدرسه کاراتای مقبر مولانا جلال الدین رومی و یا کاروانسرای سلطان خان در این شهر نمونه هایی از معماری این دوران است که از لحاظ معماری و آرایش هر یک از شاهکارهای هنری زمان خود به شمار می آیند. همچنین در شهر ارض روم به ویژه در سیواس با معماری و بناهای مهم اسلامی این دوران مواجه میشویم مانند مدرسه آبی و شفاخانه کیکاووس.

در میان قبایل مختلف ترک که اواسط و اواخر سده سیزدهم میلادی در آسیای صغیر زندگی می کردند تیره قایی از طوایف اغوز به ریاست عثمان بیگ فرزند ارطغرل نیز حضور داشتند (چارشی لی ۱۳۸: ۱۱۲) که بعداً به نام ترکان عثمانی شهرت یافتند. عثمان رئیس این قبیله بعد از سلجوقیان عنوان امیر به خود دارد و با امپراتوری بیزانس که در این زمان دوباره در آسیای صغیر حکومت می کردند جنگهای متعدد کرد. سلطان محمد فاتح با فتح شهرهای بورسا ایزمیت ادرنه و سرانجام شهر قسطنطنیه در ۸۵۷ هـ. ق / ۱۴۵۳ م به امپراتوری بیزانس خاتمه داد قسطنطنیه که بعداً به نام استانبول معروف شد یکی از زیباترین شهرهای دنیاست که قسمتی از این شهر در اروپا و قسمت دیگر آن در آسیا واقع شده است. این شهر که قبله گاه امپراتوری عثمانی بود تا اواخر این امپراتوری پایتخت ترکیه باقی ماند (دوری، ۱۳۶۳: ۱۴۹). پس از فتح این شهر هنر ترک آغاز

شد. به طوری که انتظار می رفت، در ابتدا این هنر اقتباس و ادامه هنر سلجوقی بود ولی به زودی هنر عثمانی به دوران شکوفایی خود رسید و به تدریج برای خود وجهه بارزی کسب کرد. از آنجایی که فرمانروایان عثمانی در حقیقت هم سلطان یعنی امپراتور و هم خلیفه یعنی جانشین حضرت محمد (ص) و مأمور حفظ اسلام بودند، مساجد زیادی در شهرهای تازه تصرف شده برپا کردند که هر کدام از زیبایی خاص برخوردارند. در این دوره یکی از مشهورترین معماران دوران اسلامی یعنی معمار سینان پاشا شاهکارهایی مانند مسجد سلیمان و مسجد شبه زاده را در استانبول و مسجد سلیم را در شهر ادرنه ساخت که از جهت معماری و هنرهای وابسته به معماری در زمره مهمترین معماریهای جهان اسلام اند متداول ترین نوع مسجد که در دوران عثمانیان ساخته شد از نوع مساجد ایرانی است که به جای صحن مرکزی تالاری می ساختند که روی چهار ستون قطور آن که به طرف داخل متمایل می شد گنبد می زدند و دو پهلوی آن محوطه بزرگی رو به قبله برای نماز گزاردن بود. نمونه این نوع مساجد در شهر بورسا و استانبول مشاهده میشود.

مسجد سلطان احمد (مسجد آبی)

این مسجد را در زمان سلطان احمد اول پادشاه عثمانی بین سال های ۱۰۱۸-۱۰۲۵ ق ام ۱۶۰۹-۱۶۱۶ . معمار محمت آقا (محمد آقا) در شهر استانبول ساخت معمار محمت آقا یکی از شاگردان و همکاران معمار سینان پاشا بود (هوک ، ۱۳۴۸ : ۸۴). مسجد در بلندترین نقطه دماغه قاره اروپا قرار گرفته به طوری که وقتی از راه دریا به استانبول نزدیک میشویم این مسجد با شش مناره بلند و قامت زیبا و موزون خود قبل از هر چیز دیده میشود.

نمای خارجی این مسجد از زیباترین آثار معماری عثمانی به شمار میرود، زیرا از محل قرار گرفتن هلال زرین که در بالای گنبد مرکزی واقع شده است توده های هرمی شکل از نیم گنبد و گنبد های کوچک به صورت آبشاری متقارن و پیوسته به طرف پایه مناره های بلند فرو میریزد. حیاط مسجد را رواق های ستوندار با پوششی قبه ای در اطراف محاط کرده است. شبستان مسجد مربع شکل و قطر کنید : بزرگ آن حدود ۲۴ متر و بلندی آن به حدود ۴۳ متر میرسد. کنید مرکزی روی چهار ستون مدور به قطر ۵ متر برپا شده است. این ستونها از پایین تا بالا دارای شیارهایی است که از سنگینی ستون ها میکاهند. در چهار طرف گنبد اصلی نیمه قبه های دیگری. بنا شده که بدین وسیله فضای داخل مسجد وسیعتر شده است. در دیوارهای اطراف شبستان پنجره های زیادی با شیشه های رنگین موجود است که فضای داخل شبستان را روشن میکنند. دیوارهای داخل مسجد با نقش گل های لاله و میخک و سنبل که بیشتر از رنگ های سبز آبی قرمز فیروزه ای و سیاه روی زمینه ای سفید استفاده شده تزیین شده است. این تزیینات توأم با کتیبه های زیاد تمام دیوارها و بدنه ستون ها و حاشیه گنبدها را پوشانیده است به طوری که برای تزیین دیوار از ۲۱ هزار کاشی استفاده شده است. منبر مرمرین بسیار زیبا و بلندی در کنار محراب مسجد برپاست که جزء منبرهای بزرگ و زیبای دنیای اسلام است.

بخش ششم : تاریخچه هنر اسلامی در ایران

پس از فتح اعراب ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند چرا که ایران همیشه مهد یکتاپرستی بود. ایرانیان دین اسلام را با تعلیمات فوق العاده اش با علاقه فراوان پذیرفتند و مسلمان شدند و هیچ مانعی نمی دیدند در همان جایی که پدرانشان اهورامزدا را پرستش میکردند خدای یکتا را پرستش کنند؛ شاید در نتیجه این طرز فکر بود که در همان اوایل آتشکده ها را تبدیل به مسجد کردند.

علاقه ایرانیان به دین مقدس اسلام از همان آغاز ظهور این دین مقدس شروع تاریخ فتوحات اسلامی در شرق و غرب جهان حاکی از جانفشانی و مجاهدت گروهی از مردمان ایرانی است که با خلوص عقیده در راه اسلام از خود گذشتگی نشان دادند و دشمنان داخلی و خارجی اسلام را سرکوب کردند. مسلمانان کشورهای شرقی و جنوب شرقی مانند شبه قاره هند و پاکستان ترکستان شرقی چین مالزی اندونزی و جزایر اقیانوس هند مرهون فعالیت های بی نظیر ایرانیان مسلمان هستند که با کوشش از طریق دریانوردی و بازرگانی اسلام را به دورترین نقاط آسیا رسانیدند و با تبلیغ و ارشاد مردم را با دین مقدس اسلام آشنا کردند. ایرانیان در ترویج دین اسلام در کشورهای غربی شمال آفریقا قاره اروپا و آسیای صغیر سهم بسزایی دارند. پس از اینکه اهالی خراسان و نواحی شرقی ایران برضد خلافت ضد اسلامی امویان قیام کردند و بساط حکومت آنان را که به نام اسلام بر مردم مسلمان حکومت می کردند برانداختند و عباسیان به خلافت رسیدند تمام امور کشوری و لشکری ممالک اسلام به دست ایرانیان مخصوصاً خراسانیان افتاد و تمام مناصب سیاسی دولت اسلامی را در شرق و غرب به دست گرفتند.» (مطهری: ۸۰-۸۱)

مسئله برخورد مسلمانان با دولت ایران و سرانجام پیروز شدن آنان بر حکومت ساسانی یکی از مسائلی بود که عظمت و واقعیت اسلام را در نظر ایرانیان بهتر جلوه گر ساخت در روزگاری که مسلمانان با دولت ساسانی می جنگیدند کشور ایران با همه اغتشاشات و از هم پاشیدگیهایی که داشت از نظر نظامی بسیار نیرومند بود. ایران آن روز با مقایسه مسلمانان آن روز طرف نسبت نبود ... شکست حکومت ساسانی را باید ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت و آیین و رسوم اجحاف آمیز آن زمان دانست اجتماع آن روز ایران

یک اجتماع طبقاتی عجیبی بود ... دین زرتشت در اصل هر چه بود ... در دست موبدها فاسد شده بود ... بی علاقه گی مردم ایران نسبت به حکومت و دستگاه دینی و روحانیتشان سبب میشد که سربازان در جنگها با میل و رغبت علیه مسلمانان بجنگند و حتی در بسیاری از موارد به آنها کمک کنند.

شهید مطهری به نقل از ادوارد براون میگوید رفتار ستمگرانه مویدان نسبت به پیروان سایر مذاهب و ادیان سبب شد که درباره آیین زرتشت و پادشاهانی که از مظالم مویدان حمایت میکردند حس بغض و کینه شدید در دل بسیاری از اتباع ایران برانگیخته شود و استیلای عرب به منزله نجات و رهایی ایران از چنگال ظلم تلقی گردد. قانون آیین و حکومت ایران مقارن ظهور اسلام طوری بود که قاطبه ملت ایران را وادی داشت برای متابعت از حکومت و آیین تازه ای خود را آماده کنند؛ به همین جهت بود که وقتی ایران به دست مسلمانان فتح شد مردم ایران علاوه بر اینکه عکس العمل مخالفی از خود نشان ندادند خود برای پیشرفت اسلام زحمات طاقت فرسایی کشیدند.

فصل نهم: معماری ایرانیان در اوایل اسلام

هنگامی که اسلام جهان متمدن قرن هفتم میلادی را فرا گرفت، چهره بسیاری از کشورها دگرگون شد با مسلمان شدن تدریجی این کشورها، نژادهای گوناگون - از اسپانیا تا هند - در ساختن تمدن تازه که تمدن اسلامی نام دارد شریک شدند (آذرنوش، ۲۵۳۵). از جمله کشورهایی که در این تمدن و هنر سهم زیادی دارد ایران را میتوان نام برد. با انتشار بیشتر اسلام در ایران در هر گوشه ای از این مملکت ساختن مساجد شروع شد. ویلسن به نقل از پروفیسور پوپ درباره مناسبات هنر معماری ایران و اعراب و اسلام مینویسد: معماری ایران را در قرون وسطی غالباً اقتباس از اعراب میدانستند و خود ایرانیان تصور میکردند که گنبد و مناره های زیبا که مساجد قشنگ آنان را زینت داده مانند دین اسلام از خارج به ایران آمده و منسوب به اعراب است، ولی این مسئله کاملاً با حقایق تاریخی مغایرت دارد. اعراب مهاجم غیر از چادر و کلبه گلی یا چوبی دارای بنایی نبودند و از ساختمان بنا بیش از این خبری نداشتند و معماری ایران از حیث اصول طرز عمل به هیچ وجه مدیون آنان نیست از طرف دیگر هم در موقع هجوم اعراب بعضی از بهترین معماریهای دنیا که به دست کارگران ایرانی و از روی اصول معماری آنان ساخته شده بود نه تنها در داخل ایران بلکه در نواحی مجاور و ممالک متصرفه شاهنشاهی وجود داشت (ویلسن، ۱۳۱۷: ۱۲۶-۱۲۷).

بنابراین نباید تصور کرد که فتح اعراب تغییرات بزرگ و ناگهانی در صنایع ایران داد، زیرا اگر چه تغییرات اجتماعی به تدریج صورت گرفت، ولی زندگانی عادی پس از فتح اعراب به همان روش سابق ادامه یافت ... اصول صنعتی که در عصر ساسانیان مراعات می شد تا مدتی پس از استیلای اعراب ادامه یافت. این مسئله از روی سکه های حکمرانان عرب که به اسلوب شاهنشاهان آخر ساسانی شبکه ضرب می کردند و حتی یک طرف آن تصویر آتشکده بود ثابت می گردد.

مساجدی به سبک ایرانی ساخته شد؛ این مساجد، به تقلید طرحهای محلی به صورت بناهایی شبیه به چهار طاقی ساسانی که تکمیل تر شده و به صورت مسجد درآمده بود بنا شد به این معنی که چهار طاقی مرکزی به ظرف دیوار جنوبی تغییر مکان یافت و به جای آتشگاه محرابی ساخته شد که از سه طرف باز بود و مؤمنان در هوای آزاد جلوی آن صف می بستند و به سوی قبله نماز می گزارند. ساختمان ایوان که از منازل خراسانی تقلید شده بود به زودی در مسجد سازی مورد استفاده قرار گرفت. نفوذ معماری ساسانی در بناهای مذهبی به درجه ای می رسد که به تدریج اصول معماری اسلامی بر شالوده معماری ساسانیان پایه گذاری میشود کیفیت بنای ستونها و پایه ها و احداث ایوان بلند و طویل و به کار بردن مصالح ساختمانی و تزیینات آجری و گچبری در مساجد این دوره عناصر ساختمانی ساسانیان را در معماری مسجد سازی نشان میدهند. احداث مناره در قرون اولیه اسلامی نیز تقلید از معماری قبل از اسلام بوده، مناره فیروزآباد و مناره عهد اشکانیان در فارس گواه بارز این ادعاست (نصیری انصاری، ۱۳۵۰: ۱۶۰).

از هنر معماری اولیه اسلام در ایران آثار کمی موجود است که میتوان به مسجد جامع فهرج یزد از نیمه اول قرن اول هجری و مسجد تاریخانه دامغان و مسجد جامع نایین اشاره کرد چرا که بیشتر این نوع مساجد یا از بین رفته اند و یا تغییر شکل داده اند.

مسجد تاریخانه دامغان

قدیمی ترین مسجدی که از دوران اوایل اسلام در ایران به جا مانده مسجد تاریخانه دامغان است. اگر چه کتیبه ای که تاریخ بنای آن را معلوم کند وجود ندارد، از سبک معماری بنا میتوان آن را متعلق به اواسط قرن دوم هجری قمری دانست. بنای این مسجد عبارت است از یک حیاط مربع شکل که در سمت قبله آن یک تالار ستوندار و در سه سمت دیگر آن یک ردیف رواق ساخته شده است. سقف تالار یا شبستان روی ستون های مدور آجری به قطر ۱۰/۱ متر بنا شده و سقف رواق های سه طرف نیز گهواره ای و رو به حیاط زده شده است (زمانی ۲۵۳۵: ۸۰ - ۸۴).

طاق ها در این مسجد خیلی شبیه به طاقهای ساسانی و متمایل به تیزی اند و بدون مجاورت دیوار روی ستونها بنا شده اند. مناره تاریخانه متعلق به دوره سلجوقی است که روی بدنه آجری آن کتیبه ای به خط کوفی نصب شده است. مناره کنونی مسجد حدود ۲۵ متری بلندی دارد. اهمیت این مسجد تنها به دلیل سبک اولیه آن، معروف به سبک عربی نیست، بلکه بسیاری از اسلوب ساختمان دوره ساسانی را نیز دارد.

مسجد جامع نایین

شهر نایین در مشرق اصفهان واقع شده و مسجد جامع یکی از معروف ترین ابنیه آن است که در زمان آل بویه احداث شده است. بنای مسجد عبارت است از یک حیاط چهارگوش که در سه طرف آن تالارهای ستوندار و در شمال آن یک ردیف رواق ساخته شده است. مسجد شامل یازده طاق نما و با سقف های هلالی است که طاق نمای وسطی آن از سایر طاق نماها بلندتر و وسیع تر است (ویلسن ۱۳۱۷: ۱۳۶). صحن مسجد طوری است که گویا معمار یا سازنده آن به طرح بناهای چهار ایوانی نظر داشته است. دیوارها، طاق ها، جرزها و آن قسمت که محراب در آن واقع شده با گچبری تزیین شده است. این گچبری که با نقوش متنوع و گودی خاصی نشان داده شده از ویژگی های هنر گچبری مسجد است و به نظر میرسد که متعلق به دوران اولیه این هنر باشد. اهمیت دیگر این مسجد وجود منبر و در چوبی منبت گرانپ ها و تاریخی آن است که از نظر ظرافت ارزش خاصی دارد. مسجد جمعه نایین که در اواخر قرن سوم یا آغاز قرن چهارم هجری قمری ساخته شده شباهت به مسجد تاریخانه دامغان دارد؛ و با حیاط ایوان ها سقف های گهواره ای قوس ها ستون ها و ستون های کور و گچبری های خود به شدت با سنت های ساسانی رابطه دارد. (زمانی ۲۵۳۵ : ۸۹). روی منبر کتیبه ای به خط نسخ در متن شاخ و برگ حک شده که تاریخ سال ۷۱۱ هـ. ق را دارد و در کتیبه قاف در چوبی مسجد نیز سال ۸۷۴ هـ. ق کنده شده که این تاریخها زمان تعمیر مسجد را نشان میدهند.

مقبره های اوایل اسلام

در احادیث آمده است که عمارت بر بالای قبرها نکنید؛ با گفته میشود که بلندی قبر از سطح زمین اطراف نباید بیشتر از یک وجب باشد؛ و محصور کردن قبر با دیوار و تزیین آن به قصد خودنمایی حرام است. احتمالاً به همین سبب در ممالکی که تمدن اسلامی جایگزین تمدنهای قبلی آنان شده تا سده چهارم هجری قمری به این نوع مقبره ها خیلی کم برخورد میکنیم اما از این قرن به بعد درست کردن مقبره و برجهای مقبره ای رواج یافت و آرامگاههایی از این زمان در خراسان و ترکستان دیده میشود. با وجود این قدیمی ترین مقبره ای که از دوره اسلامی به جای مانده آرامگاهی است به نام قبة الصلیبه که خلیفه المنتصر در سال ۲۴۸ هـ. ق / ۸۶۲ م در شهر سامره برای مادر خود بنا نهاده است.

اما قدیمی ترین مقبره ای که تاریخ معینی دارد مقبره اسماعیل سامانی به تاریخ سال ۳۰۰ هـ. ق در بخارا است و اولین برج مقبره ای که در نواحی شمالی ایران از سده چهارم هجری قمری به جای مانده برج قابوس است که به سال ۳۹۷ هـ. ق در شهر کنونی گنبد قابوس بنا شده است. درباره موارد استفاده از این مقبره ها و برجهای مقبره ای می توان دو نظریه داد یکی اینکه این برجها راهنمای مسافران در بیابانها بوده است؛ دوم اینکه اگر کسی هنگام سفر فوت میکرد در این آرامگاه ها یا برج ها، که یقیناً بانی آنها هم در آنجا دفن بوده به خاک سپرده میشد. نمونه های زیادی از این نوع برج ها در ادوار بعدی در گوشه و کنار سرزمین ایران بنا شده اند.

مقبره اسماعیل سامانی

سامانیان خود را از اعقاب شاهان ساسانی میشمردند و به آداب و سنت های ایران باستان علاقمند بودند. یکی از آثار آن سلسله مقبره شاه اسماعیل در بخارا است که روابط قوی با بناها و آثار دوره ساسانی دارد. این مقبره بسیاری از اشکال معماری را در مرحله ابتدایی نشان میدهد که بعدها در دوره سلجوقیان در تمام ایران انتشار یافت. در اینجا طریقه جدید قرار دادن گنبد روی بنای مربعی شکل دیده میشود. بنا تقریباً به شکل مکعب کاملی است که دیوارهای خارجی آن در بالا کمی به طرف داخل تمایل دارد. در گوشه ها ستون های مدوری به دیوار چسبیده قرار گرفته انداز هر ضلع این مقبره ۱۰×۱۰ متر و مصالح درجه اول آن آجر است که هم در ساخت بنا و هم در تزیینات بنا نقش مؤثری دارد. این آجر کاری یکی از قدیمیترین نوع آجرکاری در هنر معماری اسلام است که بعدها در دوره غزنوی و سلجوقی تکامل یافته است. تاریخ شروع بنای این مقبره به اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری قمری مربوط میشود. این مقبره رویهم رفته شامل ویژگی های معماری قبل از اسلام و بعد از اسلام است که بعدها جزء اصول معماری ایران میشود (ویلسن ، ۱۳۱۷ : ۱۳۸).

گنبد قابوس

بنای عظیم آجری گنبد قابوس که یکی از شاهکارهای معماری اوایل اسلام در ایران است و در شمار بزرگترین مفاخر معماری قرن چهارم هجری قمری است که در شهر قدیم جرجان گنبد قابوس کنونی واقع شده است. نقشه برج از داخل مدور و از خارج شبیه ستاره ده پر است ساختمان این آرامگاه یا برج روی تپه خاکی بلندی مشرف به شهر قرار گرفته است و از دو قسمت تشکیل میشود قسمت اول، قاعده و بدنه میل و قسمت دوم شامل گنبد مخروطی شکل و آجری آن است. دور برج دو ردیف کتیبه کوفی که متن آن مکرر است روی بدنه میل و قاعده گنبد قرار گرفته است نوشته این کتیبه ها از آجر و معرف احداث آن در سال ۳۹۷ هـ. ق به وسیله قابوس بن وشمگیر است. بلندی گنبد مخروطی شکل آن ۱۸ متر و ارتفاع بدنه میل آجری ۳۷ متر است که اگر بلندی تپه خاکی که گنبد روی آن بنا شده ۱۵ متر منظور شود، ارتفاع برج و تپه زیر آن حدود ۷۰ متر میشود (مشکوتی ۱۳۴۹: ۱۸۹-۱۸۸). این بنا آرزوی مرد بزرگی را برای زندگانی ابدی نشان میدهد.

دیگر برج های این دوره از معماری اسلامی ایران عبارت اند از برج رسکت در قائم شهر ۴۰۰ هـ. ق برج لاجیم در سوادکوه مازندران ۴۱۳ هـ. ق برج رادکان در کردکوی مازندران ۳۱۷ هـ. ق و برج پیر علمدار در دامغان که به سال ۴۱۷ هـ. ق بنا شده است.

هنر معماری و صنایع وابسته به آن در قرون اولیه ایران اسلامی که همزمان با حکومت های سامانی آل بویه و حتی اوایل دوره سلجوقی است، در واقع همان هنر و صنعت ساسانی است که به سلیقه اسلامی درآمده است. هر چند که صنعت در این زمان به صورت عملی تر درآمد و تکمیل تر شد از نظر هنری به غنای زیادی دست نیافت.

بخش هفتم: تحول سبک معماری در ایران

ایرانیان، پس از گرویدن به دین اسلام ابتدا از روش اعراب در احداث مساجد پیروی کردند ولی در طرز بنای آن سنن مخصوص خویش و ذوق صنعتی و سبک های ساختمانی خود را به کار بردند دیری نگذشت که نقشه مساجد اولیه در معماری متداول ایران به کلی منسوخ و مسجد اصیل ایرانی مسجد چهار ایوانی، جانشین آن شد. در نیمه دوم سده پنجم هجری قمری عهد سلجوقی، وضع ساختمان مساجد مهم ایران به طور کلی بدین صورت درآمد که بناهای بزرگ مربع آجری با پوشش گنبدی روبه جانب قبله می ساختند و غالباً دیر یا زود ایوانی متناسب در جلو بنای مزبور می افزودند. چنین ایوانی با گنبد پشت آن در طرف قبله مسجد قرار میگرفت. در وسط جبهه هر یک از جوانب دیگر صحن مسجد هم ایوانی احداث میکردند. در فواصل بین ایوان های چهارگانه در اطراف حیاط نیز طاق ها و شبستان های مختلف میساختند. این سبک مسجد چهار ایوانی در واقع از توسعه و تکمیل چهار طاقی ساسانی و منزل های خراسانی به وجود آمد. از این دوره به بعد، حیاط مرکزی و چهار ایوان در اطراف آن اساسن معماری بناهای مذهبی کارونسازای و مدرسه سازی ایران را تشکیل میدهد.

در معماری مدرسه و کاروانسرا همان اصول رایج در معماری مسجد رعایت می شد، با این تفاوت که لزوماً به جای شبستان مسجد اطاق هایی جهت سکونت طلاب و یا استراحت مسافران میساختند در کاروانسراها محل چارپایان نیز در محوطه ای بزرگ پشت ساختمان و به موازات حجره ها طوری ساخته میشد که ورودی آنها در چهار زاویه صحن حیاط قرار میگرفت در کاروانسراهای بزرگتر علاوه بر بناهای لازم اقدام به احداث سکوهایی در دو طرف مدخل کاروانسرا میکردند. همچنین در محل مناسبی به صورت جداگانه اتاق و حوضخانه برای استراحت شخصیت های برجسته می ساختند.

طرز بنای آرامگاه های دوره سلجوقی ادامه و دنباله شیوه معماری مقبره های آل بویه و آل زیار که طرز بنای آنها بیشتر متأثر از مقبره های ناحیه شمال ایران است. بیشتر مقبره های این دوره در دو طبقه بنا شده اند؛ طبقه بالا مسجد مانند و طبقه زیرین دخمه و محل دفن اجساد بوده است. این مقبره ها در داخل با سقف و یا قبه نیم دایره ای شکل و در خارج متناسب با بدنه مقبره با گنبد مخروطی هرمی و یا قبه ای پوشانیده شده اند.

تزئینات قسمت مهمی از معماری و عناصر به کار رفته در معماری این دوره بوده است. سطوح خارجی دیوار بناها بدون هیچ گونه پوشش اضافی با نماسازی آجر عرضه می شده است. طرح های زیبای آجری شامل فرمهای خفته و راسته بادبزی بافت حصیری و اشکال مختلف هندسی و برآمدگی ها و فرورفتگی ها و ایجاد کتیبه هایی از آجر تراشیده جزو مشخصات معماری این دوره است. هنر آجر تراشی و تزئینی اینیه با آجرهای تراشیده از سده پنجم هجری قمری در ایران معمول میشود و راه تکامل خود را می پیماید. بعد از تبدیل خط کوفی به خط نسخ، تراشیدن آجر و تشکیل حروف و کلمات این خط با دشواری هایی مواجه می شود. لذا کتیبه ها و تزئینات آجری کمتر و گچبری جایگزین آن میشود. از این پس محراب ها و دیوارها با طرح های برجسته گچبری تزئین میشوند.

مسجد جامع اصفهان: این مسجد کاملترین نمونه چهار ایوانی دوره سلجوقی و همچنین زیباترین بنایی است که مجموعه کاملی از تزئینات دوران اسلامی ایران را دارد مسجد جامع اصفهان به دستور ملکشاه سلجوقی در محل مسجدی قدیم تر و به جای آن ساخته شد و بارها در دوره های بعد مورد بازسازی قرار گرفته و ملحقاتی به آن افزود

شده است. این مسجد در حقیقت مجموعه ای از معماریها و آثار هنری دوره های بعد از اسلام تاریخ ایران است. طبق نوشته مورخان و جغرافیانویسانی چون ابن حوقل و ناصر خسرو، شکل مسجد قدیمی ساده و شامل صحن بزرگ و رواق های متعدد بوده است. قسمت های مسجد جامع عبارت اند از:

گنبد خواجه نظام الملک این گنبد در قسمت جنوبی حیاط مرکزی واقع شده و بنابه کتیبه کوفی حاشیه قبه در سال ۴۶۵ الی ۴۸۵ هـ. ق توسط خواجه نظام الملک وزیر ملکشاه بنا شده است. نقشه این تالار مربع و اندازه هر ضلع آن ۱۵ متر است که در طرف قبله به دیواری که محراب را در بر میگیرد محدود میشود. گنبد بر چهار پایه تعبیه شده است. جهت نشاندن گنبد بر تالار چهار ضلعی ابتدا یک منشور کوتاه هشت ضلعی و روی آن یک منشور کوتاه شانزده ضلعی فراهم شده است و بدین ترتیب گنبد مدور به راحتی روی این قسمت برپاست.

گنبد تاج الملک، این گنبد بسیار زیبا که در قسمت شمالی حیاط مرکزی واقع شده و گنبد خاکی هم نامیده می شود، در سال در سال ۴۸۱ هـ. ق به دستور تاج الملک رقیب خواجه نظام الملک و وزیر دیگر دوره سلجوقی ساخته شده است. این گنبد، از نظر فن و زیبایی اثر موفق سلجوقی است قطر گنبد ۱۱ متر و بلندیش ۲۲ متر است. برای ایجاد قبه در بالا از قوسها و تزیینات در گوشه ها استفاده شده و تزیینات آن شامل کتیبه های کوفی و گچبری و آجر کاریهایی است که با دقت و ظرافت ساخته شده اند. ایوانهای مسجد ایوانهای چهارگانه مسجد کمی بعد از احداث گنبدها در حدود اواخر سده پنجم هجری قمری درست شده اند و عبارت اند از ایوان جنوبی یا صفا صاحب ایوان شمالی یا صفا درویش؛ ایوان شرقی یا صفا عمر بن عبدالعزیز؛ و ایوان غربی یا صفا استاد.

شبهستان ها شبهستان بزرگ شرقی و جنوبی با ستونهای مدور با آجر بنا شده و مزین به گچبری است در ایوان غربی شبهستان غربی جنب مسجد اولجایتو محمد یکی از زیباترین آثار هنری ایران را مشاهده میکنیم محراب اولجایتو از سال ۷۱۰ هـ. ق در اینجا واقع شده که از نظر ساخت و گچبری و کتیبه کوفی زیباست. سر در مسجد دارای تاریخ ۵۱۵ هـ. ق است و ساختمان وسط حیاط مرکزی از اینیه زمان صفوی است (مشکوتی ۱۳۴۹: ۲۶-۲۷) در آتش سوزی که سال ۵۱۵ هـ. ق در این مسجد رخ داده است غیر از دو بنای شمالی و جنوبی بقیه خراب شده که بعداً به صورت چهار ایوانی دوباره سازی شد. در تاریخ ۸۸۰ هـ. ق در زمان آق قویونلو مسجد بار دیگر مرمت شد که با کاشیکاری تزیین شده است. دو مناره ایوان جنوبی هم از عهد اوزون حسن است. در روزگار صفویه مسجد تعمیر و تزیینات فراوان شده است. بیشتر کاشیکاری و کتیبه در ایوانها معرف هنر این دوره است. در زمان فتحعلیشاه قاجار سردر جنوبی شرقی مسجد از نو ساخته و بناهای دیگری نیز احداث شده است. در این مسجد از انواع خطوط کوفی، ثلث و نستعلیق استفاده شده است.

گنبد علی

گنبد علی یا عالی، یکی از سالم ترین بناهای دوره سلجوقی و از قدیم ترین ابنیه تاریخی شهر ابرقونست این بنا در بالای تپه ای مشرف بر جاده و شهر قدیمی ابرقو قرار گرفته است (مصطفوی ۱۳۴۶: ۳). بر خلاف دیگر مقبره های ایرانی که بیشتر از آجر ساخته شده اند بنای سنگی این آرامگاه قابل توجه است. در این بنا ماده اساسی ساختمان بیشتر سنگ لاشه و ملات گچ است. نقشه بنا هشت ضلعی است که بدنه آن بر روی قاعده ای چهار گوشه که در گوشه ها یخ شده و از سطح زمین دو متر ارتفاع دارد بنا شده است. بنای گنبد کاملاً از سنگ است که با ملاتی که از مخلوط گچ و ماسه تهیه شده روی هم چیده شده اند. بدنه گنبد بسیار ساده و دقیق است که خطوط مشخص نیز دارد. این گنبد فاقد هرگونه عنصر تزیینی معماری است. قسمت بالای بدنه و ساقه گنبد که حاشیه سنگی پهنی از قطار بندی مقرنس دارد و نیز کتیبه کوفی با خطوط درشت در اطراف بدنه توجه بیننده را جلب میکند. این مقرنسهای زیبا و نسبتاً بدیع که در دو ردیف بین انتهای ساقه و پایه گنبد قرار دارند مانند کمربندی به دور بنا پیچیده اند. چنانکه از نقشه گنبد پیداست این مقرنساها از ساقه گنبد برجسته ترند و به صورت قرنیز کتیبه های پایتر از خود را در برابر برف و باران محافظت میکنند. مقرنساها با اینکه از سنگهای شکسته ساخته شده اند ظرافتی فوق العاده دارند. با وجود اینکه ارتفاع گنبد چندان زیاد نیست این سه ردیف مقرنس و کتیبه کوفی به منظره ماندگار گنبد می افزاید. پهن بودن حلقه مقرنس و رنگ ملایم و سرد آن در مقابل نوار باریک کتیبه که رنگ آجری دارد تضاد بسیار زیبا و دلنشینی به وجود آورده است پارسای قدس ۴۳:۲۵۳۶). گنبد مدور ساده سنگی که برفراز برج استوار است با آجرهای نازک عهد سلجوقی پوشیده شده است. در حال حاضر نوشته یا سندی معتبر که بتواند از چگونگی پوشش آن در گذشته آگاهی دهد در دست نیست اما برجستگی زیاد مقرنساها در انتهای ساقه گنبد حاکی از این است که گنبد در گذشته دو پوشه بوده که با گذشت زمان کلاhek هرمی شکل آن فرو ریخته است. ... در ورودی گنبد به بلندی ۲۰/۱ متر رویه شمال و در داخل طاقی که قوس جناغی دارد (افشار، ۱۳۴۸: ۳۵۹) تعبیه شده است. طاق این مدخل روی دو نیم استوانه فرورفته و تو خالی قرار گرفته که تکامل یافته این نیم ستون ها در آثار بعدی به صورت نیم ستونهای تزیینی برجسته در گنبد سرخ مراغه و گنبد خرقان به کار رفته است

(پارسای قدس ۲۵۳۶ : ۴۴) سر در مقبره کتیبه ای کوفی دارد که نام بانی بنا نیز روی آن حک شده است. از متن کتیبه آجری بالای ساقه گنبد استنباط میشود که گنبد در سال ۴۴۸ هـ. ق به فرمان فیروزان نامی برای پدرش عمیدالدین شمس الدوله هزار سپ از خاندان دیلمیان ساخته شده است. از کتیبه دیگری که بالای مدخل مقبره قرار گرفته چنین بر می آید که مادر بانی گنبد نیز در همین آرامگاه دفن شده است. بلندی این بنای دوره سلجوقی حدود ۱۲ متر و ضخامت دیوارهای آن حدود ۵/۱ متر است گدار ۱۳۵۸ : ۲۵ نقشه داخل برج شبیه نقشه بیرونی آن هشت ضلعی است و دیوارهای صاف و هموار دارد که در بالا به دو نغول طاقی سه برگه منتهی میشود. انتقال از هشت گوشه به دایره به وسیله نیم طاق ها صورت گرفته است. در اینجا نیم طاق ها بسیار ساده و ابتدایی اند که تکامل یافته آن را در نیم طاق های مسجد جامع اصفهان و گنبد سرخ مراغه میبینیم. در این گنبد فقط محراب کوچک گچکاری شده وجود دارد که در حال حاضر نشانه های مختصری از آن باقی مانده است. داخل مقبره سردابی به طول ۹۰/۳ و عرض ۸۰/۲ متر و ارتفاع ۵/۱ متر وجود دارد که محل دفن جسدها بوده است. امروز این دخمه کاملاً خالی است (پارسای قدس ۲۵۳۶ : ۴۴).

گنبد سلطانیه

بنای عظیم تاریخی گنبد سلطانیه یا مقبره سلطان محمد اولجایتو (خدابنده) که یکی از زیباترین بناهای اسلامی و شاهکاری از معماری دوره ایلخانی است در بین سال های ۷۰۴ - ۷۱۳ هـ. ق (مشکوتی ، ۱۳۴۹ : ۱۷۵) ، حدود چهل کیلومتری شهری زنجان بنا شده است. فکر اولیه سلطان محمد اولجایتو از به وجود آوردن این مقبره مجلل و عظیم این بوده است که این محل را مرکز اسلامی و نقطه عطفی در سرزمین تشیع آن روز کند. به همین دلیل قصد داشت که جسد حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) را از عراق به آنجا منتقل کند (گدار ، ۱۳۵۸ : ۴۳۴). با توجه به این موضوع در تزینات و شکل بنای سلطانیه تغییرات خاصی داده شد. اما این فکر و قصد هرگز عملی نشد و سرانجام خود اولجایتو در این مقبره به خاک سپرده شد.

مسجد جامع ورامین

مسجد جامع ورامین یکی از کاملترین مسجدهای چهار ایوانی است که در سال ۷۲۲ هـ. ق به فرمان سلطان ابوسعید بهادرخان ایلخان بنیاد نهاد شده است. مسجد هم از لحاظ ساختمان عظیم و گنبد عالی آجری دارای مقام و منزلت صنعتی مهمی است و هم به واسطه داشتن تزینات فراوان کاشیکاری معرق، گچبری، کتیبه های تاریخی و انواع خطوط مختلف جزء آثار مهم هنری ایران به شمار میرود ساختمان مسجد در حال حاضر شامل سردر طاقنماهای اطراف دو رواق شمالی و جنوبی، شبستان، ایوان و گنبد است (مشکوتی ، ۱۳۴۹ : ۲۷۳) گنبد عظیم مسجد از سایر قسمتهای بنا مرتفع تر است. برای دید بیشتر گنبد سردر ورودی و سر در شبستان هر دو کوتاه تر ساخته شده است. ارتفاع گنبد حدود ۲۴ متر و قطر داخلی آن ۵/۱۰ متر است. برجسته ترین قسمت تاریخی و تزینی این جامع کتیبه کاشی است که در متن لاجوردی نصب شده است. در شبستان مسجد و ایوان رفیع آن تزینات جالبی از ساختمان آن باقی مانده است که از لحاظ اشکال هندسی و ریزه کاری و ظرافت نقش و نگار کم نظیر است. در داخل شبستان درون دو قباب آجری لوحی از زمان شاهرخ بهادر تیموری نصب شده که مورخ به سال ۸۲۱ هـ. ق است. دور صحن مسجد را طاقنماهایی احاطه کرده اند و پشت اینها راهروهایی است که سقفهای هلالی دارند. این سبک ساختمان بر عکس ساختمانهای عصر گذشته است. نقشهای گوناگونی که روی طاقها گچبری شده اند چشم انداز قشنگی دارند. در طرف قبله این مسجد سر در بزرگی است که به فضای زیر گنبد منتهی میشود در اینجا نیز کاشی آبی زیبایی به کار رفته و چون روی زمینه آجر طبیعی ساخته شده رنگ آن خوب نمایانده شده است. گنبد مسجد با همه عظمت کوتاه و پایه های آن ضخیم است و قسمتی از آن را مقرنس کاری آجری گرفته است. خصایص سه گانه فضای زیر گنبد یعنی دیوارهای کوتاه تبدیل قسمت بالای دیوارهای محوطه مربع برای ساختن گنبد مدور و خود گنبد واضح اند؛ و از این حیث به نظر می رسد که سبک آن از ساختمان های عصر پیش است. در فضای زیر گنبد محرابی است که گچبری مفصلی دارد. این محراب در زمان شاهرخ موقع تعمیر مسجد ساخته شده ولی کاملاً تمام نشده است (ویلسن ، ۱۳۱۷ : ۱۷۹ - ۱۸۰). با وجود این یکی از زیباترین و پرکارترین محراب های گچبری شده ایران به شمار می رود.

مسجد کبود تبریز

مسجد کبود تبریز یکی از بناهای زیبای سده نهم هجری قمری است که در زمان جهانشاه قره قویلو و به دستور دخترش صالحه خاتون بنا شده است. سردر اصلی مسجد نمونه ممتازی از تزین کاشیکاری است. در این کاشی ها، رنگ های آبی باز ، آبی پررنگ ، خاکستری و سبز چمنی و پررنگ به کار رفته است؛ در بعضی قسمت ها گل و بوته و شاخه هایی که طلاکاری بوده نیز دیده میشود. اگر این مسجد را نمونه کامل صنعت در دوره تیموری بدانیم گراف نیست زیرا معرف هایی که برای زینت به کار رفته با کمال دقت و مهارت و استادی کار گذاشته شده است و نقاشی رنگارنگ آنها تقریباً همان گونه است که صنعتگران در تزین و تذهیب صفحه های کتاب ها به کار می برده اند. گذشته از این

معرق‌های لعابدار با رنگ‌های متعدد گواه آن است که در آن روز مردم در ماوراءالنهر تا چه اندازه شیفته رنگ‌آمیزی بوده‌اند. هر چند که هنرمندان و صنعتگران ایرانی در تزیینات این مسجد از رنگ‌آبی بیشتر از رنگ‌های دیگر استفاده کرده‌اند. هماهنگی رنگ‌های طلایی قهوه‌ای و سبز زیتونی آن گواه صادق حسن سلیقه آنان در ترکیب زیباترین رنگ هاست (نصیری انصاری ۱۳۵۰: ۲۵۲). نقشه این مسجد با دیگر مساجد زمان تیموری هیچ گونه وابستگی ندارد، تنها بناهای مشابه آن را در مساجد اولیه عثمانیها در ترکیه میتوانیم ببینیم. این مسجد اگرچه فاقد صحن و حیاط مرکزی است صحن مرکزی که با گنبد پوشیده شده به صورت چهار ایوانی ساخته شده است. مسجد در اثر زلزله فروریخته و جز چند چرخ پایه شبستان و قسمتی از دیوار خارجی و جبهه آن چیزی باقی نمانده است. در وسط قسمت جلوی بنا، طاق عظیم کاشیدار و مدخل نیم گنبدی باقی مانده ... تاریخ ختم بناء ماه رجب ۸۷۰ هـ. ق در هر گوشه جلوخان مناره مدوری ساخته شده است. پشت سر در دالان گنبدداری بوده و عقب آن محوطه زیر گنبد است. این فضا به شکل کثیر الاضلاع هشت ضلعی است و هشت طاق گنبد را نگاه داشته است. در طرفین دالان طاق‌های گنبدداری بوده و در هر طرف آنها هم طاق‌های گنبددار دیگر که به گوشه جلوی بنا منتهی میشده است. در طرفین فضای زیر گنبد طاق‌هایی وجود داشته و در عقب آن محوطه گنبدداری که از فضای زیر گنبد اصلی کوچکتر بوده است. روی دیوارهای این محوطه تکه‌های قشنگ سنگ مرمر بوده و داخل گنبد با کاشی سورمه‌ای به رنگ آسمان نیمه شب تزیین و با طلا مزین شده بوده است. (ویلسن، ۱۳۱۷: ۱۸۵). زویمم رفته چیزی که مسجد کبود تبریز را به صورت شاهکار در هنر کاشیکاری در آورده در حقیقت چگونگی ترکیب نقش کار و بالاخص رنگ‌های تازه و متنوع آن است. البته نباید از تماشای بقایای این بنا تأثیری را که وضع معمور قدیم آن به بیننده می‌بخشیده جستجو کرد؛ زیرا از کاشی‌های عالی و نفیس قدیم جز لکه‌های رنگین پراکنده ای باقی نمانده اما آنچه مانده اصیل و در جای اصلی خود هستند. (گدار، ۱۳۵۸: ۴۵۷). در سر در مسجد کتیبه‌ای به رنگ لاجوردی بر زمینه سفید نصب شده که عالی‌ترین نمونه معرقکاری در تمام دوره اسلامی به شمار می‌آید. بنابر کتیبه‌ای که در سر در موجود است مسجد در سال ۸۷۰ هـ. ق بنا شده است (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۶). این مسجد یکی از معدود مسجدهای تماماً مسقف ایران است که آب و هوای سخت تبریز آن را ایجاب نمیکرده است (پوپ، ۱۳۶۶: ۲۰۶).

مدرسه غیاثیه

این مدرسه در نزدیکی مرز افغانستان در چهار کیلومتری شرق خواف و کنار دهکده خرگرد خار گرد واقع شده است. طبق تاریخ کتیبه این مدرسه در سال ۸۴۸ هجری به دست دو معمار ایرانی به نامهای استاد قوام الدین شیرازی و غیاث الدین شیرازی ساخته شده است. بانی مدرسه خواجه غیاث الدین پیراحمد خوافی وزیر سلطان شاهرخ بها در تیموری است مشکوتی ۱۳۴۹: ۹۴ این مدرسه که چهارگوش ساخته شده چهار ایوان دارد که دهانه هر ایوان آن ۵/۴ متر و بلندی آن ۱۱ متر است که شامل ۳۲ حجره فوقانی و تحتانی است و تزیینات آن از کاشی و سنگ مرمر است (نصیری انصاری ۱۳۵۰: ۲۴۲) این مدرسه کاملترین نمونه مدارس چهار ایوانی است. آنچه در این مدرسه قابل ملاحظه است. وجود چهار برج مدور در دو گوشه مدرسه است که قسمت بالای آنها فرو ریخته‌اند بیشتر این برج‌ها و نیز سردر ورودی و دیوار طرفین با کاشی‌های رنگین و معرق تزیین شده است.

در بین این تزیینات رنگین کلمه الله زیاد به چشم می‌خورد. نمای مدرسه به طرز بسیار جالبی با کاشیکاری گچبری و طرحهای آجری آرایش شده است. طاق گنبدی شکلی که در سمت چپ مدخل بنا ساخته شده از زیبایی‌های این مدرسه است که معمار قوام الدین آن را ساخته است.

به طور کلی میتوان مدرسه غیاثیه خارگرد را نمونه کامل هنر معماری مدارس دوره تیموری به شمار آورد.

مسجد امام (شاه)

یکی از بناهای بسیار زیبای دوره صفوی مسجد امام اصفهان است. این مسجد در ضلع جنوبی میدان نقش جهان واقع شده است و در حدود سال‌های ۱۰۲۱ - ۱۰۴۰ هـ. ق (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۴۶) در زمان شاه عباس اول و شاه صفی اول صفوی ساخته شده است. این مسجد برخلاف مسجد شیخ لطف الله نمایی بزرگ و چشمگیر دارد که با ایوانی در مدخل و دو مناره بلند نمای جنوبی میدان امام را رونق بخشیده است. مدخل یا درگاه ورودی مسجد به ارتفاع ۲۹ متر در جهت شمال و مشرف به میدان است، اما بنای مسجد لزوماً به طرف جنوبی غربی یعنی به طرف قبله، جهت یابی شده است و مسئله تغییر جهت در راهرو و وردی طوری استادانه حل شده است که بیننده کمتر متوجه آن میشود (نصیری انصاری ۱۳۵۰: ۲۵۸). مسجد به شکل چهار ایوانی طراحی و در اطراف حیاط ایوانها و غرفه‌های دو اشکویه بنا شده است. ایوانی که به فضای زیر گنبد منتهی میشود در هر طرف مناره ای تقریباً به بلندی ۴۸ متر دارد.

کتیبه های متعدد در شبستان شرقی گنبد جنوبی و سایر قسمت های مسجد روی کاشی معرق و هفت رنگ خشتی نوشته شده و زیر گنبد بالای محراب کتیبه ای به خط محمد صالح اصفهانی نقش شده است. در دو طرف محوطه زیر گنبد دو شبستان قرار گرفته است که سقف هر یک از آنها با هشت گنبد کوچک پوشیده شده که بر ستونهای سنگی ظریف استوار شده اند. تمام بدنه و سقف این دو شبستان نیز مانند محوطه زیر گنبد با کاشی های خوش رنگ زینت شده و پنجره های مشبک ظریفی دارد. همچنین هر یک از شبستانها محراب جداگانه ای دارند که در اطراف آن کتیبه ای به خط ثلث توسط محمدرضا امامی نوشته شده است. در دو زاویه صحن مسجد بنای دو مدرسه سلیمانی و ناصری جلب توجه میکند هر دو مدرسه در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده اند ولی به علت تغییراتی که در زمان ناصرالدین شاه قاجار در مدرسه ناصری انجام شده به این نام معروف شده است.

به طور کلی ساختمان این مسجد از لحاظ معماری نمایانگر یک هزار سال مسجdsازی در ایران است. سنتهای شکل دهی آرمان ها، شعایر و مفاهیم دینی، نقشه که از ترکیب انواع قدیم تر و ساده تر به آرامی کمال یافته، عناصر بزرگ ساختمانی و تزیینات همه در مسجد امام با عظمت و شکوهی که آن را در شمار بزرگترین بناهای جهان قرار داده تحقق و یگانگی یافته است (پوپ ، ۱۳۶۶ : ۲۱). به گفته آندره گدار این مسجد از ابتدا یکی از عجایب عصر خود بوده و در واقع به واسطه شکوه و عظمت هنری شایستگی این مقام را داشته است.

مناره های بلند کاشیکاری زیبا گنبد عظیم و سنگاب بزرگ تاریخی مسجد از شاهکارهای سده یازدهم هجری قمری ایران به شمار میرود. این مسجد زیبا مهمترین بنای دوره شاه عباس و درخشنده ترین اثر هنر معماری عصر صفوی است؛ بنایی که نمایانگر اوج و کمال این هنر است. قابل توجه است که انحطاط این هنر از همین زمان آغاز میشود (گدار ، ۱۳۶۸ : ۸۹).

کاخ عالی قاپو

این کاخ عظیم در ضلع غربی میدان نقش جهان اصفهان میدان امام مقابل مسجد شیخ لطف الله و به فرمان شاه عباس اول در اوایل سده یازدهم هجری قمری ساخته شده است. طبق مدارک تاریخی در محل فعلی کاخ شالوده بنایی از دوره جانشینان تیمور ریخته شده ولی در دوره صفوی تجدید بنا شده است. این کاخ دارای دروازه ای بزرگ و شش طبقه ساختمان است؛ در هر طبقه تزیینات گچبری و نقاشی هایی وجود دارد. ارتفاع کاخ حدود ۴۸ متر است (مشکوتی ، ۱۳۴۹ : ۴۹-۵۰). از طبقه اول دو راهرو با پلکان مارپیچی تا طبقه آخر ادامه دارد. ایوان طبقه سوم بنا و سقف چوبی آن که بر فراز ۱۸ ستون استوار است همچنین حوض مسی آن از دوران شاه عباس دوم به یادگار مانده است (هنر فر ، ۱۳۴۴ : ۴۲۲). تالارهای بزرگ این کاخ که محل حضور رامشگران و هنرمندان عصر صفویه بوده است در طبقه ششم بنا قرار دارند. تزیینات گچبری مجوف و تو خالی دیوارها و طاقچه های این طبقه نشان دهنده هنر عالی دوره صفویه است. سقف ایوان بزرگ با صفحات بزرگ نقاشی و خاتم کاری شده است. زیبایی این کاخ بیشتر به واسطه دیوارهای رنگینی است که از بالا تا پایین زرین بوده و با مذهب کاربرهای بسیار جالب و رنگارنگ تزیین شده اند. در این نقش و نگارهای زرین قسمت هایی از دیوار دیده میشود که سفید مانده و قسمت های دیگر به نقوش خاکستری آراسته شده اند که منظره زیبایی به وجود آمده است. همه گچبری ها و نقوش برجسته و زیبا و گوناگون درهم و برهم و بی نظم نیست و به همین دلیل بی اغراق می توان گفت زیباتر از این چیزی نمیشود باشد (گدار ، ۱۳۶۸ : ۶۳).

آندره گدار به نقل از شاردن سیاح مشهور فرانسوی، در وصف نام عالی قاپو می گوید: سر در بزرگ رو به میدان شاه واقع گشته و آن را عالی قاپو می گفتند و معنای این کلمه در بلند یا در مقدس است؛ و برخلاف آنچه بعضی به واسطه قرابت لفظ علی با عالی تصور میکنند علی قاپو است صحیح آن عالی قاپو است. تمام آن از سنگ سماق ساخته شده و خیلی مرتفع است. آستانه آن نیز از سنگ سماق سبز رنگ ساخته شده مردم ایران آن را مانند شینی مقدس تکریم میکنند. برای رسانیدن آب به فواره های حوض گاوان سه چرخ را به حرکت در می آورند. هر یک از این سه چرخ طبقه مجزا و روی هم کار گذاشته شده اند و دیدن فواره های آب در چنین مکان مرتفعی حقیقتاً تعجب آور است. این کاخ که یکی از زیباترین ابنیه زمان صفوی است مدتی نیز محل اداره شهرداری اصفهان بوده است و اکنون به صورت خوبی نگهداری میشود.

کاروانسرای مهیار

بنای این کاروانسرا حدود ۵۰ کیلومتری جنوب اصفهان و در ۳۰ کیلومتری شهرضا در قریه مهیار واقع شده است. این کاروانسرا به ابعاد ۸۹۸۲ متر و به سبک چهار ایوانی بنا شده است (سیرو ۱۹۴۴ : ۱۱۲) حیاط مرکزی کاروانسرا مستطیل شکل و ابعاد آن ۴۸۳ متر است. اطراف حیاط مرکزی ۳۰ اتاق جای گرفته و چهار اصطبل سراسری که

ورودی آنها در چهارگوشه کاروانسرا است برای چهارپایان ساخته شده است. این کاروانسرا که از نمونه های عالی و برجسته سبک معماری و ساختمانی سراهای کاروانی صفوی است (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۶۴). به دوره شاه اسماعیل صفوی نسبت داده میشود.

در کنار محراب مسجد پله ای برای هدایت مؤذن به بالای ساختمان دیده می شود. یک حمام عمومی در خارج کاروانرا به وسیله مردم ساخته شده بود. در ورودی کاروانسرا از سادگی مخصوصی برخوردار و طاق نماها و نوارهایی که آن را محدود می کرد با سنگ تراشیده ساخته شده بود تعدادی مقرنس تزئینی قسمت بالای طاق سردر را زینت داده است. در نمای سردرها زینت هایی از کاشی تراشیده نیز دیده میشود که قسمت عمده آن از بین رفته است. در طرفین در ورودی کالسکه رو چهار در به چهار طاق راه دارد طاق نگهبان کاروانسرا و ناظر اصطبل ها که در برابرشان سکویی قرار داده شده و از آنجا با پلکانی به بالاخانه ها راه می یابند.

در چهار طرف حیاط وسیع مرکزی ایوان های کوچکی در جلوی طاق مسافران قرار گرفته و ایوانهای اصلی که در میان ایوان کوچک قرار گرفته اند و از آنها بزرگترند از دو طرف با طاق نماهایی محدود میشوند در هر ایوان نیز یک بخاری دیواری ساخته شده است. کف طاق ها و ایوان ها از آجر پوشیده شده است. پوشش اصطبل به این طریق انجام گرفته که روی قوسهایی که در طرفین آن ساخته اند گنبدهایی قرار داده شده است. این نکته از نظر اصول ساختمانی مبین پیشرفت قابل توجهی است. طاقچه هایی که طرف دیوار خارجی کاروانسرا است برای بارونه است. و طاقچه ها یا سکوهایی که در برابر آنها و پشت طاق مسافران قرار دارد محل مالداران و مهتران است. در داخل این سکوها نیز دو طاقچه کوچک و یک بخاری دیواری قرار دارد. این تشکیلات در تمام کاروانسراهایی که بعد از این ساخته شده رعایت شده است. مصالح ساختمانی که در این کاروانسرا به کار رفته سنگ و آجر است. به کار بردن پایه های سنگی در این کاروانسرا موجب شده که این ساختمان نسبتاً سالمتر از دیگر ساختمان های هم نوعش باقی بماند (سیرو، ۱۹۴۴: ۱۱۵-۱۱۳).

پل های دوره صفوی

در دوره صفویه پل های متعددی ساخته شده که از نظر زیبایی و سبک بسازی بسیار جالب توجه اند. دو مجموعه پل روی زاینده رود در اصفهان به بهره برداری استادانه از روی رودخانه با نسیم خنک و جریان زندگی بخش آب اختصاص یافته است. این پلها نه تنها برای عبور بلکه برای توقف هم طراحی شده اند و در آنها جاهایی برای تفرج وجود دارد. به عبارت دیگر این پلها بیش از آنکه وسیله عبور از رودخانه باشند، اغلب از لحاظ تناسب و زیبایی جلوه چشمگیری داشته و قدرت و برازندگی خاصی را نمایش می داده اند (پوپ، ۱۳۶۶: ۲۳۷) از دو پل الله وردیخان و پل خواجه هنوز هم استفاده میشود قابل توجه است که همزمان چند صد نفر میتوانند روی هر یک از این پلها استراحت و تفریح کنند و هر دو پل معرف ویژگی انسانی معماری ایرانی است.

پل خواجه

این پل در سر راه قدیم اصفهان به شیراز ساخته شده است و به نام پل حسن آباد و پل با بارکن الدین نیز خوانده شده است. ساختمان امروزی پل خواجه که نام اصلی آن پل شاهی است با تمام مشخصاتی که هم اکنون دارد از دوران صفویه است و در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۰ هـ. ق به اتمام رسیده است (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۵۴). این پل را تنها به منظور عبور و مرور بنا نکرده اند بلکه از آن به منزله سد و بند نیز استفاده می کردند؛ با مسدود کردن دهانه های زیرین پل قسمت غربی آن به صورت دریاچه ای در می آمده است. امتیاز پل خواجه بر سایر پلهای زاینده رود، غیر از اختلاف معماری تزئینات کاشیکاری فراوان آن ن است پشت بغلای چشمه های پایین و غرفه های بالا و بنای دو بیگلربیگی نشین روی پل و نمای غرفه های طرفین پل با کاشیهای الوان هفت رنگ تزیین شده و داخل اطاقها و گوشواره های بیگلربیگی نشینهای روی پل که اقامتگاه تفریحی پادشاه بوده نقاشی شده است (هنر فر، ۱۳۷۲: ۱۸۸). ساختمان کلی پل از سنگ و آجر است. طول پل ۱۳۲ و عرض آن ۱۲ متر است و در طرفین جاده اصلی راهروی سرپوشیده ای برای پیاده ها ساخته شده است.

سی و سه پل (الله وردیخان)

این پل در انتهای جنوبی خیابان چهار باغ و بر روی زاینده رود واقع شده است و دارای سی و سه چشمه (دهانه) است. بنا به امر شاه عباس اول ساختمان آن در سال ۱۰۱۱ هجری آغاز گردید یکی از سرداران شاه عباس بنام الله وردیخان مأمور اتمام این پل شد از این رو به نام پل الله وردیخان نیز شهرت دارد. این پل آجری حدود ۳۰۰ متر طول و ۱۴ متر عرض دارد.

مدرسه و مسجد آقابرگ

این بنای زیبا و مشهور که متعلق به دوران قاجار و سده سیزدهم ه. ق است. از لحاظ شیوه معماری و ساختمانی بی نهایت ارزنده است. معماری خاص این بنا مطابقت کامل با آب و هوای گرم و خشک کاشان دارد گنبد عظیم و دو مناره کاشیکاری شده آن در حال حاضر بلندترین ابنیه تاریخی شهر کاشان اند. در سردر مدرسه کتیبه ای است به خط نستعلیق که تاریخ آن مربوط به سال ۱۲۶۸ هـ. ق است (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۲۶۸) ساختمان گنبد بزرگ آجری و شبستانهای زمستانی و سرپوشیده آن در طبقه دوم بنا واقع شده است. صحن مدرسه همراه با حجره ها زیباست. در چهار بدنه مدرسه کلیه پشت بغلهای آن مزین به کاشیکاری است. طبقه اول که همکف با حوض است و باغچه بندی شده است به مدرسه اختصاص داشته و در سه طرف آن دوازده حجره و اطاق مدرسین ساخته شده است. در چهار زاویه راهرو و پلکانهایی برای طبقه پایین و بالا و حجرات مدرسه وجود دارد. گنبد بنا دارای پوشش آجری است و بر دو گوشواره ایوان مرتفع جلوی گنبد دو مناره با پوششی از کاشی معرف ساخته شده است. محوطه زیر گنبد از چهار جانب باز و هواگیر است اما بعدها شبستان زمستانی وسیعی در سمت غربی آن بنا کرده اند. سقف ایوان بزرگ و چشمه های اطراف گنبد همگی با آجر تراش و کاشی مقرنسکاری و طاقبندی شده است.

محراب بزرگ و زیبای مسجد که در زاویه جنوب شرقی گنبد واقع شده، دارای مقرنسکاریهای گچی و نقاشی است. در قسمت تحتانی زاویه جنوب شرقی گنبد ساختمان مفصلی است که دارای حوضخانه ابریزگاه آب انبار و چاه آب است. علاوه بر شبستان مجاور گنبد شبستان دیگری در قسمت تحتانی سر در مسجد واقع است. نکته قابل توجهی که در ساختمان مسجد آقابزرگ دیده میشود اصرار در به کار بردن آجر و نشان دادن حجم و تناسب اصلی بناست وجود بادگیرها باعث خنکی فضای مسجد در تابستان میشوند. این مدرسه و مسجد جهت نماز جماعت و تدریس و بحث حاج ملا مهدی نراقی دوم ملقب به آقابزرگ بنا شده است. داخل شبستان دارای خطوط گچبری شده از ثلث برجسته است و در روی کاشی ازاره محراب تاریخ ۱۲۴۶ هـ. ق مشاهده میشود.

کاخ گلستان

در زمان شاه عباس اول صفوی در محل کاخ گلستان فعلی تهران عمارت دیوانی چهارباغ و چنارستانی احداث شده بود بین سالهای ۱۱۹۳-۱۱۹۳ هـ. ق. همزمان با حکومت کریم خان زند ارگ و حصار و برجهایی در این مکان ساخته شد (نصیری انصاری، ۱۳۵۰: ۳۰۱). سپس در دوران قاجاریه به تدریج بناهای سلطنتی چندی در دوران ارگ ساخته شد. ناصرالدین شاه قاجار قسمت شرقی باغ سلطنتی را وسعت داد و کاخهای دیگری نیز در اطراف باغ که به نام گلستان خوانده می شود بنیان نهاده شد. مجموعه کاخهای ضلع شمالی باغ گلستان شامل تالار موزه سرای ورودی تالار عاج، تالار بلور تالار نارنجستان و تالار آینه قبل از سایر قسمتهای کاخ ساخته شده اند. تاریخ احداث ساختمان تالار موزه یا همان تالار تاجگذاری سال ۱۲۹۶ هـ. ق است. در شاه نشین تالار سلام کاخ گلستان تخت زرین جواهرنشان بزرگی به نام تخت طاووس قرار دارد که باید همان تخت خورشیدی باشد (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۹۹).

از زمان فتحعلیشاه قاجار تخت طاووس و تخت نادری در شاه نشین تالار بزرگ کاخ گلستان قرار دارد. این تالار بزرگترین و مجلل ترین تالار کاخ گلستان و محل انجام مراسم سلام بوده است از نظر نقشه عمومی تالار کاملاً همانند کاخ عهد ساسانی دامغان است. بدیهی است که نمیتوان عامل دیگری جز تداوم شیوه سنتی معماری اصیل ایرانی را که نسل به نسل استادان معمار و بنا حفظ کرده و به کار برده اند. در چنین اثر همانندی مؤثر دانست طبقه زیرین تالار مزبور مشتمل بر حوضخانه مستطیلی با چهار شاه نشین بزرگ است که از طرحهای بسیار معمول معماری ایران از دوران ساسانی به بعد شمرده میشود تالارهای بزرگ و متعدد دیگر مثل تالار آینه تالار سفره خانه تالار برلیان و سرسرای بزرگ که مجاور یا متصل به تالار موزه است آمیختگی معماری کشورهای اروپایی را با معماری ایران در آن زمان نشان میدهد که به فراخور نیازمندیهای کاخ سلطنتی ترکیب شده است (مصطفوی ۱۳۴۶: ۹۷) در سال ۱۳۸۴ هـ. ق، کاخ پنج طبقه شمس العماره با سردر و نقش شیر و خورشید در قسمت شرقی باغ کاخ گلستان احداث شد. عمارت بادگیر و تالار الماس که در جنوب باغ واقع شده از آثار دوران ناصری است. کاخ مشهور ابیض در ضلع غربی باغ و در زمان مظفر الدین شاه ساخته شده است. سلسله کاخها و بناهای سلطنتی دیگری در شمال و جنوب کاخ گلستان وجود داشته که بر اثر احداث بناهای تازه از بین رفته است (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۹۹). چگونگی معماری کاخها و باغهای مختلف سلطنتی با شخصی که در دوران سلطنت قاجاریه در تهران و شهرهای دیگر ایران بنا شده اند میرساند که ارتباط بیشتر ایران با مغرب زمین باعث شده است از طرفی عوامل معماری ایرانی با روشن بینی و توجه بیشتری در این گونه ابنیه به کار رود و از سوی دیگر معماری مغرب زمین با معماری ایران آمیخته شود و از این آمیختگی آثار هنری دلپسندی به وجود آید که هم با مقتضیات اقلیمی ایران مطابقت داشت و هم رفاه و آسایش در خور زندگی آن زمان را دارا بود.

مدرسه و مسجد سپهسالار (مطهری)

مدرسه سپهسالار یا ناصری تهران که امروز به نام مدرسه عالی مطهری نامیده می‌شود، از مدارس بزرگ و زیبای قرن سیزدهم هجری قمری است. بانی این بنای عظیم و ساختمان سابق مجلس شورای ملی شادروان حاج میرزا حسن خان سپهسالار قزوینی صدر اعظم دوره ناصرالدین شاه قاجار و برادرش مشیر الدوله بوده‌اند. آغاز ساختمان این بنای معتبر در سال ۱۲۹۶ هـ. ق است. مجموعه این بنای با شکوه شامل جلوخان، سر در دهلیز ساختمان دو طبقه حجرات چهار ایوان و مقصوره گنبد عظیم شبستان (چهلستون) هشت گلدسته و مناره کاشیکاری و مخزن کتابخانه معتبری است.

در ورودی اصلی مدرسه در حاشیه خیابان بهارستان قرار دارد. همچنین از ضلع شرقی دری به طرف مسجد و مدرسه باز میشود در این دهلیز شاهکاری از معماری و کاشیکاری معروف به هفت کاسه طاق معلق به یادگار مانده است. بالای ایوان شمالی هم ساعت بزرگی نصب شده است. در این مدرسه و مسجد کتیبه‌های بی شماری بر کاشی نقش شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از اشعاری از سنایی در منزلت علم و عالم، که در اطراف ایوان غربی نصب شده و دیگری کتیبه‌ای حاوی مفاد وقفنامه است. متن این وقفنامه به خط نستعلیق در سراسر صحن مدرسه و حجرات طبقه اول بر کاشی نوشته شده است.

بخش هشتم: تزیینات در معماری

فصل دهم: آجرکاری

گل. یکی از مهمترین مصالح ساختمانی در معماری ایرانی است که به شکلهای متفاوتی چون خشت خام و پخته و کاهگل به کار میرود گل ویژگیهای بسیار دارد آسان و ارزان یافت میشود قالب گیری آن به سرعت انجام میگردد از انعطاف بسیار برخوردار است و به هر شکلی در می آید گل رس سرند شده که همه ناخالصیهایش گرفته شده است، برای ساختن آجر به کار میرود افزودن ماسه به گل رس مقاومت بیشتری در برابر فرسایش آب به آن میبخشد. این نوع خشتها را ابتدا در هوای آزاد به حال نیمه خشک در می آورند و سپس در کوره میپزند و تبدیل به آجر میکنند. ابعاد آجر در گذشته متغیر بوده است. اندازه‌های آجر به فراخور فضایی که میباید پر کنند تغییر می کنند. آجر یکی از مصالح متداول ساختمانی در سراسر خاور نزدیک در دوران باستان بوده است و در هزاره‌های پیش از میلاد در ایران به کار می رفته است. اما از امکانات آرایشی آن تا مدت‌ها پس از آغاز دوره اسلامی بهره برداری نشده است زیرا ماده اصلی برای آرایش رویه ساختمانها بیشتر گچ بوده است. آجر معمولی و به اندازه مقرر به رسم دوره‌های قدیم که به زمان قبل از اسلام میرسد شکل مربع داشت. تغییرات عمده در اندازه آجر معمولاً در نتیجه تغییر نوع و طریقه ساختمان حاصل میشود و در ایران این گونه تغییر بندرت صورت میگرفت و محافظه کاری سازندگان سبب می شد که طی ادوار طولانی در شکل و اندازه واحدهای مختلف تغییر داده نشود» (ویلر ۱۳۶۵:۵۱)

کاربرد آجر در بنا از زمانی که اشکال مختلف معماری در تنوع و مقدار زیاد شد، مورد توجه بیشتر قرار گرفت در حقیقت تکامل آجرکاری برای این مقصود بسیار مناسب بود و چون آجر ساده در دیوارهای بزرگ و یا در سطوح وسیع ساختمانها هیچگونه تنوع و زیبایی نداشت معماران هنرمند برای آنکه از این یکنواختی مدال آور پرهیز کنند دو طریقه را در استفاده از آجر بکار گرفتند یکی آجر چینی برجسته که با تفاوت سطح طرحهایی در بدنه دیوار پدید می آورد؛ و دیگری آجرچینی مسطح به اندازه‌ها و رنگهای مختلف که سطح وسیع دیوار را زینت میبخشید و این روش همان روشی است که در هنر معماری ایران گره سازی مینامند.

یکی از عوامل اصلی که در کاربرد خشت و آجر به عنوان مصالح اصلی بنایی در برخی جاهای ایران و بین النهرین تأثیر داشته کمبود سنگ مناسب در این سرزمین ها بوده است. از سوی دیگر بودن خاک رس خوب در ایران و بین النهرین خود مشوقی برای ساختن خشت و آجر و کاربرد آن در ساختمانها بکار می آمده است. دیگر اینکه همواره اندازه خشت و آجر به دست سازنده بوده و موجب گشته که در طی تاریخ ساختمان در ساختمانهای آجری آزادی عمل زیادی وجود داشته باشند. سازندگان با استفاده از واحدهای کوچک آجری نه تنها میتوانستند به ساختمان ها فرم دلخواه بدهند بلکه توانستند با آجر سطوح گرد و سطوح با نقشهای گوناگون تغییر پذیر بسازند. طاقها و گنبد‌های بسیاری که در ایران با آجر ساخته شده است و کاربرد آجر در ساختمانهای مهندسی عظیم طاقی شکل مثل طاق کسرا در تیسفون و دوام این ساختمانها نشان دهنده اعتماد سازندگان به ایستایی این مصالح ساختمانی و اثبات اعتقاد آنها به شمار می آید. در برخی از موارد نیز آزادی عمل در کاربرد مصالح آجری موجب آن بوده است که سازندگان ایرانی به کمک آجر فرمهای آرایشی و بافتهای آجری تازه و زیبایی به وجود آورند که از جمله مثالهای آن مقبره شاه اسماعیل سامانی در بخارا گنبد قابوس و برج

مسعود غزنوی میباشند. (فرشاد، ۱۳۴۶: ۳۲-۳۳)

در مورد ویژگی آجرکاری میتوان گفت آجر از بهترین ساختمانی است که میتواند جهت فشار را مشخص کند؛ و همچنین مناسبترین زمینه برای پوشش گچبری یا کاشیکاری را تشکیل میدهد و از شکلهای مختلف آن برای عملکردهای متفاوت ساختمانی میتوان استفاده کرد. بناهایی که با آجر ساخته میشود منظری ملایم و نرم تر دارد و معمولاً فاقد تیزیها و خشونت انبیه سنگی است. در واقع کمال هنر آجر چینی را هم از دیدگاه زیبایی شناسی و هم از دیدگاه ساختمان، می توان در این گونه بناها مشاهده کرد.

فصل یازدهم: گچبری

گچ نخستین ماده چسباننده ساختمانی است که به دست بشر استخراج گردید و پس از تغییر شکل دادن در کارهای ساختمانی به صورت ملات روکش و گچکاری از آن سود برده شد ... از ویژگیهای ملات گچ زودگیری آن است به عبارت دیگر پودر گچ پس از آمیزش با آب زود میگیرد و سخت میشود ... برای جلوگیری از این زورگیری معمولاً برای مدتی مخلوط را به هم میزنند تا به اصطلاح فارسی گچ گشته به دست آید؛ این گچ گشته زودگیر نیست و میتوان در زمان نسبتاً طولانی از آن برای گچکاری و گچبری استفاده کرد ... سازندگان و بنایان ایران از دیرزمان به ویژگی های گچ آشنایی کامل داشتند ... آنان دریافته بودند که سریشم و شیر در زمان گیرش و نیز در کیفیت روکش گچی تأثیر دارد. (فرشاد ، ۱۳۴۶ : ۳۷-۳۸)، لذا آن چنان که معمول بود این مواد را به گچ می افزودند گچ به رنگهای سفید زرد کمرنگ و خاکستری دیده میشود و در بعضی ساختمانها چنین به نظر میرسد که رنگ گچ عمداً به رنگ آجر در آورده شده است. (ویلبر ۱۳۶۵ : ۵۲)

درباره اینکه چگونه گچبری ها را میساخته اند و سپس روی دیوار قرار می داده اند عقاید مختلفی عده ای معتقدند که بیشتر این گچبری ها قالبی بوده است، بدین ترتیب که قالبهایی داشتند که گچ را در داخل آنها می ریخته و سپس کار می گذاشته اند. این عقیده زیاد درست نیست زیرا آثار برجای مانده نشانگر این واقعیت است که گچ را روی دیوار جایی که مورد نظر بوده قرار میدادند و سپس در همان جا به تراشیدن شکل دادن به گچ می پرداخته اند. این مسئله به وضوح روشن است که گل و بوته و شاخ و برگها و حتی صور پرندگان و حیوانات و انسان روی گچ و با قلم در جای خود طرح و پیاده شده است.

معمولاً گچ را روی محل میمالیدند و تا زمانی که خشک و سفت نشده بود به آن نقش می داده اند و سپس برای اینکه نقش کاملاً مشخص شود ماده ای لعابدار و چسبنده مثل کثیرا یا نشاسته و حتی شیر روی آن میپاشیدند. پس از اینکه شکلهای پرداخت شد و طرحها جلوه کرد روی آنها را با رنگ و حتی طلای واقعی نقاشی می کردند البته به مرور زمان قسمت اعظم نقاشی ها و رنگ های روی گچبری ها از بین رفته است. همچنین در کنار گچبری بر دیوار و زوایای کار مجسمه هایی با روش گچبری نصب میشده است (انصاری ، ۱۳۱۵ : ۳۲۳) که بعدها به خاطر نفی مجسمه سازی در اسلام این مسئله در ایران از بین رفته است.

در شروع معماری ایران از گذشته دور به ویژه دوره اشکانیان و ساسانیان به مسئله گچ توجه و از آن به عنوان ماده ای سازنده و استوار استفاده شده است. گچ بیشتر برای املات و تزیینات کاربرد داشته است. از گچ پلاک های متعدد قالبی و کنده کاری شده همراه با اشکال حیوانی و انسانی تهیه میکردند در دوره ساسانیان به شکلهای انسان گچبری شده بر میخوریم که از سابقه سنگتراشی در آن ها استفاده شده و کیفیت خاصی یافته اند.

گچبری و گچکاری در دوران اسلامی توسعه فراوان یافت و در مسجدها، کاخها مدرسه ها و سایر بناها به عنوان عنصری تزیینی مورد توجه بوده و دقت و ریزه کاریهای بیشتری در آنها به کار رفته است گچ در ابتدا بیشتر در سطوح داخلی به کار برده شده. ممکن است تصور شود که علت عدم استفاده از گچ برای سطوح خارجی آن بود که گچ در مقابل تغییرات هوا استقامت کمتری دارد و همچنین انعکاس نور خورشید در آن شدید است؛ ولی احتمال قویتر آن است که سلیقه ایرانیان اقتضا نمی کند که در خارج بنا گچ به کار برده شود.

معماری اسلامی در ایران در تمام ادوار و قرون سه نوع تزیین بر روی بنا نشان میدهد که عبارت است از آجر کاری گچکاری و کاشیکاری از لحاظ زمان استفاده از هر یک از سه نوع با دو نوع دیگر مصادف و منطبق است، ولی گچ مدت درازتری از مصالح دیگر به کار برده شده است. فایده عملی تزیین گچی آن است که میتوان آن را به سرعت پخش و روی آن کار کرد و به همین جهت ارزان تمام می شود؛ در صورتی که آجرکاری و کاشیکاری که یکی قبل و دیگری بعد از آن دوره رواج یافت، وقت بیشتری لازم دارند و نسبتاً گرانتر تمام میشوند.» (ویلبر ۱۳۶۵ : ۸۵).

بهترین گچبری ها در محراب شبستان غربی مسجد جمعه اصفهان مربوط به زمان سلطان محمد اولجاتیو به تاریخ ۷۱۰ هـ. ق مقبره بسطام در شاهرود، مقبره سلطانیة زنجان و مسجد جامع ورامین مربوط به همین دوران دارای عالی ترین نوع گچبری در معماری اسلامی ایران اند. محراب مسجد جامع اصفهان دارای کتیبه ای است به خط کوفی و نسخ که با اشکال توریقی مزین شده است. اجزای این محراب با سنجیدگی و منطق قوی تر ترکیب شده و دارای نسبت های دقیقی است. کتیبه دور محراب دارای خطوطی

زیبایست که در میان شکوفه ها برگ ها و پیچک های قیطانی به زیبایی طراحی شده قاب وسط شامل دو نوع خط مختلف و در سراسر قاب نقش مجردی از خط کوفی تو در تو نوشته شده است. در سده هشتم هجری قمری گچکاران در کنار خوشنویسان حاشیه های کتیبه نویسی زیبایی پدید آوردند که در آنها آهنگ و حرکت حروف کوفی و نسخ به صورت زیبایی با گل و بوته های متن در هم آمیخته است. در این دوره هم کمال هنر گچبری در ساختن محراب ها جلوه کرده است. تا قرن دهم هجری قمری گچبری های رنگینی زیبا در ابنیه ایران دیده میشود. سبکهای گچبری طی قرون تغییر یافت و به جای طرح های زنجیری و قیطانی به تدریج نقوش ظریف و ریز رنگینی معمول شد که گاهی ظرافت آنها به نقاشی شبیه است، اما صراحت و استحکام بیشتری در طرحهای گچبری وجود داشت (پوپ، ۱۳۳۸: ۷۳). این تطور هنری در گچبری دوره تیموریان و سپس در دوران صفویه ادامه پیدا میکند. در دوران صفویه این هنر در منازل اعیان به همراه آیینة کاری های جالب انجام می شده است. شاردن سیاح معروف فرانسوی که در دوران شاه عباس دوم و شاه سلیمان چندین سال در اصفهان به سر برده از منازل وزرا و اعیان و رجال سیاسی و مذهبی این دوره که با انواع تزیینات گچبری و نقاشی و آینه کاری تزیین شده بود سخن رانده است. هنر گچبری در این عصر مانند هنر کاشیکاری تجلی مخصوصی داشته یکی از کارهای پرارزش آن دوره در عمارت عالی قاپو در ضلع غربی میدان نقش جهان است که کاخ سلطنتی و محل پذیرایی رسمی بوده است. این کاخ سرشار از تزیینات گچبری و مینیاتور است. این عمارت با آرایشی گچبری به شکل انواع جام و صراحی تزیین شده است (هنر فر، ۱۳۴۷: ۴۵). این نوع تزیینات را در این دوره در اکثر بناهای شهر اصفهان و شهر اردبیل در بقعه شیخ صفی میبینیم بعد از دوره صفویه نیز گچبری و گچکاری ادامه یافت و هم اکنون در بناهای شخصی و عمومی هم اجرا میشود. امروز هم در ایران گچکاران بسیار ماهر و وجود دارند که آثار زیبایی به وجود می آورند ولی در بسیاری موارد این هنرمندان قربانی سلیقه غربی سده نوزدهم میلادی یعنی واقعگرایی تصویری شده اند و بوته های گل سرخ واقعگرایانه بیشتر آنان را راضی میکند تا غنچه های با شکوه خیالی گچبری های پیشین قدرت طراحی که مستلزم تلاش استعداد و نظم است با رواج یافتن چنین تقاضاهای سطحی به آسانی رو به زوال مینهد ولی در دست بزرگترین طراحان ایرانی گچبری همیشه وسیله ای بوده است برای نمایش فراوانی گل و گیاه و جنبش حیات.

فصل دوازدهم: کتیبه نگاری

از روزگاری که خط ابداع و به تدریج عامل انتقال افکار و اندیشه شد، کتیبه نویسی و کتاب نویسی در ایران باب شد و این سنت به اشکال مختلف خود تا روزگار امروز نیز ادامه دارد. از دوران باستان بر سنگها الواح گلی و فلزی آجرهای لعابدار بدنه و قاعده ستونها و دیوارها و دیگر آثار به گونه های مختلف نوشته هایی بر جای مانده است که همگی این آثار جزء میراث فرهنگی با ارزش این ملت کهنسال اند. هنرمندان ایرانی در عهد اشکانیان و ساسانیان از گچبری برای تزیین دیوارها استفاده میکردند. پس از این دوران خط جای تزیینات گچبری شده را میگیرد. این تغییر تزیینات برای این نیست که اسلام راجع به این موضوع دستوری داده باشد بلکه فقط برای این است که هنرهای تزیینی کشورمان بدون توجه به تغییرات و دگرگونی سیاسی و مذهبی راه تکامل خود را پیموده است. در بین آثار به جای مانده نوشته های بناهای اسلامی جایگاهی خاص دارد به ویژه این کتیبه ها تنها چیزی است که تقریباً بدون تغییرات محسوسی به خوبی حفظ شده و به یادگار مانده است.

هیچ هنری چون هنر اسلامی تاکنون به این حد نه فقط در تزیین معماری آثار مقدس و مهم بلکه در اشیای زندگی روزمره از خط و تزیینات خطی استفاده نکرده است و اصولاً هیچ خطی چون رسم الخطی که کوفی نامیده میشود برای مقاصد تزیینی به انواع و اناحای مختلف تا به این حد مناسب نیست (فلوری، ۱۳۴۲: ۲۹). دو شیوه نوشتاری متمایز از یکدیگر وجود داشت که یکی واضح و زاویه دار و دیگری گرد و شکسته بود. گونه نخست که اصولاً برای ثبت یادبودهای تاریخی به کار می رفت رسمی و هندسی بود و به نام شهر کوفه که جایگاه نشو و نمای آن به شمار می رفت به خط کوفی مشهور شد خط کوفی در مقیاسی وسیع بر سنگ فلز و کتیبه های کنده کاری شده و منقوش بر دیوارهای مساجد به کار رفت.

خط دوم که نسخ نامیده میشد در دربار فرمانروایان غیر عرب نشو و نما یافت. این خط پدر خط عربی نوین به شمار می آید خط کوفی مایه پیدایش چند قلم گوناگون شد که عمدتاً در تزیین معماری و ساختمان به کار می رود، مانند کوفی مربع که میتواند همچون آجر نمودار شود کوفی مشجر یا مورق که در کار تزیین کتاب به کار میرود و کوفی موشح و مشبک که در خوشنویسی مغربی و به ویژه در گچکاری برجسته بسیار رواج دارد.

خط کوفی در زمینه تزیین توانسته است در سرزمینهای شرق جهان اسلام بیشتر از ممالک غربی اسلام رشد و تعالی داشته باشد با رشد اسلام و توسعه نفوذ آن خط کوفی در عالم انتشار یافت و در مدت خیلی کم از جنبه تزیین و زیبایی به مقامی رسید که نظیر آن را هیچ خطی در تاریخ تمدن انسانیت حائز نشده است. این خط بدون شک بهترین نوع خط قرآنی در سده های نخستین اسلامی بوده است که بعدها در کتیبه ها به بالندگی می رسد و در زمینه هنر تزیین هم دارای اشکال هماهنگ و مستحکمی میشود.

خط کوفی به علت داشتن زوایای تند توأم با کششهای مناسب، خطی است تزیینی و بهترین خطی که برای زینت مسجدها و کتیبه ها مورد استفاده قرار می گیرد. کتیبه هایی که با این خط و دیگر خطوط نوشته شده عبارت است از خط های درشت و آشکاری که از روی کاغذ و به دست کاتب بر صفحات گچبری شده و کاشی و غیره منتقل و به سردرها، دیوار محراب های مساجد و مکانهای مقدس و بناهای مهم دیگر قرار گرفته و می گیرد.

تزیینات کتیبه های کوفی ایرانی امتیاز خاصی و فرق زیادی با تزیینات کوفی سایر کشورهای اسلامی ندارد فقط زمینه ای که ایرانیان برای تزیین آن با خط کوفی تهیه می کردند خیلی خیلی شکل تر و مزین تر از زمینه هایی بود که در سایر ممالک اسلامی برای این منظور تهیه میشده است. بهترین شاهد تزیینات و کتیبه های دوره سلجوقیان است (زکی، ۱۳۲۰: ۲۹۴). اصولاً ایرانیان در به کار بردن خط کوفی و سایر خطوط کمال استادی را داشته اند و آنها را با بهترین و زیباترین شکل نوشته و تزیین بسیار زیبایی به آنها داده اند. البته جای تعجب نیست زیرا کتابت و خوشنویسی نزد ایرانیان مقام عالی و شامخی داشت و علاوه بر این به انواع زیادی از خطوط کوفی و خط دایره دار آشنا بوده اند. خط کوفی تنها در ساختمان و آثار فنی برای ثبت نام مالک آن اثر و یا بانی آن ساختمان و یا برای ثبت تاریخ یا تبرک به بعضی آیات قرآنی و یا ادعیه به کار نرفته است، بلکه صنعتگران ایرانی مانند دیگر هنرمندان سایر ممالک اسلامی آن را به منظور اینکه شیوه ای تزیینی است مورد استفاده قرار داده و در مقبره ها، آرامگاهها، روی سفال و کاشی پارچه های دست بافت و صنایع فلزی و ... نیز به کار برده اند. کتیبه ها علاوه بر اینکه تاریخ و نام بانی بنا و یا سفارش دهنده کتیبه را نشان می دهند بیشتر نقش تزیینی را مورد توجه قرار داده و با ایجاد این نوشته ها دیوارها را از یکنواختی بیرون آورده اند. این کتیبه ها بسته به مهارت صنعتگران و هنرمندان هر کدام از زیبایی خاصی برخوردارند در اکثر اینها کتیبه نگاران بیشتر به زیبایی ترکیب حروف و آفرینش هنری تمایل دارند تا به آسان خوانی کتیبه خط کوفی به خاطر اعطافی که داشت به خودی خود برای مقاصد تزیینی به انواع مختلف قابل استفاده بود. لذا از این خط بیش از سایر خطوط در بناها استفاده شد. حروف کلمات کوفی را میتوان به تنهایی روی خط های افقی و ممتد رسم کرد و در نتیجه هر حرفی دارای حدود تزیینی خاصی میشود که میتوان به نوبه خود از آن برای زینت استفاده کرد.

خط دیگری که در کتیبه نگاری از آن استفاده شده خط کوفی بنایی معقلی است. این خط در زمینه های شطرنجی شکل میگیرد و حرکات حروف در امتداد مربع یا مربعهای قناس پشت سرهم ادامه می یابند و کلماتی را تشکیل میدهند. این کلمات معمولاً بدون نقطه نوشته میشوند آغاز استفاده از خط بنایی به زمان تیموریان بر می گردد. این خط در تزیین مسجدها و بناهای آن دوران مورد استفاده قرار میگرفت و نمونه های آن در بیشتر بناهای این دوره مشاهده میشود اما این خط در دوره صفویه در اصفهان به کمال رسید خط بنایی همگام با کاشیکاری مراحل تکامل را پیمود و به مرتبه ای رسید که خطاطان از آن در تزیین بناها استفاده کردند و به ایجاد خطوطی در هم و پیچیده و زیبا پرداختند. کلمات خط بنایی معمولاً از احادیث قرآن مجید، رباعیات و سخنان بزرگان انتخاب شده و بر پیکر مناره ها و ساختمانها جای گرفته است. امروزه هم خطاطان انگشت شماری اند که به این هنر عشق میورزند. گسترش خط کوفی بنایی به ایران و اصفهان محدود نماند بلکه در تمام نقاط تحت نفوذ اسلام پیش رفت و در هر گوشه ای - بنا به ذوق هنرمندان آن خطه - در تزیین بناها مورد استفاده قرار گرفت اما می توان مرکز آن را اصفهان دانست زیرا اوج شکوفایی خط بنایی در دوره صفویه و در اصفهان - پایتخت ایران - بود و در بیشتر ابنیه تاریخی این دوران خط بنایی به چشم میخورد (ماهر النقش، ۱۳۶۵). در اکثر بناهای تاریخی ایران کتیبه های آجری گچی و کاشی به جای مانده است که خط و سبک هر کدام معرف زمان نوشتن آنهاست. از دوران صفویه به بعد کتیبه ها را بیشتر با خط ثلث و نستعلیق نوشته اند و در معماری آن دوره از این نوع خطوط به مقدار زیاد در بناها موجود است. جالب اینکه کتیبه ها در معماری جای خود را پیدا کرده و توأم با معرف های تزیینی نوشته شده اند. بیشتر این کتیبه های منقش که به روی دیوار درونی مسجد و یا دور محراب قرار گرفته اند، شخص مؤمن را نه تنها به یاد معنی کلمات آن میاندازد بلکه او را متوجه اشکال و صور روحانی آن و قدرت وحی الهی نیز میکنند. سرانجام این نکته ظریف را نیز درباره اهمیت خط ناگفته نگذاریم که شریف ترین هنر بصری در جهان اسلام خطاطی است. خط از عناصری است که در اغلب آثار هنری از معماری تا دیگر هنرهای کوچک دستی به نحو مداومی انعکاس یافته معنویت و حد اعلای این هنر هنگامی که با عناصر مذهبی تلفیق می یابند عالی ترین نمونه های این هنر متجلی میشود. در بناهای مذهبی ایران زمین به فراوانی با این آثار هنری آشنا مییم این آثار در حقیقت الگوی منحصر به فردی اند از تعالی هنر خط شیوه های خطاطی، انعکاس خط کادربندی هماهنگ و ترکیبات هندسی و آزاد شکل های مدور طراحی شده که همه و همه از لحاظ زیبایی شناسی ارزش های فراوانی دارند در تمام این آثار به نحو بارزی به چشم میخورند در جنب این همه زیبایی پیام های مذهبی تاریخی اجتماعی که منبعث از مذهب هویت سنت و ملیت ماست به عالی ترین شکل به بیننده القا می گردد. بنابراین خط از دیرباز در ایران به صورت یکی از شیوه های مقبول هنرهای تزیینی مورد توجه قرار گرفته است تا جایی که هیچ یک از ساخته های دستی هنرمندان از آرایش های خطی بی بهره نمانده است.

فصل سیزدهم: کاشیکاری

کاشیکاری از ویژگی های خاص هنر معماری ایرانیان در عصر اسلام است. این هنر دارای پشتوانه ای قوی در معماری دوران کهن ایران نظیر دوران ایلامیان و هخامنشیان است. آجرهای لعابدار و کاشی های رنگین باقی مانده از این زمان تأکیدی است بر پیشرفت فن کاشیکاری در ایران زمین از گذشته دور تا به امروز؛ و شاید همین آثار به جای مانده سبب شده است که بسیاری از هنرشناسان ایران را زادگاه کاشی بدانند. کاشیکاری بهترین و عالی ترین شیوه ای است که ایرانیان برای تزیین و آرایش ساختمان ها ابداع کرده اند و به حدی از این عنصر تزیین در ابنیه مذهبی و شخصی ایران بعد از اسلام استفاده شده است که کمتر بنای رسمی را بدون آجرهای زیبای کاشی میتوان مشاهده کرد (زکی، ۱۳۲۰: ۵۷). استفاده از کاشی به عنوان عنصری تزیینی اولین بار بعد از سده های اولیه و از دوره سلجوقیان در بناها معمول شد. در اوایل استعمال این نوع کاشی ساده منحصر به ابنیه بزرگ و مهم بوده ولی در اواخر سده ششم هجری قمری به کارگیری کاشی در معماری تعمیم یافت و در اکثر بناهای این دوره استفاده شده است. زیباترین کاشیهایی که در این دوره در ایران تهیه شده و از حیث صنعت قابل توجه است آجر کوچکی است که با لعاب آبی رنگ پوشیده شده و نمونه هایی از آنها را در گنبد سرخ مراغه و دیگر مقبره های این شهر مسجد جامع قزوین، مناره تاریخانه دامغان و ... میتوانیم ببینیم نکته مهم در کاشیکاری اواخر این دوره استفاده از کاشی به شکل متنوع در ابنیه است که تأثیر تزیینی خود را بیش از همه در پوشاندن سطوح برجای گذاشته است. در گذشته برجها و مقبره ها و مساجد با طرحهای آجری آرایش میشدند و برای تأثیر بیشتر از خطوط و نقوش آرایش یافته استفاده می شد؛ اما در دوره سلجوقیان با ایجاد حواشی سطوح به شکل صفحه منبت کاری شده در آمده و طرح نیز با لوحه میانی و چهارگوش پوشانده شده و به صورت فرشی که از کاشی ساخته باشند در میآید در کاشیکاری این دوره از طرح های چند وجهی و ستاره ای یک رنگ و یا دو رنگ چلیپاهایی که غالباً فیروزه ای نام و یا لاجوردی پررنگ اند استفاده شده است. پس از حمله مغول صنایع ایران بخصوص کاشیکاری وارد مرحله جدیدی شد. استفاده از کاشیهایی صدفدار یا مینایی در ابنیه دوران ایلخانیان معمول شد. ساختن محرابهایی از کاشی مینایی از خصوصیات این دوره است؛ از جمله محراب کاشان به تاریخ ۶۲۳ هـ. ق را میتوان نام برد که اکنون در یکی از موزه های برلن است. در این زمان هنرمندان موفق شدند اجزایی را که اشکال معرق از آنها تشکیل میشوند کوچکتر کنند و زیباترین اشکال نباتی و هندسی را در مجموعه ای از رنگ های زیبا و براق نمایش دهند. ارزانی معرق بیشتر موجب رشد و رواج این هنر شده است زیرا هزینه ساختن معرف های لعاب صدفی دار به مراتب کمتر از هزینه آجرهای کاشی مینایی بوده و علت این امر واضح است زیرا در کاشی لازم بود پس از کشیدن رنگ و نقش یک بار دیگر آن را در کوره بگذارند و این عمل گذشته از هزینه اضافی که داشت چندان مورد اطمینان نبود چه ممکن بود کاشیها از کوره سالم بیرون نیایند. همچنین در این دوره برجسته کاری در کاشی مقام مهمتری احراز میکند تحول کاشیکاری این دوره را در بناهای معروف گنبد سلطانیه در زنجان گنبد غفاریه در مراغه مسجد زیبای ورامین و ... میتوان دید که همگی شاهد خوبی بر پیشرفت هنر کاشیکاری این دوره از معماری اسلامی ایران است.

در دوران حکومت صفویه به علت توجه خاص و زیاد به هنر و صنعت و تشویق هنرمندان توسط سلاطین تحولات عظیمی در روشهای قبلی به وجود آمد. در این دوره سبکهای مغولی که مأخوذ از روش چینی بودند، با ذوق و سلیقه ایرانی آمیخته شد و سبک جدیدی به وجود آمد که شباهتی به سبک چینی نداشت. هنر کاشیکاری شهر اصفهان در این دوره هنر غالب و برتر به شمار می رفته است. از سه قسم کاشی به نامهای کاشی یک رنگ کاشی موزاییک و کاشی هفت رنگ در تزیین بناها استفاده میشده است. در این دوره ساختن سردرهای بزرگ که دارای کاشیهایی شفاف است پیشرفت بسیار نموده بود. نیم گنبدهای سردر را معمولاً با گچ مقرنسکاری و روی آن را اغلب با کاشی تزیین میکردند در بیشتر بناهای مذهبی در داخل و خارج طاق ایوانها و مناره ها از کاشیهایی لعابدار منقوش استفاده شده است. گنبدها و محرابها را با ظریفترین شیوه و مؤثرترین رنگها و خیره کننده ترین نقوش گل و بوته و شاخ و برگها از کاشی لعابدار منقوش پوشش میدادند در این زمان در تزیینات داخلی کاخهای اصفهان به جای استفاده از سفال های لعابدار کاشی های تزیینی - که همزمان با پیدایش مکتب نقاشی اصفهان به وجود آمده بود - مورد استفاده قرار گرفته است. اغلب به کمک کاشی های مربع شکل مجموعه کاملی از تصاویر می ساختند و در آنها بیشتر از طرح های تصویری و صحنه های جنگ با تنوع و هماهنگی در رنگ ها استفاده میشده است. هر یک از رنگ ها با بندکشی از دیگری مجزا میشد و شیوه لعاب دادن تأثیر بزرگی را در نقاشی طرح ها امکان میداد کاشی های مستطیل شکل کوچکتر نیز با موضوعات مصور کامل به صورت برجسته و با لعاب های ظریف در اواخر سده دوازدهم رواج پیدا کرد و کم و بیش در پوشش دیوارها به کار رفت.

در دوره پهلوی و معاصر فن و هنر کاشیسازی نیز دوباره مورد توجه خاص قرار گرفت و لزوم بازسازی و مرمت بناهای اسلامی سبب گردید که بار دیگر تزیینات کاشیکاری رشد کند. اصل بازسازی و حفاظت آثار هنری گذشته بازگشت به سبک صفوی را ایجاب میکرد از کارهای معروف این دوره میتوان از گنبد کاخ مرمر که متأثر از گنبد مسجد شیخ

لطف الله است نام برد؛ یا سر در وزارت آموزش و پرورش سر در کاخ مرمر، سابق سر در شهربانی کشور و قسمت هایی از بازسازی تزیینات کاشیکاری شمس العماره و تعمیرات اساسی اماکن مقدسه در گوشه و کنار این سرزمین کوششهای کارگاه کاشیازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صنایع دستی ایران و ایجاد رشته صنایع دستی در دانشگاهها در چند سال اخیر در بالا بردن سطح تولید و تشویق هنرمندان این رشته نقش مهمی را ایفا کرده اند به گونه ای که میتوان گفت هم اکنون هنرمندان و صنعتگران ایرانی به خوبی در ظرافت و زیبایی و ذوق هنری با گذشتگان برابری میکنند و میتوانند همطراز کاشیسازان عصر صفوی در این هنر بدرخشند و از نابودی هنر آنان جلوگیری به عمل آوردند و در این راه به پیروزی هایی نائل آیند (پیکان ، ۲۵۳۷ : ۲۴). با توجه به سیر تحولی این هنر میتوان گفت آنچه مسلم است هنر کاشیکاری در ایران همیشه مورد توجه بوده و خط و تزیینات گله و نقش و نگاره ها که با کاشی ساخته شده اند آن قدر ظریف و زیباوند که همچون پرده ای از نقاشی به نظر می آیند.

فصل چهاردهم : مقرنسکاری

یکی از عناصر تزیینی معماری که در زیبا ساختن بناهای ایرانی بخصوص مساجد و مقبره ها نقش مهمی دارد مقرنسکاری است. این عنصر معماری و تزیینی در دوران معماری اسلامی چه از لحاظ کثرت استعمال و چه از نظر تعدد و مواد و چه از جهت وسعت عالم اسلام اهمیت بخصوصی را حائز است و شاید به علت همین شرایط بوده است که بعضیها اصولاً این تزیین را روشی اسلامی دانسته اند (زمانی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۰ : ۱۸).

مقرنس ها، که شباهت زیادی با لانه زنبور دارند در بناها به شکل طبقاتی که روی هم ساخته شده برای آرایش دادن ساختمانها و یا برای آنکه به تدریج از شکل هندسی به شکل دیگری گذر شود و مخصوصاً از اشکال مربع به اشکال دایره ای که گنبدها بر آنها قرار میگیرد به کار میروند (زکی ، ۱۳۲۰ : ۵۳). این مقرنسا را میتوان از جمله وسایل مؤثر ساختن گنبدها دانست که بعدها محتوی نظری اولیه را از دست داد و بیشتر برای تزیین به کار رفت. برخی معماران ایرانی نیز که این مقرنس ها را در جبهه ساختمان ها به کار میبرده اند در ساختن آنها مهارت را به حدی رسانده اند که کمی گذاردند موجب سنگینی ساختمان شود و بر اصل و پایه فشار وارد آورد. در تزیینات داخلی طرح های مقرنس در پا طاق گنبد بیشتر به کار میروند و از نظر معماری اهمیت فراوان دارد.

وجه تسمیه مقرنس

کلمه مقرنس با قر و قرناس و قرنس (قرنيس) و قرنيز خويشوند است و می توانیم بگوئیم قرنيسدار یا قر شده و این معنی با شکل عنصر تزیینی مورد نظر ما که از تعدادی کم و بیش سطوح برآمده و فرورفته صورت میگیرد موافق است (زمانی ، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۰ : ۸).

اما با مشاهده شکل های طبیعی قندیل های یخی و قندیل های آهکی در درون غارها در می یابیم که پیش آمدگی و پس رفتگی های طبیعی در روی این قندیل ها توجیهی بر نام مقرنس است که به احتمال زیاد هنرمندان نخستین این فن از همان قندیلها برداشتی هنرمندانه کرده اند و عیناً آن را در سطوح خارجی و داخلی بناها به صورت عنصر تزیینی با استفاده از آجر و گچ و یا سیمان به کار گرفته اند. حال با آوردن تعریفی علمی تر این گفتار را تکمیل میکنیم استالاکتیت واژه ای است فرانسوی و عبارت است از ترکیبات آهکی آویزان در سقف غارها. ولی استالاکتیت در معماری نوعی موتیف تزیینی است که مشابه آن مقرنس است و آن عبارت است از جفت و جور شدن و رویهم قرار گرفتن صورتهای منشوری برجسته و گرد به طور متضاد و به نظر میرسد استالاکتیتها از گوشوار ناشی شده است (انصاری ، ۱۳۶۰ : ۱۵). قطعه ای از طاق نمایی که گوشه یک اطاق مربع پوشیده با گنبد را اشغال میکند (زمانی فروردین و اردیبهشت ، ۱۳۵۰ : ۱۰). مقرنس معمولاً در سطوح فرو رفته گوشه های زیر سقف ایجاد میشود. اما محل قرارگیری این عنصر تزیینی معماری میتواند در بالای دیوارها، سقفها، گوشه ها سردرها در قطار بندیهای اطراف گنبدها کاربردی ها زوایای محراب ها، سرستون ها، قوس ها حاشیه ها، کتیبه ها و غیره باشد که گاهی از گل پخته و یا گچ قالبی کاشی و گاهی از سنگ تراشیده تزیین شده اند. مقرنسا از جهت عمق طول و عرض متغیرند و به اشکال مختلف به کار برده شده اند. در بناهای اسلامی بیشتر از اشکال استفاده شده است؛ مثلث های مقعر طاقنماهای کوچک و قوسهای شکسته در چند ردیف رویهم شکل گرفته اند. مقرنس ها از لحاظ شکل به چهار دسته تقسیم میشوند.

مقرنس های جلو آمده. مقرنس هایی را میگویند که مصالح آن از خود بناست و در نهایت سادگی و بدون هیچ گونه پیرایه ای به صورت آجر یا گچی، انتهای سطوح خارجی نمای بیرون ساختمان را آرایش میدهند و استحکام آنها زیاد است. مقرنس های روی هم قرار گرفته. گذشته از مصالح به کار رفته اصلی بنا، مانند گچ و آجر و سنگ در سطوح داخل و خارج بنا به کار میروند و غالباً در چند ردیف - دو تا پنج یا بیشتر - روی هم قرار دارند و دارای ثبات متوسطی است.

مقرنس های معلق. شبیه همان منشورهای آهکی آویزان در غارهاست که اصطلاحاً استالاکتیت نامیده میشوند و غالباً از چسباندن مواد مختلف چون گچ، سفال با کاشی و غیره به سطوح مقعر داخل بنا صورت میگیرد که آویزان به نظر می رسد و دارای ثبات کمی است.

مقرنس های لانه زنبوری. چنان که از نام این دسته از مقرنس ها پیداست، شبیه لانه زنبور و در مجموع کندوهای کوچک بر روی هم قرار گرفته اند. این دسته از نظر شکل ظاهری شبیه به مقرنسهای معلق اند. در ایران از این نوع مقرنسها کمتر ساخته شده است (انصاری ، ۱۳۹۰ : ۱۶-۱۷).

مقبره امیر تیمور در سمرقند

این بنا از آخرین بناهای تیمور است که برای نوه اش محمد سلطان ساخته است (۸۰۸ هـ . ق). قسمت داخلی مقبره که خیلی مرتفع است در انسان حس عظمت را القا می کند و نوری که از پنجره های مشبک سفالی به داخل می تابد دیوارها و مقرنسهای کاشی را روشن میکند مقرنسهای سطح خارجی پایه گنبد به شکل بسیار زیبایی در زیر شیارهای سطح بیرونی گنبد نمایان است. این مقرنس عبارت است از دو ردیف فرورفتگی و برجستگی متناوب که در روی نواری از مربعهای گلداز واقع است. این مقرنسها همچون کمربندی به دور ساقه گنبد پیچیده اند و ایجاد سایه و روشن نیز کرده اند.

این نوع مقرنس به طور غنیتر و ظریفتر در پایه شیارهای گنبد مقبره گوهرشاد مورخ ۸۳۹ هـ . ق در هرات وجود دارد.

مسجد جامع گوهرشاد در مشهد

این بنا از جمله مساجد چهار ایوانی است که برای گوهرشاد زوجه شاهرخ تیموری ساخته شده (۸۲۱) هـ . ق و از شاهکارهای معماری و تزیینی است. مقرنس های بسیار جالب توجهی در این مسجد در خارج گنبد قرار دارند.

مدرسه خرچرد در خواف

در جدار بعضی طاقنماهای این بنا که از جمله بناهای چهار ایوانی است مقرنس های مفصل اما نسبتاً کم عمق وجود دارد نظیر این تزیین در مسجد گوهرشاد نیز دیده می شود و نشان میدهد که این دو بنا به دست یک یا دو معمار همشهری شیرازی ساخته شده است.

آستانه حضرت امام رضا (ع)

داخل و خارج آستانه حضرت علی بن موسی رضا (ع) در مشهد از شاهکارهای تزیینی درجه اول اسلامی است و در سراسر بناهای آن مقرنس در کنار سایر تزیینات به کار رفته است.

مسجد کبود تبریز

اهمیت این بنا که به سال ۸۷۰ هـ . ق در عهد جهانشاه قره قویونلو ساخته شده بیشتر به لحاظ داشتن قطعات کاشی و موزاییک خوش رنگ آن است ولی مقرنس نیز از نظر سازندگان دور نمانده است. مقرنسهای گوشوار سردر داخلی بنا که خراب شده اند ابتدا با آجر ساده ساخته شده و بعداً قطعات کاشی و موزاییک از زیر به آجرها چسبانده شده و گوشوار مخروطی القا گردیده است (زمانی خرداد ۱۳۵۰ : ۳۸ - ۳۹).

مقرنس در دوره صفویه

دوره صفوی را عهد طلایی هنر ایران میگویند که به راستی این نامگذاری در مورد هنرهای تزیینی از جمله مقرنس مصداق دارد؛ ولی این عنوان به معنی آن نیست که هنرمندان دوره صفوی دست به ابتکار و اختراع فوق العاده ای زده اند بلکه به علت این است که بر اثر توجه شاهان صفوی مراکز هنری زیاد شد و رشته های مختلف هنری به اوج ترقی خود رسید بیشک عصر صفوی دوران نوینی در عرضه هنرهای با ارج ایران زمین به شمار می آید در این دوره هنر دارای صلابت و یکپارچگی و مهارت و استادی منحصر به فردی است که در دوران پس از صفویه کمتر به چشم می خورد. در این دوره برخی از سنتهای هنری مغولی به کنار رفت و در تلاش آغازگر دست ساخته های نوبی عرضه شد. بویژه در زمان شاه عباس هنرهای این عهد به حد اعلا شکوفایی خود وصال یافت. مقرنس در این دوره کاملاً جنبه تزیینی داشت و اغلب با موزاییک و کاشی صورت می گرفت. در این دوره نیز هر چهار دسته مقرنس با دقت فراوان به کار رفت و تازگیهایی نیز به ظهور رسید نخستین نشانه های مقرنسکاری در این عهد در بنای گنبددار مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی در شهر اردبیل متجلی گشت که متفاوت با فرم های قبلی و بلکه به صورتی پیشرفته تر به کار گرفته شده است. نمای خارجی این مقبره که از آجر ساخته شده کاشی فیروزه ای ساده و معرق تزیین شده است. درگاه مقبره بلند و دارای طاق هلالی است که در سمت چپ آن حواشی مقرنسکاری شده به

خوبی به چشم می‌خورد از دیگر آثاری که نشان دهنده تحول و گسترش عنصر تزئین مقرنس همراه با کاشیکاریهای با ارزش و بیمانند در دوران صفوی باشد از مقرنس های زیبای عمارت عالی قاپو مسجد امام اصفهان مسجد شیخ لطف الله اصفهان و دیگر آثار این دوره یاد میکنیم که در نوع خود از بهترین موتیفهای مقرنس الهام گرفته شده است. بخصوص مسجد امام بیشتر از نظر مقرنسهای کاشیکاری شده در ایوان مدخل و نیز از نظر فضاهای وسیع و کاشی های رنگارنگ با نقوش گوناگون و بی نظیر صحن ایوانها و همچنین گنبد و محراب دارای اهمیت و اعتبار ویژه ای است. توسعه مقرنسهای آویزان با استالاکتیتی در مناره های بالکندار این منجد از نمونه های بارز دگرگونی این عنصر تزئینی است.

سرانجام میتوانیم بگویم که این عنصر اصلی هنر اسلامی در ایران با گذشت زمان با مکتبهای مختلف هنری روبه رو گشت و قرنیزهای نقشدار را به شکل ساختمانها، نوع مصالح و اقسام گچبری ها عرضه کرد. مقرنس توانست بر سایر هنرهای تزئینی و صنایع دستی اثر گذارد و موجب تکوین و گسترش انواع هنرها مانند کاشیکاری گچبری و غیره شود چه بسا وجود طرح های بسیار چشمگیر مقرنس در سردرهای درون گنبدها داخل شبستان ها و محراب ها بود که موجب گسترش روزافزون هنر کاشی سازی گردید به هنگام ساختن منبرها و ستون های چوبی داخل مساجد مثبت های زیبا با الهام از شکل های مختلف مقرنس بر روی آنها نقش بست که نمونه های بی مانند این نوع کارهای روی چوب را میتوان در مساجد عهد صفوی پیدا کرد (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۷).

فصل پانزدهم: نقاشی دیواری

از نقاشی دوره اولیه اسلام اطلاع زیادی در دست نیست به جز آثار معدودی که در سوریه و عراق و ایران کشف گردیده است ولی همین آثار کافی است که رونق و ارزش نقاشی و تزئینات بر دیوار را در دوره بنی امیه و اوایل دوره عباسی آشکار سازد. قدیمی ترین اثر نقاشی که تاکنون در سوریه پیدا شده عبارت است از آنچه موزیل در سال ۱۳۱۶ هـ. ق / ۱۸۹۸ م در قصر عمره کشف کرد. این محل بنای نسبتاً کوچکی است در صحرا که شامل حمام است و به وسیله ولید اول خلیفه اموی، در حدود ۹۴ هـ. ق / ۷۱۲ م ساخته شد. سقف و قسمت علیای دیوارهای این کاخ با اشکال و تصاویر مجازی و مناظر زندگی روزانه و اشکال حیوانات و نباتات با اسلوب یونانی ترسیم شده و تعبیرات ایرانی و هندی نیز در آن به کار رفته است.

نمونه‌ای از ایران در زمان بنی عباس از نقاشیهای دیوار قصر سامره متعلق به سده سوم هجری قمری هویدااست. آنچه جالب توجه است منظره اندرون یا حرم است که در آن تصاویر رقاصه ها و ساززن ها و همچنین حیوانات و پرندگان کشیده شده و اشکال طوماری و مدور آنها را احاطه کرده است. در صور اشخاص و نباتات این مناظر از نقاشی دوره ساسانی تقلید شده است تا این اواخر از نقاشی اوایل دوره اسلامی در ایران چیزی در دست نبود. در سال های ۱۳۵۵، ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ هـ. ق هیئت اکتشافی موزه متروپولیتن در نیشابور در ایران نمونه هایی از نقاشی و تزئینات دیواری اوایل دوره عباسی را کشف کرد که فصل جدیدی در تاریخ صنایع اسلام گشود. این نقاشی ها از چند بنای متعدد پیدا شده و میتوان آنها را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول نقاشیهای یک رنگ و گروه دوم نقاشیهایی که دارای رنگهای متعدد است. بهترین نمونه گروه اول که در موزه تهران است با خطوط سیاه و آبرنگ ترسیم شده و شکارچی سوار را با لباس گرانیها و کمر بند و خود و شمشیر و سپر مدور نشان میدهد. روی مچ چپ او یک باز شکاری و در کنار زین اسبش حیوان شکار شده ای که شاید خرگوش باشد دیده می شود در گروه نقاشیهای چند رنگ که تقریباً به همان دوره تعلق دارد قطعاتی از نقاشیهای بزرگ پیدا شده که تصاویر انسان و شیطان و تزئینات نباتی و اشکال گلدان و نخل بر آنها دیده میشود در این نقاشیها مانند نقاشیهای سامره ترکیبی از عناصر ایرانی و یونانی آشکار است و عناصر یونانی بخصوص در ترسیم البسه بیشتر نمایان است (دیمانند ۱۳۹۵: ۴۰۳۹).

روی هم رفته نقاشی های دیواری نیشابور نماینده جریانهای مختلف در هنر ایران در آن دوره است. با آنکه این آثار از گذشت زمان آسیب فراوان دیده ولی همین چند نمونه مختصر که از آنها به دست ما رسیده است نمایشگر تنوع بسیار در هنر آن روزگار است؛ از یک سو هنر تصویری و از سوی دیگر هنر تزئین و هنر انتزاعی و بالاخره نمونه هایی که تلفیقی از همه این شیوه هاست. شیوه نقاشی های دیواری نیشابور در چند قرن بعد بر روی آثاری که احتمال داده اند از شهرری به دست آمده باشد مشهود است (تجویدی، ۱۳۵۲: ۷۱-۱۹). متأسفانه بیشتر این نقاشیهای دیواری دستخوش خرابی و ویرانی شده بنابراین برای شناختن بیشتر آن جز گفته مورخان و جغرافی نویسان و استنباط آن از روی بعضی از کتب خطی ایران و یا از روی نوشته های جهانگردان که به ایران سفر کرده اند راهی نداریم توضیح اینکه در نقشها و صورت های دیواری که در دوره اسلامی مرسوم بوده از روش های فنی نقش های دیواری که از ابتدای دوره مسیحی تا ظهور اسلام در کشورهای ایران و افغانستان و بین النهرین و قسمت جنوبی روسیه و ترکستان غربی کشیده میشده است اقتباس هایی شده و به آن روش ها اقتدا شده است.

در دوران سلجوقیان نقاشی دیواری با تصاویری خاص خودنمایی میکند. بهترین نمونه این نقاشیها را در برج شرقی و یا برج اول خرقان که یکی از دو برج آرامگاه خرقان است شاهدیم برجهای خرقان که مربوط به دوره سلجوقیان اند در نزدیکی ناحیه خرقان واقع در کنار جاده قزوین به همدان واقع شده اند. برج های آرامگاه های خرقان به سبب تزیین ارزنده خود در ردیف زیباترین آثار تاریخی آجری ایران اند. بر دیوارهای داخلی این دو برج که در زمان سلجوقیان ساخته شده اند و از قدیمترین گنبدهای دو پوششی ایران بشمار میآیند نقاشی های مختلف قابل ملاحظه ای به سبک آثار تاریخی قدیمی تر ترسیم شده است. تمام قسمتهای حلقه داخلی گنبد برج اولی با نقاشی های آبرنگی قابل ملاحظه ای رنگ آمیزی شده که یکی از کاملترین و همچنین مجذوب کننده ترین طرح نقاشیهای دیواری است که تاکنون در بناهای سلجوقی دیده شده اند (استروناخ ، ۱۳۴۸ : ۱۴ ، ۱۹ و ۲۸)

به طور کلی در اواخر دوره صفویه سلاطین و بزرگان کشور در اصفهان و دیگر شهرهایی که در آنجا ساختمانها را بر پا میکردند شروع به نقاشی دیواره های کاخ خود کردند و در نتیجه تزیین کتابهای این دوره بسیار کاهش یافت دوره زندیه و قاجاریه برای ارباب هنر دوره ای مساعد بوده است. تزیین سالنهای پذیرایی و نشیمن با نقاشی رواج یافت. در سده سیزدهم هجری قمری پیکرنگاری معمول گردید و توجه به طبیعت در نقاشی ایران پدید آمد (گدار ۱۳۵۸ : ۴۷۰-۴۷۱).

نقاشی های بزرگ روی دیوار که در زمان قاجاریه کشیده شده، گرچه اغلب نفوذ نقاشی اروپایی در آنها دیده میشود قابل توجه اند. تصاویر نقاشی شده فتحعلیشاه نیز زیاد است که روی پارچه دیوار و کاغذ کشیده شده است. این تصاویر شاه را با جواهرات زیاد و معمولاً همه جا با ریش بلند و کمر باریک و مسلح با اسلحه های مختلف مانند کمان شمشیر و خنجر و عصای سلطنتی در دست نشان میدهد.

باید دانست که تأثیر فنون غرب در نقاشی ایران از زمان شاه عباس ثانی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ هـ. ق / ۱۶۴۲ - ۱۶۶۷ م) یعنی از آن وقت که این پادشاه عده ای را برای فراگرفتن نقاشی به ایتالیا و سایر کشورهای اروپا فرستاد در نقاشی ایران نمایان شده است. (زکی ، ۱۳۲۰ : ۸۹). این وضع از نقاشی های دوره قاجاریه بخصوص زمان فتحعلیشاه معمول و مرسوم و کاملاً نمایان است و روشهای فنی غرب در نقاشی بر روشهای ایرانی غلبه دارد از این دوره به بعد به گونه ای دیگر از نقاشی بر می خوریم که ریشه در باورهای مذهبی دارد و علت پیدایی آن را از زمان صفویه باید جستجو کرد، و آن نقاشی مذهبی و نقاشی قهوه خانه ای است. شاید نقاشی عامیانه عنوان مناسب دیگری برای این نوع نقاشی نقاشی قهوه خانه ای باشد. اغلب این تابلوها، چه پرده ای و چه دیواری پرهیجان ترین صحنه های وقایع معروف مذهبی و حماسی را مجسم می کنند. نقاشی بر در و دیوار بناهای کاخ ها ، حمام ها ، زورخانه ها و اندرون ها در این دوره رواج بسیار دارد. نقاشی قهوه خانه ای یکی از هنرهای سنتی است که از قهوه خانه سرچشمه گرفته است. روزگاری قهوه خانه تجلیگاه ذوق و اندیشه ایرانی بوده قهوه خانه عمری دراز دارد و سالیانی بسیار حافظ میراث کهنسال اندیشه و ذوق سنتی ایران بوده است. اکثر تابلوهای قهوه خانه ای یک سوژه اصلی دارد و چند سوژه فرعی که در این سوژه ها معتقدات مذهبی و سنتی پایه قرار میگیرد نقاشی قهوه خانه ای قبل از هر چیز بازگو کننده دنیای نقاش و خالق اثر است. این نوع نقاشی ضابطه و استاندارد را نمی پذیرد و هرگز هیچ یک از نمونه های آن ملاک داوری قطعی درباره نمونه های دیگر نمی شود. در حیطه هنرهای تجسمی برخی نقاشان بقاع متبرکه را گزیده ترین مکان برای عرضه ذوق و مهارت خود قرار داده اند و با کشیدن صحنه های مذهبی بر بدنه دیوارهای حسینیته ها و تکیه ها موجب دل بستگی اهل ذوق و حرمت بیشتر این اماکن میشوند. از این گونه نقاشیهای دیواری در بسیاری از اماکن مذهبی ایران زمین به طور پراکنده یافت میشود که مردم در حفظ آنان کوشیده اند.

فصل دوم: نکلت مهم هنر و تمدن اسلامی

- ۱- هجرت حضرت محمد (ص) که گاهی به خلاصه هجرت نیز خوانده میشود. واقعه هجرت حضرت محمد (ص)، پیامبر اسلام و همراهانش از شهر مکه به یثرب است که در سال ۶۲۲ میلادی برابر با سده ۱ قمری صورت گرفت
- ۲- هنر اسلامی با هنرهای مسلمانان به بخشی از هنر اطلاق میشود که در جامعه مسلمانان و نه لزوماً توسط مسلمانان رواج داشته است. هر چند ممکن است این هنرها در مواردی با تعلیم و شریعت اسلام انطباق نداشته باشد ولی تأثیر فرهنگ اسلامی و منطقه ای در آن به خوبی نمایان است.
- ۳- عمده مسلمانان تصویرگری چهره پیامبر اسلام را مردود می شمردند و حتی گاهی تصویرگری جانداران و انسان نیز مورد قبول بخشی از مسلمانان نبود. با این وجود همواره در سرزمینهای اسلامی تصاویری از انسان و موجودات زنده دیگر نقش میشد و به مواردی از تصویر سازی چهره پیامبر نیز بر میخوریم.

- ۴- اسلیمی نقش تزئینی به شکل گیاه با ساقه های مارپیچی است که ابتدا و انتهای آن مشخص نیست. اسلیمی گونه ای از نقش و نگار است شامل خط های پیچیده و منحنی ها و قوس های دورانی مختلف که در تزئینات و کتیبه ها و بعضی دیگر از کارهای نقاشی ترسیم میکنند.
- ۵- طرح های اسلیمی انواع گوناگون دارد. اسلیمی ساده، «اسلیمی تو پر، اسلیمی تو خالی، دهن اژدری» خرطوم فیلی، «و ماری».
- ۶- مکتب بغداد که آن را مکتب عباسی نیز نامیده اند را بر خلاف مکاتب دیگر نگارگری نمیتوان مکتبی ایرانی نامید چراکه از یک سو زیر تأثیر هنر بیزانس و از سویی دیگر در استیلای هنر ایرانی ساسانی است. از این روی این مکتب را مکتب بین المللی نیز گفته اند.
- ۷- شیوه های نام گذاری مکاتب نگارگری ایرانی بر اساس مرکزیت امپراطوری حاکم بر کشور انجام شده است. یعنی هر جا که محل تمرکز قدرت و تجمع ثروت بوده و مقر حکومت کشور محسوب می گردیده است.
- ۸- هنر نقاشی اسلامی در دوره صفوی به اوج رسید و در دوران زند و قاجار رنگ و بویی تازه یافت.
- ۹- از جمله مکتب های نگارگری ایرانی پس از اسلام میتوان این موارد را نام برد. سعی شده ترتیب تاریخی رعایت شود.
- مکتب سلجوقی - مکتب تبریز اول (ایلخانی) - مکتب شیراز اول - مکتب جلایری - مکتب شیراز دوم - مکتب هرات - مکتب بخارا - مکتب قزوین - مکتب تبریز دوم - مکتب اصفهان - مکتب نقاشی قاجار - نگارگری قاجاری - نقاشی قهوه خانه.
- ۱۰- اولین آثاری که بتوان نام نقاشی بر آنها نهاده در غار دوشه لرستان و با حدود هشت تا ده هزار سال قدمت به دست آمده و در دوره تاریخی آنچه را که بتوان نقاشی نامید در دیوار نگاری های اشکانی و ساسانی میتوان دید.
- ۱۱- بر اساس اسناد سه دوره متمایز ولی پیوسته برای تاریخ نقاشی قدیم ایرانی در نظر گرفته میشود.
۱. دوره سنت های کهن فاصله از طبیعت گرایی یونان رومی و بازگشت به سنت های پیشین را نشان میدهند.
 ۲. دوره شکوفایی نگارگری
 ۳. دوره تکوین شیوه های التقاطی
- ۱۲ - یکی از مکاتب نگارگری ایران به نام مکتب تبریز در شهر تبریز در دوره ایلخانان مغول، جلایریان ترکمانان قراقوینلو و آق قوینلو و صفویان شکل گرفت. در شهر تبریز در دوره ایلخانان مغول، مکتب هنری پدید آمد که به مکتب تبریز اول مشهور است
- ۱۳- کتب مکتب تبریز: منافع الحيوان نوشته ابن بختیشوع اواخر سده ۷ ه. ق. این کتاب به تشریح ویژگیهای حیوانات و جلوه های طبیعت پرداخته جامع التواریخ رشیدی نوشته خواجه رشید الدین فضل الله وزیر اولجایتو در ربع رشیدی سده ۵۸ ق تاریخ جهان تا دوره مغول مصور گشت. شاهنامه فردوسی (معروف به شاهنامه دموت یا ابوسعیدی) به سال ۷۳۷-۷۳۱ ه. ق تأثیر از هنر بیزانس در توجه به نمایش دقیق چین و چروک پارچه ها.
- ۱۴- مکتب شیراز دوم:
- منتخبات اسکندر سلطان (۸۱۳ ه. ق)
- شاهنامه ابراهیم سلطان
- خاوران نامه (۸۸۳ ه. ق)
- ۱۵- کتب مکتب هرات: شاهنامه فردوسی (شاهنامه بایسنقری) - شاهنامه محمد جوکی (فرزند شاهرخ) - کلیله و دمنه بایسنقری - معراج نامه - همای و همایون - گلستان سعدی - بوستان سعدی - خمسه نظامی
- ۱۶- یکی از مشخصه های نقاشی مکتب تبریز دوران صفوی وجود علامت یا شکلی شبیه میله کوچک قرمزی است که بر روی عمامه ها نقش شده است. این علامت و عمامه های دوازده ترکی از نشانه های شیعیان دوازده امامی طرفدار شیخ صفی الدین اردبیلی بود که در ابتدای دوران صفوی متداول گردید ولی بعد از وفات شاه طهماسب دیگر در تصاویر دیده نشد.

۱۷- هنر نقاشی دیواری دوران صفویه مرهون هنر نگارگری خاصه مکتب اصفهان تلفیق با هنر اروپایی رایج در آن دوران است که از طریق اروپائانی که به دربار ایران رفت و آمد داشتند وارد هنر این سرزمین شده بود. از دیگر عوامل موثر در هنر نقاشی دیواری دوران صفویه حضور نقاشان ارمنی جلفا در اصفهان است.

۱۸- مشهورترین نقاش زمان شاه عباس صفوی و مهمترین هنرمند مکتب اصفهان رضا عباسی است. کار و اثر او شامل طراحی بی عیب و نقش و در درجه اول رنگ آمیزی درخشان سبک عالی صفوی بود. اما با گذشت زمان چهره پیکره های جوان او مملو از چشمان درشت بی لطافت طره های تکلف و گاهی هم چانه های پهن گردید و همه آنها در زیر درخت بید. تصویر شد که تاثیر کمتری در پی داشت.

۱۹- مکتب نقاشی قاجار در دوره زند شروع شد و تا دوره قاجار و کمی پس از آن امتداد یافت. این شیوه به عنوان سبکی منسجم و مکتبی متشکل در نقاشی ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است که همه ویژگی های موضوعی و کاربردی یک مکتب نقاشی را دارد.

۲۰- شاید یکی از مهمترین نمودهای هنر اسلامی معماری باشد. به ویژه مساجد چهار ایوانه و ستون دار که معرف هنر معماری اسلامی است. این عمارتهای باشکوه میتواند تاثیر فرهنگی متفاوت در درون تمدن اسلامی را نشان دهد.

۲۱- مهمترین آثار معماری دوره اموی مسجد جامع دمشق در سوریه است که بر روی کلیسای سن ژان حضرت جان در سال ۶۳۵ میلادی ساخته شد. مسلمانان به آن محرابی افزودند که در واقع اولین محراب در دنیای اسلام است. همچنین از بناهای مهم این دوره قبه الصخره یا گنبد سنگی در فلسطین است

۲۲- از جمله بناهای دوران فاطمیان "مقیاس القیل" واقع در جزیره روضه در نزدیکی قاهره قابل ذکر است که برای اندازه گیری میزان بالا و پایین آمدن سطح آب نیل ساخته شد.

۲۳- خوشنویسی در دوران عثمانی بسیار مورد توجه بود و کاتبان عثمانی افزون بر رشد خط ثلث، خط دیوانی را پدید آورده و به اوج رساندند. خوشنویسی در دوره امپراطوری عثمانی دوره طلایی خود را گذراند.

۲۴- شیوه های معماری ایرانی پس از اسلام: شیوه خراسانی - شیوه رازی - شیوه آذری - شیوه اصفهانی

۲۵- سبک رازی، دومین سبک معماری پس از اسلام در ایران میباشد که اوج آن در دوره ی سلجوقی بوده است. چون اولین بناها در شهر ری (راز) احداث گردیده به سبک رازی معروف است. از مهمترین تغییرات این سبک، حذف فضای شبستانی و ستونهای آن و احداث ایوان گنبد با پلان چهار ایوانی میباشد.

۲۶- محمد کریم پیرنیا در کتاب سبک شناسی معماری ایران» (۱۳۴۷) سبکهای معماری را به زادگاه های آنها نسبت داده و از «سبک آذری» نام می برد. این سبک را میتوان بر معماری اسلامی ایرانی در دوره ایلخانان مغول منطبق ساخت. «دونالد ویلبر» معماری سلجوقی (شیوه رازی) را شکل ابتدایی سبک ایلخانی میداند و خود معماری سلجوقی را برگرفته از سبک پیش از اسلام معماری ساسانی میداند به ویژه در شکل و نسبت های گنبدها.

۲۷- خط کوفی نام خطی از خطوط اسلامی است که منسوب به شهر کوفه بوده و گفته میشود که در آنجا شکل گرفته و توسعه یافته است نخستین نسخه های قرآن با این خط نوشته می شد. نگاره بالا آیه هایی از سوره فتح را که در دوران عباسیان و به خط کوفی خوشنویسی شده است نشان می دهد. این اثر هنری مربوط به قرون هشتم و نهم میلادی است.

۲۸- خطها که به خطوط اصول نیز مشهورند عبارتند از: محقق - ریحان - الخ - قاع - توقیع

وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور حرکت های مستقیم یا منحنی در شکل حروف در هر کدام می باشد.

۲۹- اوایل قرن هفتم خط تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رفاع به وجود آمد که بیشتر به عنوان خط تحریر برای نوشتن نامه ها و فرمانهای حکومتی به کار می رفت. خط تعلیق را می توان نخستین خط کاملاً ایرانی دانست. دومین خط ایرانی در سده هشتم توسط میر علی تبریزی (۸۵۰ هـ ق) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق شکل گرفت و به نام نستعلیق نامیده شد که در اثر کثرت استفاده به نستعلیق تغییر پیدا کرد..

۳۰- چهار تن از خوشنویسان نامی که در چهار خط ثلث، نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق سرآمد بوده اند و به ارکان اربعه هنر» خوشنویسی مشهور گشته اند عبارتند از:

در خط ثلث یاقوت مستعصمی

در خط نسخ میرزا احمد نیریزی

در خط نستعلیق غیر عماد حسنی

در خط شکسته نستعلیق عبد المجید طالقانی

۳۱- نخستین دین یکتاپرستی بیگانه که در سرزمین اعراب قوام گرفت یهودیت بود. این دین را مهاجران یهودی که از قلمرو امپراتوری روم به عربستان نقل مکان کردند رواج دادند دومین دین یکتاپرستی که در عربستان رواج داشت آیین مسیحیت بود

۳۲- اسلام با شعار لا اله الا الله و برادری و برابری مؤمنان نخست اعراب را در جهت یکپارچگی اجتماعی متحد ساخت و پس از آن با همان شعارها به دیگر ملت‌ها پرداخت.

۳۳- در شکل‌گیری تمدن اسلامی فقط عرب‌ها مؤثر نبودند بلکه دیگر ملت‌های آسیای نزدیک و نیز پاره‌ای از ملل آفریقا که با دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شده بودند نقش داشته‌اند.

۳۴- اسلام با شعار لا اله الا الله و برادری و برابری مؤمنان نخست اعراب را در جهت یکپارچگی اجتماعی متحد ساخت و پس از آن با همان شعارها به دیگر ملت‌ها پرداخت.

۳۵- اسلام نه تنها سهم بزرگی در تکمیل مدنیت انسانی و دوام آن داشته در رشد معنوی و فکری جامعه بشری و در حوادث و رویدادهای بزرگ تاریخی و نیز تکامل و تحولات انسانی در طول چهارده قرن نقش داشته و به طور ضمنی عامل وحدت بشریت و تشکیل دهنده دولت جهانی و تمدن و فرهنگ انسانی بوده است.

۳۶- هنر اسلامی که یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های هنری جهان است. در حقیقت بر پایه و ادامه هنر کشورهای است که قرون متمادی دارای هنر و تمدن کهنسال بوده‌اند.

۳۷- هنرهای تزئینی که بیشتر در صنایع گوناگون و دستی جلوه‌گر است سرگذشتی دیگر دارد؛ زیرا در آغاز راه و روش پیش از اسلام خود را دنبال کرد و به تقلید شیوه‌های هنری کهن روی آورد مسلمانان زمانی دراز در تاروپود همین تقلید ماندند.

۳۸- مسجد النبی. مسلمانان در آغاز کار احکام اسلام را از پیغمبر در این مسجد فرامی‌گرفتند و حرم آن حضرت در کنار آن مسجد است. این مسجد در شهر مدینه واقع شده است.

۳۹- گنبد سقفی است نیم کروی یا مقعر که معمولاً در بالای پلان‌های مدور یا مربع و کثیرالاضلاع، که با کمک گوشوار مدور میشود تعبیه میگردد. گنبد دارای سابقه طولانی است که قدمت و سیر تحول آن به خوبی روشن نیست، اما در ایران از زمان پارتیان و اشکانیان در بناهای این دوره دیده میشود.

۴۰- قدیم‌ترین شاهکار معماری اسلامی که هنوز برپاست قبه الصخره (گنبدی سنگی) است که به نام مسجد عمر هم خوانده میشود.

۴۱- قصر الحمرا با دیوار دور تا دور خود که مجهز به برج‌هایی است از خارج کاملاً حالت جدی قلعه را دارد و همین موضوع مانع از این میشود که انسان بتواند به زیبایی نظام درونی آن پی ببرد.

۴۲- یکی از دلایل عمده نقل مکان مردم از شهر قدیمی بغداد به سامره، برخوردهای شدیدی بود که بین قوای عرب و ترک به وجود می‌آمد و مردم نیز از قوای ترک که دیگر با خلیفه تماس چندانی نداشت دل خوشی نداشتند.

۴۳- مصر تنها کشوری است که بناهای دوره اول اسلامی در آن به چشم می‌خورد و از روی بناهای موجود میتوان به فن معماری و تغییرات هر دوره پی برد

۴۴- گیراترین اثر و بنای اسلامی واقع در قاهره عبارت است از مدرسه مربوط به دوره مملوکان در سده هشتم هجری قمری که به نام مسجد نیز خوانده میشود. این بنا را میتوان یکی از عالی‌ترین نمونه‌های فن معماری اسلام دانست این مدرسه که دارای طرح صلیبی است با ابعاد بزرگ و بر روی سطحی به وسعت هشت هزار متر مربع ساخته شده است.

۴۵- مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مسجد الجزایر مسجد کبیر است که در سده چهارم هجری قمری بنا شد و بعد تغییراتی به آن دادند بخصوص مناره چهار گوش آن که در سده هشتم هجری قمری ساخته شده است.

۴۶- عالی‌ترین نوع و شاید زیباترین آرامگاه‌های دنیا بنای تاج محل در شهر اگره است که به وسیله شاه جهان به یادبود زوجه اش ملکه نورجهان در سده یازدهم هجری قمری ساخته شده است.

۴۷- بنای تاج محل را میتوان رؤیای عشق شاه جهان دانست که به شکل پیکری از سنگ مرمر درآمده است. شاید هم منظور شاه جهان از ساختن این بنای باشکوه برای زوجه خود این بوده است.

- ۴۸- مسجد سلطان احمد (مسجد آبی): ژنمای خارجی این مسجد از زیباترین آثار معماری عثمانی به شمار می‌رود، زیرا از محل قرار گرفتن هلال زربین که در بالای گنبد مرکزی واقع شده است توده های هرمی شکل از نیم گنبد و گنبدهای کوچک به صورت آبشاری متقارن و پیوسته به طرف پایه مناره های بلند فرو میریزد.
- ۴۹- پس از فتح اعراب ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند چرا که ایران همیشه مهد یکتاپرستی بود. ایرانیان دین اسلام را با تعلیمات فوق العاده اش با علاقه فراوان پذیرفتند و مسلمان شدند و هیچ مانعی نمی دیدند در همان جایی که پدرانشان اهورامزدا را پرستش میکردند خدای یکتا را پرستش کنند.
- ۵۰- قانون آیین و حکومت ایران مقارن ظهور اسلام طوری بود که قاطبه ملت ایران را وامی داشت برای متابعت از حکومت و آیین تازه ای خود را آماده کنند.
- ۵۱- از هنر معماری اولیه اسلام در ایران آثار کمی موجود است که میتوان به مسجد جامع فهرج یزد از نیمه اول قرن اول هجری و مسجد تاریخانه دامغان و مسجد جامع نایین اشاره کرد چرا که بیشتر این نوع مساجد یا از بین رفته اند و یا تغییر شکل داده اند.
- ۵۲- قدیمی ترین مسجدی که از دوران اوایل اسلام در ایران به جا مانده مسجد تاریخانه دامغان است. اگر چه کتیبه ای که تاریخ بنای آن را معلوم کند وجود ندارد، از سبک معماری بنا میتوان آن را متعلق به اواسط قرن دوم هجری قمری دانست.
- ۵۳- شهر نایین در مشرق اصفهان واقع شده و مسجد جامع یکی از معروف ترین ابنیه آن است که در زمان آل بویه احداث شده است. بنای مسجد عبارت است از یک حیاط چهارگوش که در سه طرف آن تالارهای ستوندار و در شمال آن یک ردیف رواق ساخته شده است.
- ۵۴- یکی از آثار آن سلسله مقبره شاه اسماعیل در بخار است که روابط قوی با بناها و آثار دوره ساسانی دارد. این مقبره بسیاری از اشکال معماری را در مرحله ابتدایی نشان میدهد که بعدها در دوره سلجوقیان در تمام ایران انتشار یافت.
- ۵۵- مسجد جامع اصفهان: این مسجد کاملترین نمونه چهار ایوانی دوره سلجوقی و همچنین زیباترین بنایی است که مجموعه کاملی از تزئینات دوران اسلامی ایران را دارد.
- ۵۶- مسجد جامع ورامین یکی از کاملترین مسجدهای چهار ایوانی است که در سال ۷۲۲ هـ. ق به فرمان سلطان ابوسعید بهادرخان ایلخان بنیاد نهاده شده است.
- ۵۷- مسجد کبود تبریز یکی از بناهای زیبای سده نهم هجری قمری است که در زمان جهانشاه قره قویلو و به دستور دخترش صالحة خانوم بنا شده است. سردر اصلی مسجد نمونه ممتازی از تزئین کاشیکاری است.
- ۵۸- یکی از بناهای بسیار زیبای دوره صفوی مسجد امام اصفهان است. کتیبه های متعدد در شبستان شرقی گنبد جنوبی و سایر قسمت های مسجد روی کاشی معرق و هفت رنگ خشتی نوشته شده و زیر گنبد بالای محراب کتیبه ای به خط محمد صالح اصفهانی نقش شده است.
- ۵۹- مدرسه سپهسالار یا ناصری تهران که امروز به نام مدرسه عالی مطهری نامیده می شود. از مدارس بزرگ و زیبای قرن سیزدهم هجری قمری است. بانی این بنای عظیم و ساختمان سابق مجلس شورای ملی شادروان حاج میرزا حسن خان سپهسالار قزوینی صدر اعظم دوره ناصرالدین شاه قاجار و برادرش مشیر الدوله بوده اند. (۱۵۷)
- ۶۰- گل یکی از مهمترین مصالح ساختمانی در معماری ایرانی است که به شکلهای متفاوتی چون خشت خام و پخته و کاهگل به کار می‌رود گل ویژگیهای بسیار دارد آسان و ارزان یافت میشود قالب گیری آن به سرعت انجام می گیرد.
- ۶۱- یکی از عوامل اصلی که در کاربرد خشت و آجر به عنوان مصالح اصلی بنایی در برخی جاهای ایران و بین الیهین تأثیر داشته کمبود سنگ مناسب در این سرزمین ها بوده است.
- ۶۲- معماری اسلامی در ایران در تمام ادوار و قرون سه نوع تزئین بر روی بنا نشان میدهد که عبارت است از آجر کاری، گچکاری و کاشیکاری. از لحاظ زمان استفاده از هر یک از سه نوع با دو نوع دیگر مصادف و منطبق است، ولی گچ مدت درازتری از مصالح دیگر به کار برده شده است .
- ۶۳- خط کوفی در زمینه تزئین توانسته است در سرزمینهای شرق جهان اسلام بیشتر از ممالک غربی اسلام رشد و تعالی داشته باشد. با رشد اسلام و توسعه نفوذ آن خط کوفی در عالم انتشار یافت و در مدت خیلی کم از جنبه تزئین و زیبایی به مقامی رسید که نظیر آن را هیچ خطی در تاریخ تمدن انسانیت حائز نشده است.
- ۶۴- کاشیکاری بهترین و عالی ترین شیوه ای است که ایرانیان برای تزئین و آرایش ساختمان ها ابداع کرده اند و به حدی از این عنصر تزئین در ابنیه مذهبی و شخصی ایران بعد از اسلام استفاده شده است که کمتر بنای رسمی را بدون آجرهای زیبای کاشی میتوان مشاهده کرد.

۶۵- یکی از عناصر تزیینی معماری که در زیبا ساختن بناهای ایرانی بخصوص مساجد و مقبره ها نقش مهمی دارد مقرنسکاری است. مقرنسها را میتوان از جمله وسایل مؤثر ساختن گنبدها دانست که بعدها محتوی نظری اولیه را از دست داد و بیشتر برای تزیین به کار رفت.

۶۶- کلمه مقرنس با قر و قرناس و قرنس (قرنيس) و قرنيز خويشاوند است و می توانيم بگوئيم قرنيسدار يا قر شده و اين معنی با شکل عنصر تزیینی مورد نظر ما که از تعدادی کم و بیش سطوح برآمده و فرورفته صورت میگیرد موافق است.

۶۷- داخل و خارج آستانه حضرت علی بن موسی رضا (ع) در مشهد از شاهکارهای تزیینی درجه اول اسلامی است و در سراسر بناهای آن مقرنس در کنار سایر تزیینات به کار رفته است

۶۸- در دوران سلجوقيان نقاشی دیواری با تصاویری خاص خودنمایی میکند. بهترین نمونه این نقاشیها را در برج شرقی و یا برج اول خرقان که یکی از دو برج آرامگاه خرقان است شاهدیم.

۶۹- نقاشی های بزرگ روی دیوار که در زمان قاجاریه کشیده شده، گرچه اغلب نفوذ نقاشی اروپایی در آنها دیده میشود قابل توجه اند. تصاویر نقاشی شده فتحعلیشاه نیز زیاد است که روی پارچه دیوار و کاشی کشیده شده است.

۷۰- نقاشی قهوه خانه ای یکی از هنرهای سنتی است که از قهوه خانه سرچشمه گرفته است. روزگاری قهوه خانه تجلیگاه ذوق و اندیشه ایرانی بوده قهوه خانه عمری دراز دارد و سالیانی بسیار حافظ میراث کهنسال اندیشه و ذوق سنتی ایران بوده است.

